

چهره‌ها

Chehreh Nama

بهار 3753 زرتشتی 1394 خورشیدی
نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
سال سی و سوم شماره 173

بزرگان سخن

داستان‌ها

پیشگامی نوروژی

تاریخ ۱۸۰۰

the Great
Cyrus و
کوروش بزرگ



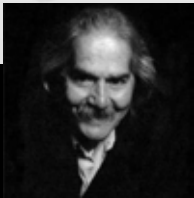
دستانی که یاری می‌دهند پاکتر از دست‌هایی هستند که رو به آسمان دعا می‌کنند



فرارسیدن نوروز باستانی و زادروز اشو زرتشت را به همکیشان و هم میهنان و همه ایران دوستان سراسر جهان شادباش گفته و امیدواریم که با گسترش هرچه بیشتر آموزشهای اشوزرتشت آرامش و آسایش بر همه جهانیان فراهم شود. برای همه سالی بسیار خوش و سرشار از تندرستی، پیروزی و شادکامی آرزو میکنیم.

گروه مدیران دوره نونزدهم مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

سر دبیر، گرافیک و رایانه: کیخسرو یکتاهی
با یاری گروه دبیران
اینترنت: رامین شهریاری



بنام اهورامزدا،
بزرگ دادار آفریدگار، آفریدگار خوبی و سودمندی، نیکی و زیبایی، پروردگار بهی و هر چه بهتر و هرکه بهترین است. سپاس او را و باران ستایش و درود نثار بر بهترین مهتران، گرامیترین ارجمندان، مه مهان و بلند بلندان، آموزگار نیکهای سهگانه، ستایشگو و سرایشگر زیباییها و خوبیهای هزارگانه، پیامبر راستین و راستان، پیرو پیشوای امروز و باستان، ستاینده راستی و رادی نیکی و پاکی، دارای فره درخشان ایزدی، دشمن اهریمن دروغ و بدی، نمازگزار آتش وزمین و آفتاب و روشنی خاک و آب، بهترین افسانه‌گوی افسانه زندگی، ساقی سرخوش میخانه زندگی، پر و پیمان پیمانانه زندگی، فرستاده و پیامگزار بغان، پیر مغان، سر و سرور سرآمدان، رد بخردان، بخردان، فرمند پیک اورمزد، امین امشاسپندان و ایزدان، بهین فرزندان زمین و آسمان، فرمند زرتشت اسپنتمان.

مهدی اخوان ثالث

بر گیری از نوشته های چهره نما با چاپ نام نویسنده و نشانی تارنما آزاد می باشد.

چهره نما در گزینش و ویرایش نوشته های رسیده آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شود.

دیدگاه های بازتاب شده در نوشته ها همیشه گویای دیدگاه های انجمن دبیران چهره نما نمی باشد.

چهره نمای مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، نشریه ایست دینی، اجتماعی، تاریخی، ادبی و فرهنگی که به هیچ دسته و گروه سیاسی بستگی ندارد.

Trust of Morvarid Guiv

4001 S. Decature Ave. suite 37-337 Las Vegas,
NV 89103 Tell : (809)889-9795

SEDA'S **PRINTING**
& **DIRECT MAILING**



فرشه : تازه گردانیدن جهان

نوروز یکی از کهنترین جشنهای ایرانی است که در فرهنگ زرتشتی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. نوروز آغاز سال خورشیدی است، گاهشماری که در سنت زرتشتی، حتی آن را به خود اشوزرتشت پیامبر زرتشتیان نسبت می‌دهند این گاهشماری با احتساب کیسه یکی از بی‌نقص‌ترین گاهشماریهای ملل جهان نیز به حساب می‌آید.

ولی آنچه که به نوروز در فرهنگ دینی زرتشتیان ارزش ویژه‌ای داده است بی‌شک فلسفه نو شدن است که در دل این یادگار باستان باقی‌مانده است. نوروز با بهره‌گرفتن از نوشتن جهان هستی پیام‌آور نوگرایی و تازه‌اندیشی برای تمامی انسانهاست.

اشوزرتشت در هات ۳۰ بند ۹ گاتها می‌فرماید : « بشود که از کسانی شویم که جهان را تازه می‌گردانند» واژه‌ای که در این بند تازه گردانیدن ترجمه شده‌است واژه «فرشه» می‌باشد که به معنی «تازه و نو و خرم» است. بهدینان با پندگرفتن از نوروز و نظام هستی، می‌آموزند سازندگی و نوگرایی را.

در هات ۳۴ نیز که اشوزرتشت، سوشیانسها و صفات ایشان را معرفی نموده است در آخرین بند واژه فرشه را به کار برده است. استاد پورداوود براین باور است از آنجایی که در این بند فرشه با اهورا به کار رفته منظور پیامبر رستاخیز یا همان جهان نو و آرمانی است که سوشیانسها(موعود)، نوید دهنده آن می‌باشند.

«ای هستی بخش بزرگ، با نیروی خویش چنان ساز که از یک زندگی نوین و سرشار از راستی بهره‌مند گردیم.»

اشوزرتشت خود را نخستین سوشیانس می‌داند و بی‌شک او کسی بود که در زمان خود یک فرشه واقعی را انجام داد او با تمام کهنگی‌ها و پوسیدگیهای زمان خودش به مبارزه پرداخت و در نهایت توانست در این راه جهانی بسازد متفاوت با آنچه که وجود داشت. او در گاتها آرزو می‌کند سوشیانسهایی که با درک پیام اهورامزدا بتوانند راه او را ادامه دهند.

نوگرایی و تلاش برای اندیشه‌ها و کارهای

تازه زیربنای شکل‌گیری جوامع مترقی و پیشرو می‌باشد. در فرهنگ زرتشتی خدای یکتا مزدا نامیده می‌شود به معنی «دانای کل» و انسان نیز به واسطه وهومنه یا اندیشه پاکش ارزش پیدا می‌کند. طبیعی است که در چنین فرهنگی نوگرایی و پیشرفت بالاترین جایگاه را دارا می‌باشد. چرا که در فرهنگی که به انسان به واسطه اندیشه‌اش و مهمتر از آن، تکامل اندیشه‌اش بها داده می‌شود بی‌شک به آزادی و اختیار به عنوان تنها بستری که اندیشه در آن می‌تواند رشد کند ارجح می‌نهد و آزاداندیشی و آزاداندیشان همواره جهانی می‌سازند نوتر و تازه‌تر از جهانی که وجود دارد.

حال این پرسش مهم مطرح است حوزه دین نیز مجاز

که آیا این نواندیشی و نوگرایی در حال این پرسش مهم مطرح است

است؟ اشوزرتشت و



یک بررسی ساده تاریخ زرتشتیان نیز بیانگر این امر است که در هر دوره‌ای که به نام دین جلوی آزاداندیشی و نوگرایی بهدینان گرفته شده است اتفاقاً دوران رکود و سراسیمگی دین زرتشتی بوده است. در اوستا نیز آمده است زمانی که موعود یا همان سوشیانس ظهور می‌کند پایه‌گذار جهانی نو خواهد بود و در این راه او با دیو آشموغی مبارزه کرده و آن را شکست می‌دهد. آشموغی در فرهنگ زرتشتی یعنی بدعتهای نادرست دینی و سوشیانس دین را از این ظواهر و بدعتهای پاک می‌کند تا اصل ساده و روان دین از این هاله بیرون آمده و نمایان گردد و به این ترتیب او جهانی خواهد ساخت گاتهایی یعنی جهانی همانند آنچه که زرتشت در زمان خود برای ساختن آن کوشید و جهانیان را به آن بشارت داد.

در کتاب دینکرد نیز این گاهانی شدن جهان با فرشکرت به روشنی بیان شده است : «اندر آن طول هزاره بند کردن دهاک(ضحاک) و برانگیختن گرشاسب برای زدن دهاک و رسیدن کیخسرو و یاران به کمک سوشیانس برای فرشگرد کرداری(تازه گردانیدن) و آراستن بیشتر مردم به داد و خوی گاهانی(گاتهایی) است.»(دینکرد سنجانا ج ۷ ف ۹ب ۱۰)

هر روزتان نوروز
نوروزتان پیروز



موبد پدرام سروش پور

عضو هیات مدیره انجمن

موبدان تهران

مدیر آدریان تهران

سردبیر مجله فروهر

سوشیانسهایی می‌کند در همین حوزه باورهای مردم تغییر و تحول بوجود آورده و خواهند آورد و از طرف دیگر در طول تاریخ، همواره اعتقادات و باورهای معنوی از رشد چشم‌گیری در جوامع برخوردار است اگر چه بسیاری از این درکهای نو، در طی تاریخ سنتها و باورهای درست دینی را شکل می‌دهند ولی این امر هم بدیهی است که در کنار آنها باورها و اعتقادات نادرستی نیز به نام دین شکل گرفته و حتی دین را از اصل خود هم دور نماید حال اگر این باورها و اعتقادات در طول زمان محکم و غیر قابل تغییر تلقی گردند حتی این احتمال می‌رود که دین از آرمان و هدف خود منحرف شود. اتفاقاً اگر در جوامع دینی به فرشکرد و نوآوری بها داده شود همواره سنتها و باورهای دینی در بوته آزمایش اندیشه‌های زمان بوده و این تضمینی خواهد بود برای بیراهه نرفتن ادیان الهی. همچنین دیگر دین به نام سنت و سنت‌گرایی، مانعی نمی‌شود برای تحولاتی بالارزش بشری همچون مدرنیسم. بلکه آنگاه دین می‌تواند با تکیه بر ماهیتهایی واقعی خود همچون اخلاق، در کنار این حرکت‌های پیشرفت‌خواهانه بشری قرار گرفته و تضمینی باشد برای بیراهه نرفتن آنها.

تاریخ 180 درجه

پر گرفته از مجله ی فروهر

پیشگفتار

وقتی حدود دویست سال پیش کر پورتر، سر جان ملکم و کنت دوگوبینو به جستجوی تاریخ گمشده ی ایران می پرداختند و برای نخستین بار در ایران، از کوروش می گفتند، کمتر ایرانی کوروش را می شناخت و اکنون کمتر ایرانی را بتوان یافت که او را نشناسد. نقش کوروش، در هویت ملی کنونی ایرانیان را به سادگی نمی توان نادیده انگاشت. بدان اندازه که در برخی نظرسنجی ها، کوروش عنوان بهترین شخصیت تاریخی ایران را کسب می کند، حضور استوانه بابللی او در ایران، رکورد بازدید همگانی از موزه ایران باستان تهران را می شکند و ایرانیان بسیاری نام فرزندشان را کوروش می گذارند.

با این همه گاه پرسش پیش می آید که "آیا کوروش واقعا بزرگ بود؟" (همشهری جوان مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۴) و آیا قباای که ایرانیان در یکی دو سده ی گذشته بر تن او دوخته اند، بر او گشاد نیست؟ اکنون به نظر می رسد نقد تاریخی کوروش و از آن مهم تر نقد «صویر کنونی کوروش برای ایرانیان» برای برخی از تاریخ پژوهان و روشن فکران از جذاب ترین مباحث باشد. منتقدان کوروش و منتقدان تصویر کنونی کوروش، آنرا رفتاری واکنشی، عامیانه و توده ای در میان جوانان کم دانش می دانند. به گونه ای که وقتی یک وبلاگ، صفحه ای در شبکه ای اجتماعی، تارنما و یا کتابی به ستایش از کوروش پرداخته، جملات زیبا و فلسفی و اخلاقی به او نسبت می دهد و از او چهراهی قهرمانی ارانه می کند، مصداقی برای «کوروش پرستی» یا «کوروش ستایی» دانسته می شود.

من در اینجا سر آن ندارم که به بحث درباره ی چیستی و چرایی آنچه «گرایش عوامانه به کوروش» خوانده می شود بپردازم. همچنین فرصتی برای واکاوی یا تکذیب دلایل منتقدان کوروش، چه در بُعد تاریخ پژوهی و چه در بعد جامعه شناسی ندارم. بلکه تلاش می کنم نشان دهم که در جایی بیرون از بحث های داغ پیرامون کوروش ستایی و در برابرش، کوروش ستیزی در فضای ژورنالیستی و اینترنتی کنونی ایران، می توان در آثار آکادمیک به این شخصیت نزدیک شد و او را شناخت. بدیهی ست که من صرفا به جریان اصلی تاریخ پژوهی نظر می افکنم و در پی آنم تا ببینم تحلیل کلی تاریخ دانان -در منابعی که دانشگاهی خوانده می شود- نسبت به کوروش چیست. پس در اینجا نگاهی خواهم کرد به ۱۷ منبع ترجمه ای و تالیفی به زبان فارسی. آنچه به دنبالش می گردم، جزئیات ۲۹ سال فرمانروایی کوروش، چگونگی جنگ هایش، چگونگی مرگش، شناسایی دین، تبار و شجره نامه اش نیست. آنچه مورد علاقه ی من است، تحلیل و ارزیابی کلی تاریخ نگاران نسبت به چهره یا تصویر تاریخی کوروش است.



بهرام روشن ضمیر

برنده "جایزه نوروز" بنیاد میراث پاسارگاد به عنوان بهترین شخصیت میراث فرهنگی سال -۱۳۹۲- ۲۰۱۳

حاصل کار پژوهشی بهرام روشن ضمیر در این سالها بیست مقاله پژوهشی و بیش از پنجاه یادداشت چاپ شده در نشریات و همچنین سخنرانی در دانشگاهها، مراکز پژوهشی، بنیادها و نهادها و کانون های فرهنگی، آموزشی، فرهنگسراهای شهرداری و رادیو بوده است.

از سال ۱۳۸۶ تا کنون بهرام روشن ضمیر جوایزی را از دانشگاه های فنی دانشگاه تهران، دانشگاه الزهراء، و انجمن فرهنگی ایران زمین دریافت کرده است. این جوایز به پاس تلاش های او برای فرهنگ ایران بوده است.

که پایه‌ی امپراتوری کوروش را از اساس لرزاند (همان، ص ۶۶۲-۶۶۱).

۶- سر مکس ملاوان باستانشناس انگلیسی و همسر آگاتا کریستی (خالق پوارو) در تاریخ ایران کمبریج می‌نویسد: تساهل و تسامح دینی از مهمترین ویژگی‌های پادشاهی هخامنشیان بود و بی‌گمان کوروش، خود از مشوقان آزاداندیش این رفتار انسانی هوشمندانه بود. نمونه‌های بسیاری از کمک کوروش به بازسازی پرستشگاه‌های بابل و دیگر پرستشگاه‌های بیگانه از جمله‌ی این رفتار انسان‌دوستانه وی بودند. چراکه این کار بخشی از سیاست دوراندیشانه‌ی وی بود. برای نمونه در شهر اور در کالده‌س که مرکز مهم پرستش ایزد ماه، نانا بود، کوروش دروازه جدیدی بر دیوار بزرگ تمنوس که آنرا نخستین بار نبوکدنصر در حکم حصاری مقدس برای این پرستشگاه ساخته بود، بنا کرد. بر دیوانه‌ی درگاه ورودی، این پرستشگاه، خشت نوشته‌های به دست آمده از قدرت و آزاداندیشی کوروش سخن می‌گویند. هشت مورد از دوازده سند معامله‌ای که از دوره هخامنشیان در شهر اور باقی مانده است، در دوره کوروش نوشته شده‌اند. از دیگر خصلت‌هایی که مورخان به کوروش نسبت داده‌اند، آن بود که وی به شیوه شوالیه‌های قرون وسطی فرمانروایان شکست خورده خود را با بزرگواری مورد بخشایش قرار می‌داد. در این مورد می‌توان به برخورد وی با سه تن از مهمترین هم‌اورانش کروزوس، نوبید و آستیاگ اشاره کرد. سیدنی اسمیت چنانکه باید این موضوع را روشن کرده است: «داستانهایی که درباره رفتار مهربانانه کوروش با همه پادشاهان مغلوب روایت شده‌اند، تنها تبلیغاتی‌ست که در افسانه‌ها باقی مانده و همه از ظهور دریافتی نو از روابط بین حکومت‌ها حکایت می‌کنند، زیرا تا پیش از این هیچ فرمانروای فاتحی چنین آوازه‌ای نکرده بود». تنها کسی که پیش از داریوش روحانیون معبد را گرامی داشته، کوروش است. زیرا برای وی ندای دلنشینی از وحی، بیشتر از نبرد، ارزش داشت. نمونه‌ی چنین سیاست هوشمندانه‌ی نسبت به روحانیت سرزمین‌های بیگانه، همان رفتاری است که با آنچه از سیاست کوروش هنگام پایه‌گذاری امپراتوری هخامنشی می‌دانیم، کاملاً هم‌خوانی دارد. در بابل، همین‌طور در یهودیه و جاهای دیگر، مدارک فراوانی در ارتباط با تسامح کوروش در امور دینی به دست آمده است و هیچ نشانه‌ای از تعصب وی به دین ملی اش دیده نشده است. اما به راستی دین خود کوروش و ایرانیان چه بود؟ هرچند تاکنون مدرکی به دست نیامده است که بر پایه‌ی آن بتوان گفت دین زرتشتی تا پیش از پادشاهی داریوش و جانشینانش دین رسمی هخامنشیان شده باشد. اما به نظر می‌رسد که آموزه‌های اصیل این پیامبر که

مقدم‌اش را پذیرا خواهند بود. مردمان عالم به وجودش آرامش خواهند یافت. او مردی است که خداوند انتخاب و هدایت کرده است تا پیروزی از پس پیروزی به چنگ آورد و رسالت حقیقی خود را انجام دهد... خداوند می‌گوید دست راست کوروش مسیح را گرفت تا به حضور او کشورها را فتح ساخته و کمر پادشاهان را بشکند. تا درها در برابر وی باز شود و دروازه‌ها دیگر بسته نشود. (عهد عتیق، کتاب اشعیا، باب ۴۱ تا ۴۵)

۳- یونانیان عصر کلاسیک به کوروش بسیار اشاره کرده و او را «دوست خدایان» (آیس خولوس: پارسیان)، «دارای صفات خدایی» (کسنفون: کوروشنامه) و «سرداری بزرگ و محبوب» (افلاطون: قوانین) دانسته‌اند. هرودوت درباره او می‌نویسد: «در این باره من از آن پارسیانی پیروی خواهم کرد که قصدشان تجلیل کارهای کوروش نبوده است. من از اینها پیروی می‌کنم یا اینکه قادرم سه روایت مختلف دیگر را نیز نقل کنم (هرودوت، ۱) کوروش فرمان داد تا سپاهیان‌ش جز به روی جنگجویان شمشیر نکشند [مصنوعیت حمله به غیرنظامیان]، و هر سرباز دشمن که نیزه خود را خم کند او را نکشند [مصنوعیت اسیر جنگی]، و لشکر کوروش فرمان او را پذیرفتند. بدین ترتیب توده مردم، مصائب جنگ را احساس نمی‌کردند... کوروش پادشاهی کریم و سخاوتمند و بسیار ملایم و مهربان بود، و مانند دیگر پادشاهان به اندوختن مال حرص نداشت، بلکه تشنه نیکی و در بخشش حریص بود. ستمدیدگان را از عدل و داد برخوردار می‌ساخت و هرچیزی دارای نیکی افزونتر بود، آنرا دوست می‌داشت.» (هرودوت، ۱)

کسنفون، فیلسوف آتنی و شاگرد سقراط، چهره‌ی آرمانی رمان فلسفی - تاریخی خود را کوروش هخامنشی گرفته بود: «کوروش پادشاهی عاقل و مهربان بود و بزرگ‌منشی شاهان و فضائل حکیمان در او جمع بود. همتی پیروزگر و وجودی برتر از دیگران داشت. شعارش خدمت به انسانیت و خوی او عدالت بود و تواضع و فروتنی در وجود او جای خودپرستی و تکبر را گرفته بود... کدام وجودی مگر کوروش از راه جنگ و ستیز صاحب امپراتوری بزرگی شد، ولی هنگامی که در گذشت، همه‌ی ملل مغلوب او را «پدری محبوب» خواندند؟ و این عنوانی است که به «ولی نعمت» می‌دهند نه به شخصی اشغالگر». این کتاب را تاریخ محض نمی‌دانند. ولی چرا فیلسوف سقراطی کوروش را برگزید؟

۴- هگل، فیلسوف آلمانی سده‌ی هجده و نوزده درباره‌ی شاهنشاهی هخامنشی یعنی دولتی که کوروش بنیاد گذاشت می‌نویسد: «از دیدگاه سیاسی، ایران زادگاه نخستین امپراتوری راستین و حکومت کامل است که از عناصری ناهمگن فراهم می‌آید. در اینجا نژادی یگانه، مردمان بسیاری را دربر می‌گیرد (ولی این مردمان) فردیت خود را در پرتو حاکمیت یگانه، نگاه می‌دارند. این امپراتوری نه همچون امپراتوری چین، پدرشاهی، و نه همچون امپراتوری هند، ایستا و نه همچون امپراتوری مغول، زودگذر و نه همچون امپراتوری ترکان، بنیادش بر ستمگری است. برعکس در اینجا ملت‌های گوناگون در عین آنکه استقلال خود را نگاه می‌دارند به کانون یگانگی بخشی وابسته‌اند که می‌تواند آنرا خشنود کند. از این رو امپراتوری ایران، روزگاری دراز و درخشان را پشت سر گذارده است و شیوه‌ی پیوستگی بخش‌های آن چنان است که با مفهوم (راستین) کشور یا دولت بیشتر از امپراتوری‌های دیگر مطابقت دارد.» (هگل، عقل در تاریخ، ص ۳۰۴)

۵- آلبرت اوپنهایم، زبان‌شناس و از مترجمان متن‌های بابلی در تاریخ ایران کمبریج می‌نویسد: «از اینجا (خط ۲۰ استوانه) تا پایان کتیبه، ناگهان کوروش به صورت اول شخص با ما صحبت می‌کند. این تغییر در یک کتیبه‌ی شاهانه بین‌النهرینی، عجیب است. زیرا سبک ادبی متونی که استوانه به آنها تعلق دارد، چنین (نمایشی) را نمی‌پذیرد. به نظر می‌رسد که این کار برای به تصویر کشیدن رویدادی حقیقی است. این رویداد احتمالاً همان sulmu (شولمو) یا به عبارتی سخن گفتن شاه با توابع جدیدش است. کوروش به سبکی گزارش‌گونه آنچه را که از آغاز فرمانروایی تاکنون برای بابل انجام داده است بیان می‌کند: اینکه نسبت به مردوخ بسیار مومن است، سپاهش در بابل به نکویی رفتار می‌کنند، امنیت دوباره در تمام شهرهای قلمرویش برقرار است، ویرانه‌ها را دوباره ساخت و ... به خاطر همه اینها، مردوخ به او و پسرش، کمبوجیه و سپاهش برکت داد. «ما» (یعنی شاه و ولیعهد) در عوض، خدای را ستایش کردیم. کاربرد این «ما» از سوی شاه در کتیبه‌ی ای بین‌النهرینی، استفاده‌ای عجیب و کاملاً بی‌سابقه از «اول شخص جمع» است. (اوپنهایم، «اسناد بابلی مربوط به حکومت هخامنشیان»، تاریخ ایران کمبریج، جلد دوم، ص ۶۵۷) کوروش تنها پارسی است که برخلاف جانشینانش در منابع میخی (بابلی)، چیزی بیش از سیاس‌گزارهای رسمی یک ارباب بیگانه، باقی گذاشته است. بنابراین تصویری که از او برای ما باقی مانده است، تا حد قابل توجهی با تصویر او در منابع مقدس (عهدعتیق و کلاسیک) یونانی (همانگی دارد. این همانگی ممکن است به دلیل شرایط خاص سیاسی باشد که در زمان کوروش بر شرق نزدیک باستان حاکم بود، و یا می‌تواند به دلیل شخصیت و رفتار خود او به عنوان فاتح و فرمانروا باشد که در منابع مختلف منعکس شده است. به هر تقدیر، بی‌ظنری کوروش، باید عامل اصلی ایجاد و توسعه امپراتوری پارس به رهبری او به حساب آید. در تلاش برای برشمردن دستاوردهای کوروش باید یک نکته را مد نظر داشت. اختلاف فوق‌العاده‌ی نقش کوروش، به عنوان آزادی‌بخش، که با شادی همه‌ی ملل همراه بود و سقوط سریع پسرش کمبوجیه، در ساختار سیاسی چند ملیتی پدرش. کلید مسئله در تأثیر میان دوره‌ی بردیای دروغین بر آنها نهفته است،

بازتاب کوروش در آینه‌ی تاریخ‌نگاران

نخست از آثار کهن می‌آغازم و سپس به پژوهش‌های نوین می‌رسم.

۱- شاید مهمترین و کهن‌ترین اسناد برای شناخت کوروش، اسناد بابلی باشند. در چند سند بابلی که به دست کاتبان یا روحانیون بابلی به زبان اکدی نوشته شده، کوروش را منجی مردم کلدانی و فرستاده‌ی مردوک (خدای بزرگ بابلی) دانسته‌اند. (ارفی، ۱۳۹۰) یکی از آنان استوانه‌ی بابلی است که از آن با منشور کوروش هم یاد می‌شود. ولی سطرهای ۱ تا ۲۰ آن از زبان شخصی ناشناس نوشته شده است. سند دیگر را منظومه حران (۱) نامیده‌اند که باز شاعری گمنام همان مضمون استوانه بابلی کوروش را تکرار می‌کند. (Oppenheim ۱۹۶۹) و سند دیگر را «پیشگویی دودمانی» خوانند که به بیش از ۲۰۰ سال پس از مرگ کوروش و احتمالاً در زمان سلوکوس برمی‌گردد. این نوشتار هم نگاهی نسبتاً ستایش‌آمیز نسبت به شاهنشاهی هخامنشی دارد (کورت: ۱۳۸۸، ص ۲۶۵). بروسوس، کاهن کلدانی بابل در دوره‌ی سلوکی، ۷۰ سال پس از سرنگونی هخامنشیان، در کتابی که به زبان یونانی نگاشت، پس از شرح دادن فتح بابل به دست کوروش می‌نویسد: «نوبید خود را به او تسلیم کرد و کوروش رفتاری مهربانانه با او داشت و او را در کرمان سامان بخشید و نوبید تا پایان عمر در آنجا زیست.» (۲)

۲- در کتاب مقدس یهودیان، عهد عتیق، اشارات به کوروش فراوان است. مهمترین آنها کتاب اشعیا نبی: «او باید همان کسی باشد که بر دیگران سروری دارد. درها به رویش باز خواهد شد. شهرها

هدایت شوند. کسی که تاریخ جهان را از چنین جهتی بررسی کند، چشمان او در اعمال کوروش، حداقل جزئی از «تاریخ رهایی بشریت» را در عالی‌ترین مراتب باز خواهد یافت. آزادسازی بنی‌اسرائیل در سال ۵۳۸ ق.م. بدون دخالت بلاواسطه پادشاه پارسها و بدون صدور اجازه بازگشت یهودیان تبعید شده، دیگر قوم یهودی باقی نمی‌ماند. بنابراین اورشلیم و جلیجتا هم وجود نمی‌داشت. (هینتس، داریوش و پارسها، ص ۱۳۹)

۱۰- ریچارد فرای، تاریخ‌نگار بنام آمریکایی که چندی پیش درگذشت در کتاب خود می‌نویسد: یک صفت دوران حکومت کوروش، همانا اشتیاق به فراگرفتن خوبی‌ها و سنت‌های مردمان فرودست و فرمانبر شاهنشاهی و سپاسداری دین و رسم‌های ایشان و میل به آفریدن یک شاهنشاهی آمیخته و بی‌تعصب بود. یک صفت دیگرش ادامه سازمان‌ها و سنت‌های شاهان گذشته یعنی مادها بود. فقط با این تفاوت که کوروش، جانشین آستیاگ

گشته بود. زیرا که بیگانگان شاهنشاهی هخامنشی را همان شاهنشاهی مادی و پارسی می‌دانستند. فتوحات پارسیان، واقعا بزرگتر از آن جهان‌گیران گذشته نبود و با آنها تفاوتی هم نداشت. گو اینکه فن سپاهی گری بی‌شک با به کار بستن شیوه‌های نو در استعمال سواره و دیگر نیروها پیشرفت کرده بود. آنچه درین میان تفاوت کرده بود، سیاست آشتی‌خواهانه کوروش بود برای برقراری امنیت در سراسر شاهنشاهی. برای رسیدن به این هدف، مردم فرودست می‌بایست با شاهنشاه همکاری کنند. برای اداره شاهنشاهی پنهانور هخامنشی، کاتبان بین‌النهرینی و سوریه باید کار دیوان را بگرداندند. در جهان هنر و فرهنگ و همچنین ملکه‌داری عناصر مختلف موجود بود، منتها نبوغ کوروش و ازو بیشتر، داریوش در به‌هم‌جوش دادن و استوار پیوستن این اجزا بود. زیرا که چنین می‌نماید که یکی شدن شاهنشاهی هخامنشی بیشتر شاهکار داریوش باشد تا کوروش، ولی کوروش پایه‌گذار و صحنه‌ساز این یگانگی بود. کوروش، پنداری، نفوذی بزرگ در ایرانیان به جای گذاشته بود. تنها نه از آن جهت که شاهنشاهی پنهانوری را بنیاد نهاده بود. بسیاری شهرها و رودها را به نام او نام‌گذاری کردند که شاید بعضی از آنها را خود مردم بی‌دخالت دولت و رسمیت دادن آن، انجام دادند. هرودوت می‌گوید که ایرانیان رفتار ملایم او را همواره به یاد داشتند و او را پدر می‌نامیدند. نیز «حماسه کوروش» در دست است که در میان مردم پرآوازه بود. همه اینها دلیل بر سپاسداری و مهرورزی مردم نسبت به بنیانگذار دودمان هخامنشی است. پسرش هرگز به این پایه نرسید. (فرای، میراث



تابلوی کوروش و پانته آ اثر وینسنت لوپز نقاش اسپانیایی قرن ۱۸ میلادی

را خوشامد گفت و هیچ کمکی به مقاومت یونانیان در برابر سپاهیان ایران نکرد. (ملاوان، «کوروش بزرگ» تاریخ ایران کمبریج، جلد یکم، ص ۴۹۶-۴۸۹)

۷- ژرار ایسرائل، تاریخ‌نگار فرانسوی در کتاب خود می‌نویسد: تا آن روز ملل و اقوامی که در منطقه حساس مزبور می‌زیستند هر کدام برای خود سازمان جداگانه‌ای داشتند که نمودار تمایز گروه‌های مختلف تشکیل دهنده فرهنگ‌های محلی بودند. حق اقوی و اصل زورمندی نیز به عنوان اساس سیاست‌های جاری پذیرفته شده بود و بهره‌کشی ظالمانه از همه امکانات و توانایی‌های ملل مغلوب، امری معمول و مقبول شمرده می‌شد. با توسعه‌ی امپراتوری و خاصه پس از فتح بابل بود که جهانیان دانستند دوران جدیدی در حیات ملل و نحوه ملک‌داری حکمرانان آغاز شده است. چرا که قرار نبود تمدنی از بین برود تا تمدن دیگری آغاز شود و بنا نبود سنی نابود شود تا سنت‌های تازه‌ای جای آنها را بگیرد (ایسرائل، کوروش بزرگ، بنیادگذار امپراتوری هخامنشی، ص ۲۳۵)

۸- پیر بریان، بنام‌ترین هخامنشی‌شناس کنونی در کتاب خود می‌نویسد: باری کوروش رفتاری نجیبانه و مودب با کروزوس در پیش گرفت و چنانکه معروف است، مدتی طولانی او را محترم شمرد و در سلک مشاوران و نزدیکان خویش نشانید. عواید مالیاتی یک شهر لیدی را نیز به عنوان تیول به او داد تا مابقی زندگی خود را به گونه‌ای مناسب ادامه دهد (پیر بریان، تاریخ امپراتوری هخامنشی، مهدی سمسار ص ۱۱۲)

۹- والتر هینتس، زبان‌شناس بنام آلمانی در کتاب خود می‌نویسد: در اینجا ما از کوروش جدا می‌شویم و با توجه به آنچه گذشت از خود می‌پرسیم، خدمت بزرگ و جاودانی این بزرگان تاریخ چه بود؟ و می‌بینیم که کوروش، اولین کسی بود که کشوری جهانی بنیان گذاشت، قبل از او قطعا کشورهای بزرگی چون آشور وجود داشت، لیکن هیچ‌یک چون کشور جهانی که پارسها بنا و داره کردند نبود. آیا این تنها یک نوع تمرکز قدرت نبود که پارسها از آن سود بردند؟ کوروش، چنگیزخان دوران باستان نبود؟ به تحقیق، نه! باعث کمال تاسف است که برخلاف داریوش، به مردمان عصر خودش و برای آیندگان دلایل رفتار خود را بازگو نکرده است. احتمالا کوروش بنای این کشور جهانی را نوعی رسالت برای استقرار «نظام راستین» به مفهوم مورد توجه زرتشت می‌دانست. حتی اگر ما آنچه را بانی این کشور جهانی فکر می‌کرده و در جهت عملی ساختن آن می‌کوشیده، کنار بگذاریم، با هم می‌توانیم توضیح دهیم که چه ارزشی برای بنای او قایلیم. این بررسی متکی به اساس موجودیت انسانی است، متکی به سوال است، درباره‌ی مفهوم تاریخ جهان. هر کس بنا بر تفکر و نظریه‌ی معنوی خود بدین سوال جوابی متفاوت می‌دهد. در دورانی مانند دوران ما که در برابر وقایع تاریخی برخوردی دوگانه و اغلب منفی وجود دارد، ممکن است سوال ما تفتن به نظر برسد. اما باید قبول کرد که تاریخ تنها نتیجه‌ی وقایع کاملاً اتفاقی و ولع انسانی برای دستیابی به ثروت و قدرت نبوده است. بلکه در عین حال خواستی والا تر را اعلام می‌دارد. قدرتی فوق انسانی چه بسا می‌کوشیده تا انسان‌های فانی و انسانیت تیره‌یخت با زحمت به راه راست و سلامت

برای نخستین بار در تاریخ، «اختیار انسان» را ترویج می‌کرد، با کوروش آزادمنش و جوه مشترک بسیاری داشتند. در این دین نو و متعالی، انسان مختار بود بین نیک و بد گزینش کند. می‌توان گفت دریافت نونینی که کوروش از عطوفت و دادگری داشت، از این باورها سرچشمه گرفته باشد. گزنفون متنی بسیار جالب درباره‌ی مرزهای سوریه دارد که اگر درست پیگیری شود، می‌تواند به حل یکی از «مسائل لاینحل فلسطین» امروزی کمک کند. کوروش دریافت بود که برخی دژهای مرزی در شمال امپراتوری باعث معضل لاینحل دشمنی و نفاق بین مرزهای آسیای صغیر و سوریه هستند. او چندین بار به این دژها لشکر کشید و با خلع سلاح آنها توانست از این طریق، اداره‌ی این مرزها را به عنوان نیرویی فراملی در اختیار بگیرد. درحالیکه گله‌ها بدون مزاحمت در دو سوی مرزها رفت و آمد می‌کردند و کشاورزان نیز آزاد بودند از مرز بگذرند. این اقدام کوروش می‌تواند راه حل مناسبی برای حل معضل «بلندیهای جولان» و مشکلاتی از این نوع باشد. به واسطه نگرش خلاق کوروش بود که از طریق مهارت نظامی و مدیریتی خویش، ایران برای نخستین بار توانست ارتباط سیاسی تنگاتنگی با شهرهای تجاری ثروتمند شرق یونان پیدا کند و با بازرگانان و بانکداران آنجا مراد داشته باشد. بازرگانانی که بسیاری از آنها سروری ایرانیان را بر رقابت بی‌امان و پر از عداوت شهرهای یونانی رقیب، ترجیح می‌دادند و به این خاطر میل، با ناوگان قدرتمندش حریف سارد و افسوس بود و ورود ایرانیان

باستانی ایران، ص ۱۴۲-۱۳۹)

۱۱- امانوئل کوک، تاریخ نگار انگلیسی در تاریخ ایران کمبریج می نویسد: ما در مورد کوروش چندان چیزی نمی دانیم، اما می توانیم بگویم که معدود فاتحانی چون او توانسته اند چنین تحسین بی قید و شرطی را برانگیزند. در نزد بابلیان او برگزیده‌ی مردوخ بود و در نزد یهودیان مسخ شده‌ی خداوند. به نظر نمی‌رسد که مادها او را سروری بیگانه فرض کرده باشند. گزنفون در اثرش، زندگی‌نامه کوروش، کمال مطلوب خود را از شهریاری در چهره کوروش شکل می‌دهد و دو فاتحی که گفته می‌شود اسکندر نصب‌العین قرار داد، یکی کوروش بود و دیگری سمیرامیس. هرودوت به ما می‌گوید که پارسیان از او چونان یک پدر سخن می‌گفتند. چرا که وی مهربان بود و از آنچه که برای ایرانیان نیکو بود، کوتاهی نمی‌کرد. هرودوت کوروش را مردی زودخشم نشان می‌دهد، که البته این گفته را می‌توان یک اشتباه بلندنظرانه دانست. تنها زمانی که به آخرین لشکرکشی جهانگیرانه او می‌رسد، به ناگاه جمله‌ای تند و خشن از قلم او تراوش میکند. (کوک، ظهور هخامنشیان و تاسیس امپراتوری ایشان، تاریخ ایران کمبریج، جلد یکم، ص ۲۵۱)

۱۲- آملی کورت، آشور-بابل شناس در مقاله‌ای که به صورت کتاب هم چاپ شده می‌نویسد: تنها صفتی که می‌توان برای دستاوردهای کوروش آورد، کلمه‌ی خازق‌العاده است، او در کمتر از ۳۰ سال سرزمین‌های گسترده‌ای را زیر سلطه‌ی شاهنشاهی خود برد که در آغاز سلطنت او قلمرویی بسیار کوچک بود. او رزم‌آرا و تاکتیک‌دان و استراتژیست نابغه‌ای بود که می‌توانست فاصله‌های بسیار بعید را به سرعت پیماید، دشمنان خویش را غافلگیر کند و خشونت و عطفوت را حساب‌گراانه و سیاست‌مدارانه با هم درآمیزد. ایرانیان نام و خاطره‌ی کوروش را در ترانه‌ها و داستانها گرامی داشتند. موفقیت‌های شکفت‌انگیز او به سرعت به آفرینش داستانهای عامیانه‌ی بیشمار می‌انجامید که چهره‌ی حقیقی‌اش را در پس پرده‌ای از ابهام پوشاند و او را به صورت گوناگون، نوه‌ی آستیاگ پادشاه ماد دانست. (کورت، هخامنشیان، ص ۴۶)

۱۳- علی سامی، باستان‌شناس ایرانی می‌نویسد: چندان وقت خود را به عقاید مذهبی مردم مصروف میداشت که امروز در سراسر بین‌النهرین هر جا که کاوشی انجام گرفته است، مهر یا استوانه‌ای از او به دست آمده، که ارادت خاص و اخلاص با اساس او را به معابد و بقاع دینی نشان میدهد و اینها همه نمیتوانست منحصرآ از سرریاکاری و تظاهر باشد، بلکه باید باور کنیم که مرد خداشناس و نیک نفسی چون کوروش به

درستی، به اهمیت خدمات خود به بشریت و قوف داشته است (علی سامی، تمدن هخامنشی، ص ۲۱۲)

۱۴- پرویز رجبی، تاریخ‌نگار ایرانی می‌نویسد: این برداشت و شیوه از حکومت، تا پایان فرمانروایی هخامنشیان، کم و بیش دست نخورده ماند. (رجبی، ایلامیها و آریاییها تا پایان دوره هخامنشی، ص ۶۶) با اینکه در پیوند با دین هخامنشیان، در جلد اول این کتاب ناگزیر با استوانه کوروش که در تاریخ به منشور آزادی شهرت یافته است، آشنا شدیم، جا دارد، در اینجا یکبار دیگر به این استوانه که در رابطه مستقیم با فتح بابل است بپردازیم. کوروش پس از گشودن بابل، فرمان به نوشتن استوانه داد. لابد هرج و مرجی که در نظام باورهای دینی مردم به وجود آمده بود، او را ناگزیر از صدور این فرمان کرده است. همچنانکه با یهودیان نیز برای احیا آیین‌های دینی، فرمان‌های مشابه صادر شد. ما از چگونگی باورهای دینی خود کوروش کاملاً ناآگاهیم. معمولاً مورخان، ناسحل و تسامح کوروش را در رویارویی با باورهای مردم، به طور اغراق‌آمیزی ستوده‌اند، اما به گمان بهتر است که این نوع از رویارویی کوروش را بیشتر ناشی از سیاست او بدانیم، تا تفاهم او. (همان، ص ۳۶۲)

۱۵- حسن پیرنیا، تاریخنگار سرشناس ایرانی می‌نویسد: درباره‌ی کوروش مورخین معتقدند که شاهی بوده با عزم و حزم و عاقل و زتوف، کاری را که شروع می‌کرد تا آخرش می‌رفت و هیچ کاری را ناقص نمی‌گذاشت. در موارد مشکل به عقل بیش از قوه متوسل می‌شد و برخلاف پادشاهان آشور و بابل و غیره، با مردم مغلوب، زتوف و مهربان بود. به پادشاهان مغلوب به اندازه‌ای مهربانی می‌کرد که آنها دوست صمیمی کوروش شده و در مواقع مشکل به او یاری می‌نمودند. با مذهب و معتقدات ملل کاری نداشت بلکه آداب مذهبی آنها را محترم میداشت. چنانکه بعد از فتح بابل، هر چه از پیروان مذاهب مختلف به غارت برده و به بابل آورده بودند، همه را پس داد. شهرها و ممالکی که در تحت تسلط او در می‌آمدند معرض قتل و غارت واقع نمی‌شدند. برخلاف سلاطین آشور که در کتیبه‌های خود می‌بالند به اینکه چنان فلان مملکت را زیروزبر کردند که صدای خروس یا سگی هم در آنجا شنیده نمی‌شود (نظیرش را در عیلام دیدیم) وقتی که مردم رفتار کوروش را دیده و با آنچه تا آن زمان معمول بود مقایسه می‌کردند او را مخلوق فوق‌العاده و برانگیخته از طرف خدا می‌دانستند. این شاه عالیقدر یک نوع انقلاب اخلاقی را در عالم قدیم باعث شده و طرز نوینی از حیث سلوک با ممالک تابعه و ملل مغلوبه در عالم قدیم داخل کرده و شاید به همین جهت زمان او، حدفاصل دو قسمت از چهار قسمت عهد قدیم گردیده است. درباره کوروش باید گفت که او یکی از دو یا سه شخص تاریخی عهد قدیم است که اسم‌شان در اذهان مردمان و ملل عصر ما خیلی مانوس است. یکی از جهات این نکته این است که پیغمبران بنی‌اسرائیل او را بسیار ستوده‌اند و پیروان مذهبی که تورات را کتاب مقدس می‌دانند از طفولیت، اسم این شاه را شنیده با این اسم مانوس می‌شوند. (پیرنیا، تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، ص ۶۹)

۱۶- رضا شعبانی، تاریخنگار کنونی می‌نویسد: کوروش هیچگاه مغرور پیروزی‌های خویش نشده، بوی خون مستش نکرد و دست به تعدی و ظلم نگشود، شهری را نمی‌توان به یاد آورد که به وسیله او نابود شده باشد، آسان که فاتحان دیگری نظیر اسکندر کردند، برعکس، تعدادی شهر به نام کوروش از وی به یادگار مانده، نظیر آنچه در دربند قفقاز ساخته است و یا شهری که در دل آسیای مرکزی و شاید کنار رودخانه جیحون بود و منطقه‌ای نیز به همین نام در حدود فارس. (شعبانی، کوروش کبیر، ص ۶۸)

۱۷- عبدالحمین زرینکوب، تاریخنگار و ادیب بنام ایرانی می‌نویسد: دستوری که شاه برای تعمیر معبد ماه در اور صادر کرد، باید کنایه از نظر بلند او برای یکسان شمردن جایگاه همه ادیان و اعتقادات مردمی باشد. در اینجا معلوم است که هدف کوروش فقط جلب رضایت جمعیت غالب و گروه اکثریت نیست. او تعددگرایی عقیدتی و کثرت‌گرایی دینی را در عمل به نقد آزمایش مینهاد و حتی پیروان معدود و شکست خورده‌ی گروههای مختلف سیاسی - مذهبی را هم مورد حمایت قرار می‌داد. (زرینکوب، تاریخ مردم ایران، قبل از اسلام، ص ۱۳۱)

پایان سخن:

آنچه در ۱۷ مورد بالا آمد، از نظر زمانی، برمی‌گردد به زمان خود کوروش، چند دهه پس از کوروش، چند سده پس از کوروش، آغاز سده بیستم، پایان سده بیستم و آغاز سده بیست و یکم. از نظر مکانی به فلات ایران، میانرودان، اروپا و آمریکا و از نظر قومی - مذهبی به کلدانیان بابلی، یهودیان، یونانیان، اروپاییها و آمریکاییهای مسیحی و ایرانیان مسلمان پیوند دارد.

به گفته‌ی هگل، تاریخ جهان، همان «فصاوت جهانیان» است. بر این اساس، باید گفت به ندرت کسی همچون کوروش در تاریخ جهان دیده شده

که همگان درباره‌اش چنین اتفاق نظر مثبت و روشنی داشته باشند.

در ایران پس از اسلام، به دلیل نیامدن نام کوروش در آثار محبوبی چون خدای‌نامه و شاهنامه، نام او فراموش شد. ولی رد کوروش را در آثار برخی چون سورآبادی (تفسیر) و ابوریحان بیرونی (آثار الباقیه)، مسعودی (مروج الذهب) و ابوالفرج (مختصرالدول) می‌توان گرفت.

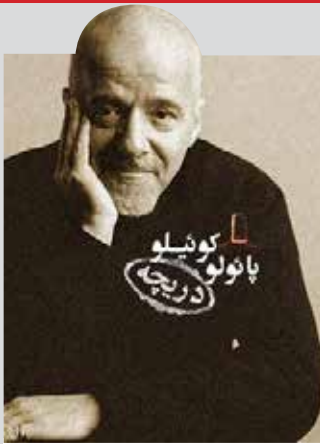
پرسش اینجاست که اگر کوروش تا این اندازه درخشیده است، چگونه خود ایرانیان او را فراموش کرده‌اند؟ نمی‌توان گفت دلیل فراموشی یاد و خاطره کوروش در ایران (از زمان ساسانیان تا قاجار به مدت ۱۶۰۰ سال) رفتارهای نابجای او بوده. دلیل این حفره‌ی بزرگ در حافظه تاریخی ایران، هرچه باشد، به کوروش بر نمی‌گردد. زیرا دستکم به جهت زرنگی دولتی که بنا کرد، می‌بایست نامش نگه داشته می‌شد. چه دیده‌ایم که ایرانیان، نام بدنامان تاریخ را خوب به یاد می‌سپردند.

و با این همه پیچیدگی در بازسازی تصویر کوروش و آشفتنگی در حافظه‌ی تاریخی مردمان، اکنون پس از ۲۵۰۰ سال، هنوز باید گفت «مسئله‌ی کوروش»، پایان نیافته است.

منابع

اوپنهایم، آلبرت و کوک، امانوئل و ملاوان، سر مکس، تاریخ ایران کمبریج، جلد دوم، ترجمه مرتضی ثاقب فر، نشر ثالث
ارفعی، عبدالمجید، فرمان کوروش بزرگ، دایره المعارف بزرگ اسلامی
بریان، پیر، تاریخ امپراتوری هخامنشیان، ترجمه مهدی سمسار، زریاب
پیرنیا، حسن، تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، مهتاب.
رجبی، پرویز، هزاره‌های گمشده، جلد دوم، توس.
زرینکوب، عبدالحمین، تاریخ مردم ایران، قبل از اسلام، امیرکبیر.
سامی، علی، تمدن هخامنشی، سمت.
شعبانی، رضا، کوروش کبیر، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
کورت، آملی، هخامنشیان، ترجمه مرتضی ثاقب فر، ققنوس.
کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب اشعای نبی، کسنفون، کوروشنامه، ترجمه رضا مشایخی، علمی و فرهنگی.
فرای، ریچارد، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، علمی فرهنگی.
هگل، عقل در تاریخ، ترجمه حمید عنایت، انتشارات شبلی.
هرودوت، تاریخ، ترجمه مرتضی ثاقب فر، اساطیر.

فرهنگ و هنر



کشتی در ساحل بسیار امن تر است، اما برای این ساخته نشده است.

لازم نیست آدم از کوهی بالا رود تا بفهمد بلند است.

همیشه به قلبت بگو که ترس از رنج از خود رنج بدتر است. تاریکترین لحظه ی شب لحظه ی پیش از برآمدن آفتاب است.

در جوانی آنگاه که رویاهایمان با تمام قدرت در ما شعله ورنند، خیلی شجاعیم، اما هنوز راه مبارزه را نمی دانیم. وقتی پس از زحمات فراوان مبارزه را می آموزیم، دیگر شجاعت آن را نداریم.

اگر نسبت به دیگران صبور باشیم، پذیرش خطاهای خودمان ساده تر می شود. پائولو کوئیلو



مرگ، همه هستی ها را به یک چشم نگر بسته و سرنوشت آنها را یکسان میکند نه توانگر می شناسد و نه گدا.

صادق هدایت



یادداشت: اشکان خسرو پور

گالری «تالی بیک» نیویورک میزبان آثار نقاشی سه هنرمند زرتشتی از ایران بود: نمایشگاه هنرمندان زرتشتی به یاد ریچارد نلسون فرای اشکان خسروپور:

آدم را می برند به هزار سال پیش، می برد به خیلی وقت پیش. روی هم سی تایی می شوند، ایستاده اند پای دیوار، توی قاب های سفید و مات مانده اند تا زل بزیند به شان. تماشایشان کنید و بروید به آن زمان های خیلی دور، خیلی نزدیک. صحبت از نمایشگاهی به نام «جان بخشیدن به کلام» است که همین چند وقت پیش در گالری تالی بیک نیویورک برگزار شد و سه هنرمند زرتشتی هم در آن شرکت داشتند. پونه اشیدری، سیامک جمشیدی زاده و کورش وفاداری در این نمایشگاه متفاوت شرکت کردند. متفاوت از این نظر که در اینجا، صحبت از نقاشی یا یک اثر گرافیکی تنها نیست. این سه نفر، با کمک خط دین دبیره هنر آفرینی کرده اند. نمایشگاه تالی بیک که به خاطر نمایش آثار هنری معاصر آسیایی زبان زد است، در این نمایشگاه میزبان بسیاری از هنرمندان اقلیت دینی بوده که بیشتر ساکن ایران هستند.

گفته می شود، ایده تشکیل این نمایشگاه از زمانی شروع شد که زندگی ریچارد فرای، ایران شناس آمریکایی به پایان رسید. این طور که در سایت گالری تالی بیک آمده، ایده اولیه این نمایشگاه را خانم نبی، همسر ایرانی - آسوری ریچارد فرای ارایه داد تا یاد همسرش را در ذهن ها زنده کند. جمشید ورزا، از زرتشتیان ساکن آمریکا که این گروه سه نفره زرتشتی را دور هم جمع کرده، می گوید: «اول نمی دانستم زرتشتیانی هستند که این کار را می کنند و قرار بود با کمک اقلیت های مذهبی دیگر این نمایشگاه برپا شود ولی خیلی اتفاقی با این دوستان زرتشتی در ایران آشنا شدم. موضوع را با آنها در میان گذاشتم و زرتشتیان هم در این گالری آثارشان را ارایه دادند.

بگذارید روی آثار هنرمندان زرتشتی که در گالری تالی بیک به نمایش در آمده، دقیق تر



شویم. پونه اشیدری که چندسالی در زمینه های هنری فعالیت دارد و نمایشگاه هایی در ایران و کشورهای دیگر داشته، در آثار تازه اش تلاش کرده تا اسطوره های باستانی ایران را به تصویر بکشد. سیامک جمشیدی زاده، گرافست و نقاش زرتشتی، خط باستانی و آثار پررنگ و لعابش را در پس زمینه ای از دنیای مدرن امروز جا داده تا بگوید، پیام اشوزرتشت در همه دوره ها کاربرد داشته و دارد، از روزگار گذشته بگیرد تا امروز. کورش وفاداری که به جز نقاشی در نویسندگی هم کار آزموده است، در آثار تازه اش در این گالری، روی خط تمرکز کرده است و تلاش کرده تا از واژه تصویر بسازد، واژه هایی که همگی به خط دین دبیره نوشته شده اند.

این نمایشگاه تا آغاز سال جاری میلادی برپا بود.



چاپلین چه بگوید

همیشه آخر همه چیز خوب میشه اگر نشد ، پس هنوز آخرش نشده.



بزرگترین دشمن دانش جهل نیست ، بلکه توهم دانستن است.

افراد ساکت پر سر و صداترین افکار را دارند

استیون هاوکینگ

باورها ... دشمنانی خطرناک تر از دروغ ... برای حقیقت هستند

دشمنان خود را دوست بدارید ، زیرا بهترین جنبه های شما را به نمایش میگذارند

ناپلئون





همزوری و پیام تبریک ریاست انجمن زرتشتیان تهران

ما زرتشتیان و امدار پایداریها و دلاوریهای نیاکان باغیرت زرتشتی هستیم. بزرگانی که در طول تاریخ پرفراز و نشیب دین زرتشتی، با همتی والا این دین و فرهنگ اهورایی را پاسداری نمودند. نیکانندیهای که با باور به آموزه‌های پیامبر راستین خود، اشوزرتشت اسپینتمان در راه نگهداری پیام او از جان مایه گذاشتند.

بزرگترین رمز پایداری جامعه زرتشتی در گذشته فرهنگ همزوری بوده است. امروز نیز که بنا به شرایط زمانه بیش هر دورانی زرتشتیان در کشورهای مختلف پراکنده شده‌اند تنها راه پایداری و پیشرفت جامعه زرتشتی ارج نهادن به همزوری زرتشتیان می‌باشد. اینجانب به عنوان رئیس انجمن زرتشتیان تهران به نمایندگی از انجمن زرتشتیان تهران و هموندان آن، انتخاب شایسته هموندان جدید هیئت مدیره مرکز زرتشتیان کالیفرنیا جنوبی دوره نوزدهم را به ایشان شادباش گفته و دست همزوری ایشان را می‌فشارم. به این امید که همزوری جامعه زرتشتی یک دغدغه جدی تمامی ارگانها و انجمنهای زرتشتی شناخته شده و بتوانیم با همکاری و هم‌اندیشی گامهای مثبتی در جهت پایداری و پیشرفت این جامعه خوشنام و ریشه‌دار زرتشتی برداریم و امدار ارزشمندی از گنجینه‌های باشیم که نیاکانمان با همت و غیرتشان پاسداری کردند و به ما سپردند.

سرافراز و تندرست و شاد باشید.
سرهنک دکتر رستم خسرویانی

انسان ۳ راه دارد
راه اول از اندیشه می‌گذرد
این والاترین راه است
راه دوم از تقلید می‌گذرد
این آسانترین راه است
راه سوم از تجربه می‌گذرد
این تلخ‌ترین راه است
کنفوسیوس

عقیدتی میان بومیان و آریاییان واقع شد. آیین ازدواج مقدس یازده یا دوازده روز طول می‌کشید. با توجه به این که سیزده چندان دور از دوازده نیست و این که شادی و استراحت در پس روز دوازدهم در آیین میانرودان نیز دور از ذهن نمی‌نماید، شاید بتوان همانندی میان سیزده روز تعطیلات نوروز و تعداد روزهای آیین آغاز بهار میانرودان یافت.

این دو جشن در این نواحی، در هزاره ی نخست پیش از میلاد مسیح در هم آمیخت و در قالب جشن واحدی که آغاز سال به شمار می‌رفت، برپا می‌گشت. باری در فلات ایران به صورت دو جشن جداگانه (البته با دگرگونی‌ها و تفاوت‌هایی ژرف نسبت به آیین‌های میانرودان) تا دوره ی اسلامی و حتی پس از آن، توسط زرتشتیان به حیات خود ادامه می‌دهند.

شگفت این است که جشنی مانند نوروز در آغاز بهار و حتی به مانند مهرگان در میانه ی سال و اوایل پاییز، که دگرگونی طبیعت را نیز در نظر آورد در میان ساکنان کنونی این سرزمین‌ها وجود ندارد اما ایرانیان و به ویژه زرتشتیان، همچنان و امدارانی وفادار برای این آیین‌ها به شکل نیکو شده ی آنها هستند. چنان که زرتشتیان و به ویژه موبدان همواره در طول تاریخ در نگهداری و پاسداری فرهنگ پاک و راست ایران زمین حتی از جان گذشته‌اند.

در کتیبه‌های هخامنشیان نامی از نوروز نیست و از برگزاری آن نیز، داده‌هایی یقینمند به دست نیامده است. اما بنابر نوشته‌ها از شکوه نوروزهای برگزار شده در زمان ساسانیان آگاهییم.

نوروز کوچک و بزرگ

در تاریخ از دو نوروز کوچک و بزرگ یاد شده که نوروز کوچک در روز اورمزد از فروردین و نوروز بزرگ در روز خرداد و فروردین ماه همزمان با جشن خجسته ی زایش اشوزرتشت برگزار می‌شده است. باری پیرامون پیدایش این دو، سخن بسیار است. شادروان بانو مری بویس چنین بیان می‌دارد که پس از این که اردشیر بابکان برای هماهنگی گاهشمار (تقویم) با دگرگونی‌های طبیعت، ۵ روز پایان سال را به گاه شمار ۳۶۰ روزه (۱۲ ماه و ۳۰ روز) آن زمان افزود و سال را ۳۶۵ روز نمود. کشمکش‌هایی میان گروه پیشین و باورمند به گاهشمار ۳۶۰ روزه و گروه جدید پدید آمد. مردم در روز آخر اسفند و پس از برگزاری آخرین روز گهنبار در انتظار برگزاری نوروز بودند اما بنابر فرمان عمومی باید ۵ روز دیگر صبر نموده و پس از آن در روز اورمزد و فروردین، نوروز را جشن می‌گرفتند. با گذشت سال‌ها، گروه جدید بنابر عادت همچنان پس از روز اورمزد و فروردین ۵ روز منتظر می‌ماندند و نوروز را در روز خرداد و فروردین جشن می‌گرفتند. هرمز، نوه ی اردشیر برای ایجاد سازشی میان این دو گروه، دو نوروز را به هم پیوست و روزهای میانشان را نیز جشن گرفت.

در نظری دیگر آمده است که در نوروز کوچک یا نوروز عام، ۵ روزی است که شاه به بار عام و پذیرش مردم می‌پرداخت و ششم را که نوروز بزرگ یا خاص بوده، به خود و خاصان می‌پرداختند.

البته زایش اشوزرتشت در روز خرداد از ماه فروردین و در پی آن رویدادهایی که در نوشته‌های پهلوی به این روز نسبت می‌دهند در این نامگذاری بی‌تأثیر نبوده است.

کتابنامه:

مری بویس: تاریخ کیش زرتشت جلد نخست، برگردان همایون صنعتی زاده، انتشارات توس، چاپ دوم ۱۳۷۶
مهرداد بهار: پژوهشی در اساطیر ایران باستان، پاره ی نخست و پاره ی دوم، کتاب گزیده، چاپ نهم ۱۳۹۱
هاشم رضی: گاه شماری و جشن‌های ایران باستان، انتشارات بهجت، چاپ نخست ۱۳۸۰
(Mary Boyce: on the Calendar of Zoroastrian feats, in BSOAS, ۳۳ (۱۹۷۰)



موبدیار پریا ماوندی
دارنده ی مدرک کارشناسی ریاضی از دانشگاه خواجه نصیر
طوسی و کارشناسی ارشد آنالیز ریاضی از دانشگاه صنعتی
امیرکبیر (پلی تکنیک تهران). مشغول به کار در بانک پاسارگاد
نگارش نوشتارهای بسیار در زمینه دین زرتشتی و زبان و فرهنگ
ایران باستان
عضو علی‌البدل هیئت مدیره کانون دانشجویان زرتشتی گردش
۱۹ و هیئت مدیره سازمان جوانان زرتشتی (فروهر) (۱۳۹۳)

آمدت نوروز و آمد جشن نوروزی فراز کامکارا کار گیتی تازه از سر گیر باز
نوروز زیبا و فریبا، رویدادی که جلوه گری آن در طبیعت، سخن از نو شدن و تازگی می‌گوید. تازگی دگر باره و نوشدنی پیشرو که کامکاران و پیرومندان از آن درس پیروزی می‌گیرند.
واژه ی نوروز از واژه ی فارسی میانه (پهلوی) نوگ روز (nogroz) آمده است. جشنی که امروزه سراسر خاورمیانه و آسیای صغیر را دربر گرفته است.

پیشینه ی نوروز

نام گهنبارها در اوستا، (در یسنا، ویسپرد و خرده اوستا) آمده است در حالی که هیچ نامی از نوروز، مهرگان و سده در اوستا نیست. اگر تقسیم بندی جشن‌های دینی و ملی را بپذیریم، به این ترتیب، گهنبارها در دسته ی جشن‌های دینی جای می‌گیرند و نوروز و مهرگان و سده در دسته جشن‌های ملی.

همچنین این نکته پژوهشگران را بر این می‌دارد که بدین نظریه بیشتر پایبند گردند که پیشینه ی نوروز و مهرگان به جشن‌هایی بازمی‌گردد که متعلق به اقوام بومی فلات ایران بوده است.

پیش از مهاجرت آریاییان به فلات ایران، اقوامی در آن، به ویژه در ناحیه ی میان رودان (بین‌النهرین)، شرق و شمال آن زندگی می‌کردند. آن‌ها تمدن‌هایی پدید آورده بودند که گاه به نام همان نواحی نامگذاری می‌گشت چون بابل، آشور، عیلام و سومر.

شادروان مهرداد بهار، پژوهشگر ایران باستان، دو عید ازدواج مقدس و اکتی را شکل‌های کهن نوروز و مهرگان می‌داند. به باور ایشان، سومریان اعیادی را با خود به میانرودان آوردند که این دو عید را پدید آوردند.

آیین اسطوره ای ازدواج مقدس در آغاز بهار بود و آیین اسطوره ای اکتی معمولا در اوایل پاییز برگزار می‌شد. این آیین‌ها با مراسمی ویژه همراه بود که حتی شبیه آن مراسم را بر نقش‌های تخت جمشید، مهرها و در شرح‌های تاریخ نویسان از دوران هخامنشی می‌توان دید.

برخلاف جهان انحصاری عقیدتی امروزه، در روزگار باستان، فلات ایران، گستره ای برای داد و ستد فرهنگی و حتی گاه

داستانی‌های جالب درباره کوروش و داریوش



طلا مزد می داده است که به گفته مورخان گران ترین کاخ دنیا محسوب می‌شده. این کارگران به بیگاری مشغول بوده اند بدون پرداخت مزد که با شلاق نیز همراه بوده است.

- آیا میدانید: تقویم کنونی (ماه ۳۰ روز) به دستور داریوش پایه گذاری شد و او هیاتی را برای اصلاح تقویم ایران به ریاست دانشمند بابلی "دنی تون" بسیج کرده بود. بر طبق تقویم جدید داریوش روز اول و پانزدهم ماه تعطیل بوده و در طول سال دارای ۵ عید مذهبی و ۳۱ روز تعطیلی رسمی که یکی از آنها نوروز و دیگری سوگ سیاوش بوده است.

- آیا میدانید: داریوش پادگان و نظام وظیفه را در ایران پایه گذاری کرد و به مناسبت آن تمام جوانان چه فرزند شاه و چه فرزند وزیر باید به خدمت بروند و تعلیمات نظامی ببینند تا بتوانند از سرزمین پارس دفاع کنند.

- آیا میدانید: داریوش برای اولین بار در ایران وزارت راه، وزارت آب، سازمان املاک - سازمان اطلاعات، سازمان پست و تلگراف (چاپارخانه) را بنیان نهاد.

- آیا میدانید: اولین راه شوسه و زیر سازی شده در جهان توسط داریوش ساخته شد. - آیا میدانید: داریوش برای جلوگیری از قحطی آب در هندوستان که جزوی از امپراطوری ایران بوده سدی عظیم بروی رود سند بنا نهاد.

- آیا میدانید: فیثاغورث که بدلائل مذهبی از کشور خود گریخته بود و به ایران پناه آورده بود توسط داریوش بزرگ دارای یک زندگی خوب همراه با مستمری دائم شد.

ایرانیان به دشنام دادن و تمسخر پرداخته بود، با ۲۵۰ هزار سرباز ایرانی در روز ۴۲ از آغاز بهار ۵۲۵ قبل از میلاد به مصر حمله کرد و کل مصر را تصرف کرد و بدلیل آمدن قحطی در مصر مقداری بسیار زیادی غله وارد مصر کرد. اکنون در مصر یک نقاشی دیواری وجود دارد که کمبوجیه را در حال احترام به خدایان مصر نشان میدهد. او به هیچ وجه دین ایران را به آنان تحمیل نکرد و بی احترامی به آنان نمود.

- آیا میدانید: داریوش بزرگ با شور و مشورت تمام بزرگان ایالت‌های ایران که در پاسارگاد جمع شده بودند به پادشاهی برگزیده شد و در بهار ۵۲۰ قبل از میلاد تاج شاهنشاهی ایران را بر سر نهاد و برای همین مناسبت ۲ نوع سکه طرح دار با نام داریک (طلا) و سیکو (نقره) را در اختیار مردم قرار داد که بعدها رایج ترین پولهای جهان شد. - آیا میدانید: داریوش بزرگ طرح تعلیمات عمومی و سوادآموزی را اجباری و به صورت کاملاً رایگان بنیان گذاشت که به موجب آن همه مردم می بایست خواندن و نوشتن بدانند که به همین مناسبت خط آرامی یا فنیقی را جایگزین خط میخی کرد که بعدها خط پهلوی نام گرفت.

- آیا میدانید: داریوش در پایتخت و زمستان ۵۱۸ - ۵۱۹ قبل از میلاد نقشه ساخت پرسپولیس را طراحی کرد و با الهام گرفتن از اهرام مصر نقشه آن را با کمک چندین تن از معماران مصری بروی کاغذ آورد.

- آیا میدانید: داریوش بعد از تصرف بابل ۲۵ هزار یهودی برده را که در آن شهر بر زیر یوق بردگی شاه بابل بودند آزاد کرد.

- آیا میدانید: داریوش در سال دهم پادشاهی خود شاهراه بزرگ کوروش را به اتمام رساند و جاده سراسری آسیا را احداث کرد که از خراسان به مغرب چین میرفت که بعدها جاده ابریشم نام گرفت.

- آیا میدانید: اولین بار پرسپولیس به دستور داریوش بزرگ به صورت ماکت ساخته شد تا از بزرگترین کاخ آسیا شبیه سازی شده باشد که فقط ماکت کاخ پرسپولیس ۳ سال طول کشید و کل ساخت کاخ ۸۰ سال به طول انجامید.

- آیا میدانید: داریوش برای ساخت کاخ پرسپولیس که نمایشگاه هنر آسیا بوده ۲۵ هزار کارگر به صورت ۱۰ ساعت در تابستان و ۸ ساعت در زمستان به کار گماشته بود و به هر استادکار هر ۵ روز یکبار یک سکه طلا (داریک) می داده و به هر خانواده از کارگران به غیر از مزد آنها روزانه ۲۵۰ گرم گوشت همراه با روغن، کره، عسل و پنیر میداده است و هر ۱۰ روز یکبار استراحت داشتند.

- آیا میدانید: داریوش در هر سال برای ساخت کاخ به کارگران بیش از نیم میلیون

- آیا میدانید: ۲۹ اکتبر روز جهانی کوروش بزرگ است و این روز فقط در تقویم ایران نیست؟

- آیا میدانید: چند سال دیگر، با نابودی کامل تخت جمشید باید سپاسگذار کشورهای چون فرانسه باشیم که چندی از تخت جمشید را در موزه های خود حفظ کردند.

- آیا میدانید: اولین سیستم استخدام دولتی به صورت لشگری و کشوری به مدت ۴۰سال خدمت و سپس بازنشستگی و گرفتن مستمری دائم را کوروش کبیر در ایران پایه گذاری کرد.

- آیا میدانید: کمبوجیه فرزند کوروش بدلیل کشته شدن ۱۲ ایرانی در مصر و اینکه فرعون مصر به جای عذر خواهی از



خُوات و دَتام اوستایی، ازدواج با محارم نیست

مَزْدِیسْتُ اَهْمی. مَزْدِیسْتُ زَرَه توشتریش.
فَرَوْرانَه آسْتو تَس چا. فَرَوْرَتَس چا.
آسْتویه هومَتَم مَنو. آسْتویه هوخْتَم وِچو.
آسْتویه هورِشْتَم شکیه اَتَم.

برمی گزینم دین مزدیسنا را که سفارش شده زرتشت است و استوارم براین کیش. می ستایم اندیشه نیک را، می ستایم گفتارنیک را، می ستایم کردار نیک را. آستویه دَانام وَنگوهیم مازدِیسْنیم. فَرَسپایه اُخْدَرام. نِذاسنه یی تِشِم. خُوات و دَتام. اَشه اُونیم.

می ستایم دین نیک مزدیسنا را که نكوهنده جنگ و خونریزی و ستایشگر آشتی و از خودگذشتگی و پارسایی است. (خرده اوستا، اوستای کشتی)

در این سرود و در نیایش روزانه که هر زرتشتی با مزدا (خرد رسا) پیمانی تازه می بندد، به واژه خُوات و دَتام نیز اشاره و پیماننداری می کند. بیگمان هدف او از این پیمان در نیایش روزانه، پیوند زناشویی با نزدیکان و ازدواج با خواهر و مادرخود نیست بلکه او خواستار پویایی فروزه از خودگذشتگی در خویش است تا بتواند به خویشان و نزدیکان خود یاری رسانده باشد.

برداشت نادرست از این واژه هنگامی روی داده است که پژوهشگران این واژه را به استناد گزارش هایی از هروودت و دیگر تاریخ نگاران خارجی از کتیبه کرتیر موبد دوره ساسانی، برخی از نوشته های پهلوی پس از ساسانی، داستان هایی مانند ویس و رامین و پیوند هایی نادرست در دربار برخی از پادشاهان گذشته اشاره می کنند و چنین می پندارند که اینگونه رویدادهای نادرست از تاریخ را برآمده از واژه خوات و دتام اوستایی و به اشتباه پیوند با نزدیکان دانسته اند.

بر همه آشکار است که برخی از واژگان کلیدی در زمانی ویژه و برای نیازهای اجتماعی و فرهنگی خاصی به کار گرفته می شوند که این شیوه گاهی از رهبران و راهنمایان دینی روی می دهد. برای نمونه پس از انقلاب اسلامی در ایران واژه "شیطان بزرگ" بر سر زبانها افتاد که برای استعمارگران به ویژه آمریکا نسبت داده شده بود. در نظر بگیریم که کسی منظور ومعنی این واژه را ثبت نکرده باشد. پس از هزاران سال پژوهشگری بخواهد کاربرد واژه "شیطان" و "بزرگ" را در تاریخ ایران بررسی کند به چه نتیجه ای خواهد رسید؟! در روزگاران گذشته نیز چنین بوده است.

هروودت و یهودیانی که روی خوشی از ایرانیان نداشته اند گزارش های نادرستی از رفتار ایرانیان ثبت کرده اند. پس از آن نیز تازیانی که به ایران روی آورده اند. برای مثبت شمردن حمله خود به ایران به چنین دروغ پردازی ها و برداشت های نادرست دامن زده و از برخی واژگان اوستایی و پهلوی به ویژه واژه "خُوات و دَتام" برداشت نادرست داشته اند. پس از آن پژوهشگران ایرانی و خارجی نیز که در آیین زرتشت پژوهش کرده اند از اینگونه برداشت ها و دروغ پردازی ها بدون توجه به درستی و نادرستی آن بهره گرفته و گاهی آن را به عنوان سپر دفاعی در برابر پویایی آیین راستی به کار گرفته اند و شوربختانه اینگونه دروغ پردازی ها همچنان نیز ادامه دارد.



برداشت نادرست؛

برکسی پوشیده نیست که چنانچه در برخی از نوشته های یونانی، عربی، سریانی و پهلوی در باره واژه "خُودت و دَتام" جستجو شود به برگردان نادرستی از این واژه خواهد رسید که به پیوند زناشویی با نزدیکان نیز شباهت دارد.

واژه اوستایی "خُوات و دَتَه" که در زبان پهلوی به ریخت "خُوات و دَس" و "خُوات و دَت" نیز بیان شده است (معنی) درست آن به خویشان رسیدن، به نزدیکان پرداختن، مهربانی با خویشان، از خودگذشتگی و همانند آنهاست. و شباهت کارپردی نزدیکی با واژه "صله رَحِم" دارد که در رفتار اسلامی بر آن تاکید شده است.

چنانچه بخواهیم مهربانی کردن به خویشان را در پیوند زناشویی نیز پذیرا باشیم، چرا خویشان را با خانواده از هم باز نمی شناسیم، فرزند خویشان به چه دختر و پسر خاله، خالو، عمو و عمه می باشند که پیوند زناشویی با آنان ناشایست نبوده است. بنابراین خویشان را با اهل خانه و خانواده یعنی مادر و خواهر اشتباه نگیریم. در گذشته یکی از سنت های پسندیده این بود که چنانچه پسر و دختری در خویشاوندان باشد نخست آنان را به همسری می گرفتند تا همه فرزندان یک قبیله برای تداوم و پیشرفت خانواده سر و سامانی داشته باشند.

در نیایش روزانه زرتشتیان و در سرود مَزْدِیسْنو اَهْمی از اوستای کشتی، در بخش ویژه آن که پیمان داری به دین زرتشتی را یادآوری می کند از واژه خُوات و دتام نیز بهره گرفته شده است.

دیر زمانی است که دشمنان فرهنگ و تمدن ایران باستان و آیین زرتشت، ازدواج با محارم یا پیوند زناشویی با نزدیکان مانند خواهر و مادرا را به زرتشتیان نسبت می دهند. و با این نگرش همراه با تهمت های دیگری مانند آتش پرستی و دوگانه پرستی برآند تا شاید دلدادگان آیین راستی و خرد و خواستاران فراوان برای پیوستن به فلسفه و بینش زرتشت را گمراه و پشیمان کرده باشند.

پیوند زناشویی با نزدیکان نه تنها در بینش اشوزرتشت و سروده هایش گاتاها نیامده است و پیروان زرتشت هیچگاه از این چنین شیوه نادرستی پیروی نکرده اند، بلکه زرتشت در تنها موردی که درباره پیوند زناشویی در گاتها سخن به میان آورده برای زناشویی کوچکترین دخترش به نام پورچیستا با جوانی خردمند و به دور از خانواده زرتشت به نام جاماسپ بوده است. با این گزارش چنانچه در بینش زرتشت، سنت زناشویی با نزدیکان پسندیده بود و جایگاه باارزشی داشت. برای بنیانگذاشتن چنین رسمی بیگمان زرتشت خودش با دخترش ازدواج می کرد و یا به یکی از پسرانش سفارش می کرد تا با خواهرشان پیوند زناشویی داشته باشند نه اینکه با آزادی گزینش از پورچیستا درخواست کند که با خرد خویش رازینی کرده و سپس جاماسپ را که در دین داری نام آور شده را به همسری خویش بپذیرد.

تو پورچیستا اسپنتمان ای جوان ترین دختر زرتشت درباره او (جاماسپ) که پای بند اندیشه نیک است و همبستگی با راستی و خردمندی را به تو ارزانی می دارد با خرد خود رازینی کن و سودمندترین کاری که برپایه پارسایی استوار است در پیش گیر (گات ها هات ۵۳ بند ۳)

بر همه آشکار است که در روزگاران گذشته، یونانیان، رومیان و به ویژه تاریخ نگاران دوران هخامنشی و ساسانی مانند

واژگان بیشمار داریم که زمانی کاربرد ویژه‌ی داشته ولی اکنون برگردان دیگری را به آن نسبت داده‌اند. "یزدان" از ریشه یَزْتَه در اوستا است که در پارسی به ریخت یَزْت در آمده است و به چم چیزهایی است که شایسته ستایش باشند مانند آب، نورخورشید و ایزدان دیگر ولی کاربرد نادرست کنونی واژه یزدان به چم خداوند است.

واژه "کوشک" در گویش پارسی به بنای بزرگی گفته می‌شود که پیرامون آن را باغ و درختانی فراگرفته باشد. این واژه را ترک‌ها به ریخت "کوسک" در آورده و آن را به اروپا برده‌اند. واژه انگلیسی کیوسک (kiosk) از آن درست شده و به اتاقک کوچکی گفته می‌شود که محل فروش روزنامه یا نصب تلفن می‌باشد.

واژه "دهقان" در آغاز به چم خداوند، مالک روستا و انسان فرهیخته بوده است ولی اکنون به کسی گفته می‌شود که پیشه کشاورزی و آبیاری را به دوش دارد.

واژه "فرنگی" که اکنون به اروپاییان گفته می‌شود از سده یازدهم میلادی به کار رفته که بخشی از اروپا به رهبری فرانسه (فرانکی) به مشرق زمین حمله کردند و جنگهای صلیبی را آغاز کردند. این واژه نیز امروز کاربرد دیگری به دست آورده است.

واژه "آکبند" که اکنون به بسته‌های دست نخورده و باز نشده گفته می‌شود مربوط به زمانی است که کالاهایی با مارک (uk. band) از انگلیس به بندر خرمشهر آمده و مردم خوزستان در آغاز آن را آک-بند خوانده و این واژه اکنون کاربرد دیگری به خود گرفته است.

بیگمان واژه خودت و دَتام نیز در آغاز خویشتن داری و به خویش پرداختن بوده که پس از هزاره‌ها، دشمنان فرهنگ ایران آن را دیگرگون برگردان کرده‌اند.

زنده یاد موبد اردشیر آذرگشسب با اشاره به پنج نمونه پیوند زناشویی در ایران باستان برداشت نادرست دیگری را نیز بیان کرده است.

در آیین زرتشتی چند همسری رسم نبوده است بنابراین در آن زمان مردی حق نداشته بیش از یک زن داشته باشد، به همین دلیل پیوند زناشویی در آن روزگار نسبت به چگونگی شرایط خانواده پنج گونه روی می‌داده است.

پادشاه زن، چکر زن، ایوک زن، ستر زن، خود رای زن.

پادشاه زن: دختران پس از رسیدن به سن زناشویی با خشنودی پدر و مادر پیوند زناشویی داشته‌اند.

چکر زن: هر گاه زنی بیوه پس از درگذشت شوهر نخستین خود با دیگری پیوند زناشویی داشت آن را زیر نام چکر زنی ثبت می‌کردند.

ایوک زن: ایوک در زبان پهلوی به چم یک است. چنانچه مردی در زندگی زناشویی فرزند پسری نداشت و فرزندان او همه دختر بودند، برای اینکه نام خانوادگی خویش را به وسیله پسرش به آیندگان برساند، هنگامی که نخستین دخترش با پسری پیوند زناشویی می‌داشت. دختر وظیفه داشت تا نخستین پسرش را که زایمان می‌کرد به پدر خود هدیه کند تا نام خانوادگی پدر بر او (پسر دخترش) گذاشته شود و به این ترتیب پدر از دخترش ایوک (یک) فرزند را به یادگار می‌گرفت و این نیز سبب برداشت نادرستی شده بود که می‌پنداشتند پدری با دختر خود پیوند زناشویی داشته در حالیکه دختر چنین پدری پس از زایمان نخستین پسرش را به پدر پیشکش می‌کرد.

ستر زن: واژه ستر در زبان پهلوی به معنی فرزند آمده است و واژه استر و سترون، در گویش پارسی، از این واژه گرفته شده‌اند. در آن روزگار چنانچه پسر یا مردی بدون زن و فرزند از جهان در می‌گذشت، خویشان و بستگان او می‌بایستی دوشیزه‌ای را با هزینه خود و به نام آن فرد در گذشته زیر نام ستر زنی به پیوند زناشویی جوانی دیگر در می‌آوردند. شرط اینگونه پیوند زناشویی این بود که زن و شوی می‌پذیرفتند تا یکی از پسران خود را به فرزند خواندگی شخص در گذشته پیشکش کنند تا نام کسی که بدون فرزند از جهان در گذشته نیز در خانواده یادآوری شود. این نوع زناشویی نیز یکی از برداشته‌های نادرست بود که بهانه به دست دشمنان می‌داد، زیرا هرگاه خواهر در گذشته‌ی با کسی ازدواج می‌کرد و می‌پذیرفت که نخستین فرزندش را به نام برادر در گذشته اش



به ثبت برساند. آنان می‌پنداشتند که خواهری با برادرش پیوند زناشویی داشته است در حالیکه چنین نبوده و خواهر پس از درگذشت برادرش و پس از اینکه به شیوه عادی ازدواج کرده بود، یکی از فرزندان خویش را برای یادبود نام برادرش که در گذشته بود به خانواده پدری خویش سپرده بود.

خود رای زن: در ایران باستان چنانچه پسر و دختری به سن قانونی برای پیوند زناشویی می‌رسیدند و با دلدادگی خواستار پیوند زناشویی می‌شدند و پدر و مادر آنان خشنود نبودند پیوند آنان بدون رضایت پدر و مادر خود رای زن به ثبت می‌رسیده است.

خوات و دَتام در نوشته‌های پهلوی

برخی از نوشته‌های پهلوی، سده‌ها پس از حمله اعراب به ایران گرد آوری شده واز تغییر ناگهانی نوشته‌ها و فلسفه زندگی زرتشتیان در آنها گاهی چنین برداشت می‌شود که دشمنان فرهنگ ایران پس از غلبه بر این کشور و برای نابودی ارزش‌های نیک گذشتگان در ایران بر آن شدند تا در بخش‌هایی از نوشته‌های آن زمان، با فشار و تهدید از موبدان و کسانی که توانایی خواندن و نوشتن داشتند با فشار و تهدید آنان را وادار کنند تا برخی آداب و رسوم پنداری را به دین زرتشت نسبت دهند تا بدین وسیله کسی به آیین خرافی نیاکان خود بازگشتی نداشته باشد. یکی از آنها برگردان و برداشت نادرستی از واژه خوات و دَتام در نوشته‌های پهلوی است. واژه بی که پیش از آن اینهمه در زندگی زرتشتیان اهمیت و کاربرد نداشته و به یکباره پس از حمله اعراب در ایران از جایگاهی مقدس برخوردار شده و ازدواج با محارم نامیده شده است.

در نسک‌هایی به زبان پهلوی مانند «روایت پهلوی»، «مبنوی خرد»، «روایت آذرفرنبغ فرخزادان»، «ارداویراف‌نامه»، «دینکرد»، «دادستان دینی»، «روایات داراب هرمزد» و «زادسپرم» از خوات و دَتام به ریخت خودیوده سخن رفته است. به موجب این متون، خودیوده پدر و دختر، خودیوده مادر و پسر، و خودیوده برادر و خواهر از شایسته‌ترین و مهمترین دستورات دینی زرتشتی و بزرگ‌ترین ثواب‌ها است که اجرای آن موجب رسیدن سریع‌تر به بهشت، و نپرداختن به آن جزو بزرگترین گناهان دانسته شده است (مبنوی خرد، بخش ۳۵ و ۳۶، روایت پهلوی، فصل هشتم) در فصل هشتم از کتاب سوم دینکرد، خودیوده را سنتی برگرفته از آمیزش اهورامزدا با دخترش سپندارمذ می‌داند که مشی و مشیانه (نخستین آدمیان و نخستین برادر و خواهر) آنرا ادامه دادند تا به نسل همه مردمان گیتی برسد. او هرگونه آمیزش به غیر از روش خودیوده را با آمیزش گرگ و سگ، و آمیزش اسب و خر مقایسه می‌کند که محصول جفت‌گیری آنها از نظر نژادی پست و فرومایه خواهد شد. این نکته‌ای است که مورد توجه و سفارش زادسپرم (یکی از موبدان زرتشتی آن روزگار) نیز قرار گرفته و در بخش بیست و ششم کتاب گزیده‌های زادسپرم، خودیوده را موجب تولید نسل پاک دانسته است.

در فصل هشتم از متن «روایت پهلوی» برای تشویق مردم به اجرای خودیوده چنین بیان شده که اهورامزدا به زرتشت دستور اجرای خودیوده را می‌دهد و می‌گوید این کاری است که من با دخترم سپندارمذ انجام دادم و مشی نیز با مشیانه انجام داد.

در فصل ۸۶ از متن پهلوی ارداویراف‌نامه به زنان هشدار داده شده است که چنانچه از رسم خودیوده خودداری کنند و آنرا سبک بشمارند، وارد دوزخ خواهند شد و در آنجا مارهای بزرگی وارد اندام آنان خواهد شد و از دهانشان بیرون خواهد آمد.

به موجب فتوای بیستم از مجموعه دستورهای موجود در کتاب «روایت آذرفرنبغ فرخزادان» اگر دختر یا خواهر مردی به خودیوده با او خشنودی و موافقت نداشته باشند، مرد می‌تواند به زور زن را وادار به اینکار کند!

بیگمان چنین تهدیدهایی نشانه آن است که اینگونه رسم‌ها برای مردم آن زمان ناشناخته و بیگانه بوده و توده مردم از اینگونه سفارش‌ها رویگردان بوده‌اند ولی

پيروان کونوی آن را سرزنش کرد. به ویژه پيروان بینش زرتشت که پیوسته آهنگ راستی و خردمندی را نواخته اند و نه تنها پیام آورشان چنین رسمی را بنیان نگذاشته است بلکه زرتشتیان نیز در گذر زندگی هازمانی خویش هیچگاه پیوند زناشویی با خواهر و مادر خویش نداشته و با آن بیگانه بوده اند. نسبت دادن اینگونه دروغ ها، تهمت و افترا بی بیش نیست و گناهی نابخشودنی در پی خواهد داشت.

موبد کورش نیکنام ۱۳۹۳

یاری نامه

خرده اوستا، برگردان از دین دبیره به کوش رشید شهردان، انتشارات فروهر، چاپ سوم ۱۳۸۰
گاتاها سرودهای زرتشت، دکتر آبتین ساسانفر، انتشارات بهجت، تهران چاپ دوم ۱۳۹۳
ایران در زمان ساسانیان، آرتور کریستن سن، ترجمه رشید یاسمی، تهران چاپ نهم ۱۳۷۷
مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان، موبد اردشیر آذرگشسب، انتشارات فروهر تهران ۱۳۵۸



کورش نیکنام سال ۱۳۳۳ خورشیدی در شهر یزد چشم به جهان گشود. آموزش های ابتدایی و دبیرستان را در شهر یزد به پایان رساند. پس از دانشسرای تربیت معلم از سال ۱۳۵۷ دبیرآموزش و پرورش شهرهای یزد، اصفهان و تهران بود. سرایش اوستا و آیین های دینی زرتشتی را نزد موبدان فیروز آذرگشسب، بهمن اهورایی و مهربان فروهر در شهر یزد فراگرفت سپس ویژگی های بینش و اندیشه زرتشت و پاسخ به پرسش های دینی را نزد موبد رستم شهزادی در تهران آموخت. سال ها در شهر یزد، اصفهان و دبیرستان فیروزبهرام تهران آموزگار دینی زرتشتی (هیرید) بوده است. در سال ۱۳۷۴ در دانشکده زرتشتیان هندوستان پذیرفته شد و در سال ۱۳۸۰ موفق به دریافت درجه دکترای فلسفه زرتشت از دانشکده یاد شده گردید. کورش نیکنام افزون بر آشنایی به زبان های فرانسه و انگلیسی به زبان و خط اوستایی تسلط دارد وی در کنار کوشش های هازمانی (فعالیت اجتماعی) تاکنون مقاله های پژوهشی - دینی پرشماری در نشریه ها به چاپ رسانده است و تاکنون سنک (کتاب) های زیر را نیز به نگارش آورده است.

ازنوروز تا نوروز

آیین ها و مراسم سنتی زرتشتیان ایران

آیین اختیار

گفتاری پیرامون فرهنگ و فلسفه زرتشت

اندرنامه زرتشت

برداشتی از سرودهای زرتشت

کنکاشی در زندگی و اندیشه زرتشت

مروری بر گفتار اندیشمندان

داستان هما و بهمن در شاهنامه نیز مورد دیگری است که به آن اشاره می شود که بهمن دختر خود هما را به همسری خود در آورده است! چنانچه این داستان روی داده باشد آیا آنان زرتشتی بوده اند یا برپایه کدام سفارش زرتشت چنین کاری را انجام داده اند؟

مورد دیگر ازدواج کمبوجیه با خواهر خویش است که هرودت آن را چنین گزارش داده است: کمبوجیه مردی بود خودسر و کینه جو و سنگدل که تنها برادر خود بردیا را در جوانی بکشت تا مبادا روزی بر او شورش کند و پس از آن عاشق دلداه خواهر خود هئوتسا شد و بر آن شد تا با او ازدواج کند، از آنجا که چنین رسمی در ایران سابقه نداشت از موبدان خواست تا پس از مشورت با یکدیگر، قانونی در دین بیابند که به این کار نادرست او اجازه داده شود. موبدان که از تندخویی و خشم کمبوجیه نگران بودند به او گفتند "در قانون های ایرانی نگرستیم، هیچ قانونی در دین نیست که پیوند زناشویی برادر با خواهر را روا دارد ولی قانونی هست که شاه در انجام هر کاری آزاد است" بنابراین اگر چنین رسمی تا زمان هخامنشی شناخته شده بود موبدان سفارش آن را به کمبوجیه نیز کرده بودند!

برخی از پژوهشگران نیز بر این باورند که ازدواج با محارم در بین زرتشتیان وجود داشته ولی پس از آمدن اسلام به ایران از بین رفته است. این نیز نادرست و دروغ است زیرا زرتشتیان پس از ساسانیان همچنان آداب و رسوم خود را در هر شرایطی مخفیانه پیروی کرده اند و تغییری در آن نداده اند. چنانکه همه جشن ها و سنت های نیاکان خود را همچنان برگزار می کنند. اگر چنین رسم نادرستی را از گذشته پیروی می کردند بیگمان تاکنون نیز باید ادامه داشته باشد.



آشکار تر زرتشتیانی که پس از حکومت های نخستین اسلامی در ایران به هندوستان کوچ کرده اند. به پارسیان شهرت یافته و در آن کشور با آزادی زندگی کرده اند. چنانچه رسم پیوند زناشویی با مادر و خواهر را پیش از آن در ایران پیروی می کرده اند آن را با خود منتقل کرده و در هندوستان نیز به آن عمل می کردند در حالیکه پارسیان (زرتشتیان هند) هیچگونه ازدواج با محارمی را در هزار سال گذشته در خانواده نداشته اند.

نتیجه

چنانچه بدون تعصب بخوایم رویدادهای تاریخی مردم گوناگون را بررسی کنیم، آشکار است که گاهی زناشویی با نزدیکان در تاریخ ملت ها روی داده ولی به ادیان نسبتی نداشته است. فرزندان حضرت آدم و حوا، هابیل و قابیل خواهر و برادری بودند که با یکدیگر پیوند زناشویی داشتند. در کتاب مقدس آمده که ساری همسر ابراهیم، خواهر او بوده است (کتاب پیدایش سوره ۲۰) زئوس خدای بزرگ یونان نیز با خواهر خویش ازدواج کرده است (ایلیاد، سرود هفدهم)، کلودیوس امپراتور روم با دختر خود ازدواج کرده و آن را به صورت قانون در آورده است. برخی پادشاهان مصر با خواهران خود پیوند زناشویی داشته اند. و ملکه عیلامی که دو برادر خود را به شوهری داشته است. بنابراین همانند دیگر رویدادهای رنج آورو غیر انسانی که در تاریخ گذشته ملت ها پیش آمده است مانند جنگ و خونریزی، غارت و چپاول، ستم و بیداد، جنگ های بین ادیان و مذاهب، برده داری و نژاد پرستی و کژروی هایی که اثر ناگوار آن تاکنون همچنان بر جای مانده است. نمونه هایی از رفتار نادرست و بسیار اندک در برخی از خانواده ها مانند پیوند زناشویی با نزدیکان نیز پیش آمده است که نباید آن را به دینی نسبت داد و

در نوشته های پهلوی با توجه به نسبت دادن خویدوده به اهورامزدا و زرتشت و بیان جایگاه مقدس آن از یکسو و تهدید از سوی دیگر، مردم را وادار به انجام آن کار کنند! نشانه دیگری از رویگردانی مردم این است که در پایان بخش هشتم از کتاب روایت پهلوی، زرتشت به اهورامزدا می گوید: «این کار سخت و دشواری است و چگونه می توانم خویدوده را در میان مردم رواج دهم؟» و اهورامزدا جواب می دهد: «به چشم من نیز چنین است، اما وقتی کردار نیک باشد، نباید دشوار و سخت باشد. به خویدوده کوشا باش و دیگران را نیز کوشا کن!»

هر خواننده هوشیاری متوجه تفاوت ادبیات پهلوی و نگرش آن در زندگی زرتشتیان پس از حمله اعراب خواهد شد که نه تنها برگ های تاریخ ایران به نفع مهاجمان ورق خورده بلکه فرهنگ مردم این کشور نیز در سده های آغازین به خواسته بیگانگان فراهم شده است. ناهمگونگی آشکار این شیوه چنان است که زرتشت هیچگاه در سروده هایش (گات ها) چنین دستوریهایی دربار زندگی روزانه مردم مانند خوردن، آشامیدن، لباس پوشیدن و برخورد با خانواده را نمی دهد. در آن زمان چه روی داده است که پس از دوهزار سال و در پایان حکومت ساسانی، زرتشت باردیگر لب به سخن می گشاید و به موبدان و نویسندگان متن های پهلوی در آن زمان بهترین ثواب زندگی را بیان می کند که همانا ازدواج با نزدیکان و پیوند باخواهر و مادر باشد.

نسبت ناروا به زرتشتیان

در تاریخ گذشته ایران نیز همانند دیگر ملت ها، کژروی هایی به ثبت رسیده که نمونه آن پیوند زناشویی با نزدیکان است که برخی از آنها دروغ پردازی است و بقیه نیز به فرهنگ و دین زرتشت نسبتی ندارد زیرا هرگاه در چنین مواردی از موبدان زرتشتی پرسش شده است این عمل را ناشایست و نکوهیده بیان کرده اند. در یک روایت مسیحی آمده است که یزدگرد دوم در هشتمین سال پادشاهی خود با دخترش ازدواج کرده و سپس او را کشته است. جالب اینکه کریستن سن نیز آن را در نسک "ایران در زمان ساسانیان" آورده است. آنچه از زندگی درست یزدگرد در تاریخ داریم او به هنگام آغاز پادشاهی تنها ۱۵ سال داشته و در سال هشتم پادشاهی ۲۳ ساله بوده است چگونه ممکن است که در آن سن و سال دختری داشته باشد که بتوان با او ازدواج کرد!



سفره نوروزی زرتشتیان ایران

به نظر می‌رسد «سفره انداختن» (۱) و گذاشتن نمادهای سپندینه آیینی بر روی آن، رسمی کهن نزد نیاکان آریایی ما بوده است، آنان که در آیین یجته بستری از گیاه (ودایی: -barhīs) می‌گسترده، به منظور تقدیس آفرینش خداوند و پیشکش میزد (ودایی: -médha-/miyédha) . نه به این دلیل که خداوند به هدیه‌های ما نیاز دارد و نه به این دلیل که ما در مقابل پیشکش میزد، درخواست دریافت لطف و بخششی داریم، بلکه به این دلیل که عمل ما تکرار همان یزشن ازلی است که آفریدگار پس از آفرینش به جای آورد تا هستی را به معنای واقعی تقدیس کند. امری که در نمازی به نام «آفرینگان گاهنبار» چنین بازتاب یافته است:

اهورامزدا به همراهی امشاسپندان پس از هر مرحله آفرینش، گاهنباری به جای آورد و نامی بر آن نهاد و با امشاسپندان میزد ساخت، پس مردمان نیز باید به همانگونه گاهنبار و میزد کنند (Cf. Dhabhar ۱۹۶۳, pp. ۱۵۹-۱۵۰).

گسترده سفره، بخشی از هر مراسم دینی زرتشتی است و آنچه سر سفره قرار می‌گیرد، و حتی رنگ سفره، اهمیت آیینی دارد. سفره‌ای که در مراسم درگذشتگان گسترده می‌شود، سفید است، مانند لباسی که بازماندگان می‌پوشند و گل سفیدی که بر دیوارها و زمین «پسگم مس» و دم در خانه می‌پاشند؛ چون رنگ سفید، رنگ مراسم درگذشتگان و نماد آرزوی بهدینان برای درگذشتگانشان است که روان ایشان، پاک و سفید، در سرای نور و سرود، بهشت، آرام گیرد. اما در مراسم شادی، مانند آیین گواه‌گیران و نوروز، سفره‌ها سبز رنگ‌اند زیرا سبز، رنگ رویش و بالندگی، رنگ زندگی و زاینده‌گی و رنگ شادی است.

سفره‌های آیینی زرتشتی باید در مکانی خاص گسترده شوند که مهمترین ویژگی آن مکان، «پاکی» است. سفره یزشن را در «یزشگاه»، جایگاهی مقدس در درب‌مهر، می‌گسترند و برای سفره‌های دیگر، جایی ویژه در هر خانه اختصاص یافته است. در خانه‌های قدیمی زرتشتیان یزد و کرمان، «peskem-e mas» (یکی از صفت‌های خانه که معمولاً رو به شرق ساخته شده است) یا یکی از اتاق‌های خانه که آن را «genze-y paki»، یعنی «اتاق پاکی» می‌نامند، ویژه انداختن سفره‌های گاهنبار و پنجه و جشن است و در اوقات معمول از این مکان‌ها برای خوردن و خوابیدن و دیگر کارهای روزمره استفاده نمی‌کنند.

ویژگی دیگر سفره‌های زرتشتی، خوراکی‌ها و چیزهای دیگری است که بر سفره می‌گذارند. زرتشتیان بر این عقیده‌اند که آنچه سر سفره گذاشته می‌شود، نمادی از امشاسپندان و آفریدگان اهورامزدا است و چون شمار این آفریدگان، هفت است، عدد هفت نقشی نمادین در سفره‌ها یافته است. کتاب اوستا، آفرینگان آتش، تخم‌مرغ، شیر، می، آب، گلدان گل و گیاهی مانند سرو یا مورد، ششه (هفت دانه سبز شده)، تاس روزین/رودین و چند خوراک آیینی، اجزایی است که در سفره‌های آیینی زرتشتی کم‌وبیش ثابت است و جزئیات آن گاه تغییر می‌کند. در کنار همه اینها، خواندن نیایش بخشی مهم از مراسم است که با حضور یک یا چند موبد و مردم برگزار می‌شود. عقیده بر این است که هریک از این اجزاء، نماد یکی از امشاسپندان (سپندمینو، بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد و امرداد) است که هر کدام موکل بر یکی از آفریدگان اهورامزدا، به ترتیب بر انسان، جانوران، آتش، فلزات، زمین، آبها و گیاهان.

شاید معنای قدیمی «میزد به همانندی امشاسپندان نهاده شد» در کتاب روایت پهلوی (میرفخرایی ۱۳۶۷، ص ۶۸) به ارتباط سفره و اجزای آن با امشاسپندان اشاره دارد. به نظر می‌رسد سرچشمه این نمادپردازی آیینی، باوری است که درباره آیین گاهنبار و آفرینش هستی در هریک از چهره‌های گاهنبار و در هفت مرحله (به ترتیب آسمان، آب، زمین، گیاهان، جانوران، انسان و آتش) وجود داشته است (۲).

بجز گل مجموعه، که از نماد مادی هفت امشاسپندان برگزیده شده است، هفت نوع میوه خشک به نام «لرک» و هفت دانه که در ظرفی مسین سبز شده و «ششه» نامیده می‌شود، نشان عدد هفت را با خود دارند. آنچه ابوریحان بیرونی (۱۳۵۲، ص ۷۸۳) در آثارالباقیه درباره روایان هفت صنف غله بر هفت استوانه آورده است، گویا به رسم سبز کردن ششه در جشن فروردیگان (گاهنبار هَمَس‌یت‌مَدم) و پیش از نوروز اشاره دارد که رسمی عام بوده است و همه مردم در روزهای پایانی سال، آن را به جای می‌آوردند. جاحظ (۱۹۶۹، ص ۲۱۲) نیز در المحاسن و الاضداد به هفت دانه از گندم، جو، باقلا، ماش، کنجد، برنج، نخود یا ذرت و هفت شاخه سبز در خوانی که برای پادشاه ساسانی پیشکش می‌بردند، اشاره کرده است.

سفره نوروزی

چیدن سفره هفت سین برای جشن نوروز تنها یادگار سفره‌های کهن آفرینگان‌خوانی است، که اکنون همه ایرانیان آن را برگزار می‌کنند. رسم عام و رایج در ایران این است که سفره نوروزی را با هفت «سین» مانند سمنو، سیب، سنجد، سبزه، سرکه، سیر، سماق و ... می‌آرایند، اما در برخی نقاط این سرزمین، بر سفره‌های نوروزی هفت «میم» مانند مرغ، ماهی، مسقطی، مویز و ... یا هفت «شین» مثل شربت، شراب، شیرینی، شمشاد و ... قرار می‌دهند (بلوکباشی ۱۳۸۴، ص ۶۹؛ حمیدی ۱۳۷۶، صص ۳۶-۳۵).

جشن نوروز مردم ایران شهد و شیر و شراب و شکر

سفره اصیل نوروزی زرتشتیان که می‌توان آن را یکی از قدیمی‌ترین سفره‌های نوروزی به شمار آورد، نه هفت سین است، نه هفت شین و نه هفت میم، بلکه مانند سفره گاهنبار مجموعه‌ای از نمادهای هفت امشاسپندان است. این سفره را نیاکان ما در یزد، زیر ویجو در «اتاق ویجو» یا در «اتاق پاکی» می‌گسترده و روی آن نشانه‌هایی از هفت آفرینش خداوند را قرار می‌دادند.

آینه، چراغ‌روشن، قندسبز، گلدانی پر از شاخه‌های همیشه‌سبز مانند مورت و سرو، یک کاسه پر از آب که روی آن برگهای آویشن ریخته بودند و در آن یک انار سکه‌زده قرار داشت، یک کاسه «āy-v-kārta»، یک کاسه پالوده سفید (pālina)، یک کوزه سفالی نو پر از آب که روی دهانه آن یک تخم‌مرغ رنگ کرده گذاشته بودند، یک سبد پر از سبزی تازه، یک بشقاب پر از چنگال (čengāl) و کم‌جاق نوروزی که فقط مخصوص این جشن پخته می‌شد، یک ظرف سبزه که معمولاً گندم بود، مهمترین لوازم سفره نوروزی زرتشتیان را تشکیل می‌داد و چه بسا هنوز هم تعدادی انگشت‌شمار در روستاهای یزد باقی مانده‌اند که سفره نوروز را به همین شیوه می‌گسترند. سفره نوروزی زرتشتیان به تدریج از روی زمین اتاق ویجو به روی میز در اتاق نشیمن یا پذیرایی منتقل شد و اکنون بیشتر زرتشتیان سفره‌های خود را با هفت سین یا هفت شین یا هر دو می‌آرایند.

شاید هنوز هم بتوان با سفر به گوشه و کنار این سرزمین، گوناگونی سفره‌های نوروزی و طرز چیدن آن را دید و ثبت کرد، اما تردیدی نیست که همه این سفره‌ها در حال تبدیل شدن

به «هفت سین» نوروزی‌اند که روی آن حتماً تخم‌مرغ رنگ‌شده هست با این که اسمش با «سین» شروع نمی‌شود، همچنین چراغ و شمع روشن و آجیل و شیرینی، اما مطمئناً دیگر کسی آب روی سفره هفت سین نمی‌گذارد. شاید چون برای قرار دادن تخم‌مرغ و شمع، داستان‌ها و دلایلی سینه به سینه نقل می‌شود که با منطق جوانان امروزی می‌خواند ولی برای آب نه؛ و فراموش شده است که چرا هنوز هم قدیمی‌ها اصرار دارند که سیر و سرکه روی سفره نوروز نگذارند. ماهی قرمز را نمی‌دانیم از چه زمانی و چرا به سفره‌های نوروزی اضافه شده، اما چون جزء «سین‌های سفره نوروزی نیست و سند مکتوب قدیمی هم برای آن نداریم، شاید روزی دوستداران طبیعت در متقاعد ساختن مردم موفق شوند و دیگر جان ماهی‌های بیگانه، بی‌دلیل در تنگ‌های تنگ سفره هفت سین جا نماند.

به این ترتیب اطمینان داریم که سفره‌های زیر ویجو که برای رسم نوروز گسترده می‌شد، نه لزوماً هفت سین بود، نه هفت شین؛ بلکه همان سفره گاهنبار بود ولی با رنگ و بویی سبزتر و خوش‌تر. این پرسش که چرا در نقاط مختلف ایران، سفره نوروز را با هفت «سین» یا «شین» یا «میم» می‌آرایند، پرسشی قدیمی است که برای مورخان و ملل و نحل نویسان قدیم نیز مطرح بوده است و شاید به آن پاسخ هم داده‌اند. برخی پژوهشگران اشاره ابوریحان بیرونی به کاشتن هفت دانه یا هفت ظرف سبزه را دلیلی بر قدمت هفت سین دانسته‌اند؛ بیرونی پس از یادآوری اسطوره جمشید و نقش او در پیدایش نوروز چنین آورده است: «در این روز هر چوبی که خشک شده بود، سبز شد و مردم گفتند (روزنو) یعنی روزی نوین و هر شخص از راه تبرک به این روز در طشتی جو کاشت. سپس این رسم در ایران پدیدار ماند که روز نوروز در کنار خانه صنف از غلات را در هفت استوانه بکارند و از روییدن این غلات به خوبی و بدی زراعت و حاصل سالیانه حدس بزنند» (بیرونی ۱۳۵۲، ص ۲۸۳).

نظری هم هست که می‌گوید هفت سینی یا در واقع هفت چینی، که آنها را از شیرینی و نقل و خوردنی‌های دیگر پر می‌کردند و بر خوان نوروزی می‌گذارند، سرچشمه نام «هفت سین» بوده است (فره‌وشی ۱۳۶۴، ص ۵۸). شاید اشارات تاریخی دیگر مانند آنچه جاحظ درباره مراسم نوروز در دربار ساسانیان نوشته است، نظریه اقتباس نام «هفت سین» از هفت سینی را قوت بخشیده است: در روز نوروز شخصی پرهیزکار و خوشنام که صورتی زیبا و بیانی شیوا داشت، به دربار می‌آمد و «نزد پادشاه یک سینی سیمین می‌گذاشت. اطراف این سینی چند گرده نان پخته شده، از انواع دانه‌ها از جمله گندم، جو، ذرت، نخود، عدس، برنج، کنجد، باقلا و لوبیا گذاشته شده بود. از هر یک از این دانه‌ها، هفت دانه در گوشه سینی چیده بودند و در وسط سینی هفت شاخه از



درختی که بدان تفأل می‌کردند و خوش‌یمن بود و چشم با دیدن آن شاخه‌ها روشن می‌شد، مانند شاخهٔ زیتون یا انار گذارده بودند... هفت نوع شیرینی سیدرتنگ و سکه‌های سپید (ضرب شده در همان سال) و دینار جدید و مقداری اسپند در سینی می‌گذازدند. (۸)

اما همهٔ این نظرات، هنوز در مرتبهٔ حدس و گمان باقی مانده است، اگر حقیقتاً قآنی نخستین کسی باشد که واژهٔ «هفت‌سین» را در شعر خود آورده است (روح‌الامینی ۱۳۸۷، ص ۵۷)، شاید سفره‌های نوروزی سدهٔ دوازدهم و پیش از آن، هنوز همان هفت سین بر از شیرینی و قند و شکر و نان و سکه و همچنین هفت ظرف دانهٔ سبزشده و هفت شاخهٔ نورسته بوده است.

سین ساغر بس بود ما در این نوروز روز
گو نباشد هفت‌سین رندان دردآشام را

اما به عنوان سخن آخر: هفت سین، هفت شین یا هفت میم در هفت سین یا هفت چینی، چه تفاوتی دارد اگر گوشه‌ایمان کلام سبزه‌زاران را نشنیده و دریچهٔ چشم‌هایمان به روی طراوت سرشار طبیعت بسته مانده است. سفرهٔ نوروز، سفرهٔ آفرینش است در روزی که باز آفریده می‌شوند جوانه‌های زندگی بر شاخهٔ خشک و شکستهٔ حیات قدیم؛ اما این بار سفرهٔ آفرینش را ما می‌گستریم تا از یاد نبریم نخستین رویش را، تا معنا کنیم آب و گیاه و زمین و آسمان را، تا بفهمیم اسطوره‌ای را که به این هستی تقدیم شده است. پس اگر سبزه بر سفرهٔ نوروزی می‌گذاریم، پیام سبزه‌دانه‌ها را نیز بخوانیم و اگر هنوز آب را از یاد نبرده‌ایم، رمز پاک محو شدن را هم بیاموزیم از آب.

- کتابنامه
- آذرگشسب، اردشیر. ۱۳۴۹. آیین برگزاری جشن‌های ایران باستان. تهران.
 - بلوکباشی، علی. ۱۳۸۴. نوروز، جشن نوزایی آفرینش. تهران.
 - بهار، مهرداد. ۱۳۶۹. بندهش. تهران: توس.
 - بیرونی، ابوریحان. ۱۳۵۲. آثارالباقیه. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران.
 - جاحظ، عمرو بن بحر. ۱۹۶۹م. المحاسن و الاضداد. لبنان: الشركة اللبنانية للكتاب.
 - روح‌الامینی، محمود. ۱۳۸۷. آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز. تهران: آگه.
 - سروشیان، جمشید. ۲۵۳۶ ش. فرهنگ بهدینان. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (چاپ دوم).
 - سروشیان، مهوش. ۱۳۸۱. «خوراک‌های آیینی و سنتی زرتشتیان در ایران»، سروش پیر مغان، یادنامه جمشید سروشیان. به کوشش کتابیون مزداپور. تهران. صص ۶۶۲-۶۲۹.
 - فره‌وشی، بهرام. ۱۳۶۴. جهان فروری، بخشی از فرهنگ ایران. تهران: کاربان.
 - میرفخرایی، مهشید. ۱۳۶۷. روایت پهلوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

اصطلاحات به کار رفته ...

۱. «سفره انداختن» اصطلاحی است که زرتشتیان برای گستردن سفره به کار می‌برند.
۲. آوانویسی واژه‌هایی که به گویش زرتشتیان آورده شده، به روش کتاب گویش بهدینان شهر یزد تألیف دکتر کتابیون مزداپور است.
۳. بندهش، فصل ۳، بند ۹. برای ترجمه فارسی بهار ۱۳۶۹، صص ۴۸: «...به همان گونه نیز آفرینش مادی را به هفت بخش آفرید، نخست آسمان، دیگر آب، سدیگر زمین، چهارم گیاه، پنجم گوسفند، ششم مردم، هفتم آتش که درخشش او از روشنی بیکران، جای اورمزد است».
۴. میوه
۵. genze-y viju. ویجو طبقی مربع شکل است که به وسیله نی ساخته می‌شود و به وسیله چهار طناب از چهار گوشه آن به سقف اتاق آویزان می‌شود و بر روی آن خوردنی‌ها و چیزهایی را می‌گذارند که باید از دسترس حشرات و جانوران مثل موش و گربه در امان بماند. اتاقی که ویجو در آن آویزان است «اتاق ویجو» نامیده می‌شود. در کرمان ویجو را «شیرویز» می‌نامند (سروشیان ۲۵۳۶: ۱۷۸).
۶. برای تهیهٔ āv-kārta که به آن «آب‌پره» (āv para) یا «چُم آو» (čom-e āv) نیز می‌گویند، میوه‌های خشک مانند انجیر، برگهٔ هلو، آلوی خشک و ... را برای سه روز در آب خیس می‌کنند.
۷. برای تهیهٔ چنگال نوروزی در یزد، مقداری خرما یا خشک تهیه می‌کنند و هسته خرماها را می‌گیرند و آنها را با چند قاشق روغن گوسفند سرخ می‌کنند. سپس نان را خرد کرده و به آن می‌افزایند و ورز می‌دهند تا خوب به هم بچسبند. مقداری دارچین برای چاشنی به آن اضافه می‌کنند و با دست آنها را به شکل توپهای کوچک درست می‌کنند. چنگال را در یزد برای سال نو و در کرمان برای گاهنبارها و سال نو درست می‌کنند.
- در شریف‌آباد خرما را با گلاب و شیر و ارده (دانه‌های کنجد له‌شده) مخلوط می‌کنند و با نان خرد شده و مقداری دارچین و برگ گل سرخ ورز می‌دهند و بر سفره نوروزی می‌گذارند. زرتشتیان شریف‌آباد این خوراک را «چنمال» هم تلفظ می‌کنند و کرمانی‌ها به آن چُمال می‌گویند.
۸. جاحظ ۱۹۶۹، ص ۲۱۲؛ ترجمه فارسی به نقل از بلوکباشی ۱۳۸۴: ۷۵.

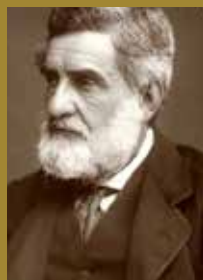


استوانه‌ی کوروش

تنها سند نسبتاً مفصلي که از کوروش برجای مانده، استوانه‌ای به طول ۲۲/۵ سانتی متر و عرض ۱۱ سانتی متر از جنس خاک رس با نوشته‌ای ۴۵ سطری به زبان بابلی است که امروزه با شماره ی ۹۰۹۲۰ در اتاق ۵۲ بخش ایران باستان موزه ی بریتانیا نگهداری می شود. [۱۴۹] تکپی اصلی این استوانه در سال ۱۸۷۹ میلادی توسط هرمزد رسام در حفاری معبد مردوک در بابل پیدا شد، این تکه حاوی ۳۵ خط بود. تکه ی دوم که شامل خط‌های ۳۶ تا ۴۵ می شود، در سال ۱۹۷۵ میلادی در کلکسیون بابل دانشگاه ییل یافت شد و به استوانه ی اصلی پیوست گردید.

کوروش پس از معرفی خود و دودمانش و شرح مختصری از فتح بابل، می گوید که تمام دستاوردهایش را با کمک و رضایت مردوک به انجام رسانده است. وی سپس بیان می کند که چگونه آرامش و صلح را برای مردم بابل، سومر و دیگر کشورها به ارمغان آورده و پیکر خدایانی که نونعید از نیایشگاه‌های مختلف برداشته و در بابل گردآوری کرده بوده را به نیایشگاه‌های اصلی آنها برگردانده است. پس از آن، کوروش می گوید که چگونه نیایشگاه‌های ویران شده را از نو ساخته و مردمی را که اسیر پادشاه‌های بابل بودند را به میهن شان بازگردانده است.

در سال ۱۹۷۱ میلادی، سازمان ملل متحد استوانه ی کوروش را به همه ی زبان‌های رسمی سازمان منتشر کرد و بدلی از این استوانه در مقر سازمان ملل در فضای بین تالار اصلی شورای امنیت و تالار قیومت در شهر نیویورک قرار داده شد. در این مکان، نمونه‌ای از آثار فرهنگی کشورهای گوناگون وجود دارد



در سال ۱۲۵۸، به دنبال کاوش‌های گروهی انگلیسی در معبد بزرگ اسکِیله (نیایشگاه مردوک، خدای بزرگ بابلی) در شهر باستانی بابل در میان‌دورود (بین‌النهرین) استوانه‌ای از گل پخته بدست باستان‌شناسی کلدانی به نام «هرمز رسام» پیدا شد که امروزه در موزه ملی بریتانیا نگهداری می شود.

منشور کوروش استوانه ای سفالین از جنس رس بوده، ۲۳ سانتیمتر طول و ۱۱ سانتیمتر عرض دارد و حدود ۴۰ سطر به زبان اکدی و به خط میخی بابلی روی آن حک شده است.

بررسی‌های نخستین نشان داد که گرداگرد این استوانه گِلین را نوشته‌هایی به خط و زبان بابلی نو (اکدی) در برگرفته که گمان می‌رفت نبشته‌ای از فرمانروایان آشور و بابل باشد.

اما بررسی‌های بیشتری که پس از گرت‌برداری و آوانویسی و ترجمه آن انجام شد، نشان داد که این نبشته در سال ۵۳۸ پیش از میلاد به فرمان کوروش بزرگ هخامنشی (۵۳۰-۵۵۰ پ.م.) و به هنگام ورود به شهر بابل نوشته شده است.

در دانشگاه ییل کتیبه کوچک و آسیب‌دیده‌ای نگهداری می‌شود که ریشارد برگر در سال ۱۹۷۵ آنرا بخشی گمشده از استوانه کوروش دانست. این بخش توسط وی به کتیبه اصلی اضافه شد.

نماینده‌گان و حقوق‌دانان کشورهای گوناگون جهان در سال ۱۳۴۸ خورشیدی با گردهمایی در کنار آرامگاه کوروش در پاسارگاد، از او به نام نخستین بنیادگذار حقوق بشر جهان یاد کردند و او را ستودند.

گزارش کنگره بزرگ فرزانا

شیدا انوشیروانی

هفدهمین کنگره زرتشتیان آمریکای شمالی از سوی فرزانا و با سرپرستی انجمن پارسیان و با همکاری مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برای سه روز از ۲۹ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴ در هتل هیلتون فرودگاه لوس آنجلس در شهر لوس آنجلس کالیفرنیا برگزار شد. این کنگره تاکنون پرشکرت کننده ترین کنگره آمریکای شمالی و به گفته بسیار بهترین و پربارترین آنها نیز بوده است.

سرپرستان این کنگره هفت تن بودند که سه فرشتین آن بانو انامی دلال - فرزانه خسرو لاکداوالا و فرزانه داریوش میستری بوده و افزون بر آنها بانو تمی دامانیا - بانو شیوا خورشیدیان - فرزانه مهرداد زمردی و بانو شیدا انوشیروانی با یاری هم و با درست کردن کمیته های گوناگون کار کنگره را به پایان رساندند. سخنرانان بسیار پارسی، ایرانی و دیگران در باره جستارهای زیار گفتگو کردند. سالنهای دیدنی و آموزشی مانند نمایشگاهی از شاهنامه، نقاشی و کتاب برای بازدید شرکت کنندگان آماده شده بود.

گشایش کنگره روز نخست با نایش گروهی ۲۲ تن از موبدان ارجمند پارسی و دوتن ایرانی (موبد اشکان باستانی و موبدیار آرش کسروی) بگونه ای بسیار زیبا برگزار شد و پس از آن گروه ماترای مرکز زرتشتیان به سرپرستی فرزانه رستم کیومرثی سه سرود دینی خواندند که بسیار مورد پسند همگان قرار گرفت. سپس گروه کر پارسیان برنامه داشت و با برنامه چند کودک خردسال پارسی و چهار کودک ایرانی (نیکو و مینو کییک، رونیکا اریانفر و ارشان اشیدری) که هر کدام پرچم مملکتی را در دست داشتند و سرود همبستگی زرتشتیان دنیا را با آهنگ زیبا و شناخته شده دنیای کوچک دیسنی با همخوانی خواندند که بسیار شادی بخش و دیدنی بود.

سپس بانو کتیون کاپادیا فرشتین فرزانا - فرزانه بامی پتل فرشتین کمیته کنگره فرزانا و بانو تمی دامانیا فرشتین انجمن پارسیان و شیدا انوشیروانی به شرکت کنندگان خوش آمد گفتند.

در این بخش با سخنرانی فرزانه نادیر گودرج نخستین سخنران ویژه سخنرانی ها آغاز گشت و ایشان سخنرانی خود را که خود بسیار زیبا سروده بودند خواندند و پس از ایشان بانو پریسا خسروی سخنران ویژه و برجسته و نایب رییس خبری بین المللی کانال تلویزیونی سی ان ان در باره "چگونه در راه انجام خواسته های خوب خود کوشا باشیم" سخنرانی نمودند که بسیار آموزنده بود.

در این کنگره کوشش شده بود که سخنرانی ها تنها دینی نباشد بلکه در باره دیگر جستار ها مانند نگهداری زیست بوم - روانشناسی - آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان - ادبیات پارسی - پزشکی و تاریخ نیز گفتگو شد. همچنین به چندین تن از برجستگان

زرتشتی هدایای داده شد. من در اینجا تنها به گزارش بخش ایرانی کنگره می پردازم. سخنرانان ایرانی که از سوی مرکز به کنگره شناسانده شده بودند:

فرزانه پروفیسورسروش سروشیان در باره "دوراندیشی و خرد زرتشت در نگهداری زیست بوم" سخنرانی بسیار پربرای کردند که مورد ستایش باشندگان قرار گرفت. فرزانه دکتر داریوش جهانیان در باره تاریخ زرتشتیان و فرزانه فریبرز رهنمون در باره "کاتنا: چراغ راهنمایی برای سده بیست و یکم" سخن گفتند.

سخنرانان دیگر ایرانی فرزنانکان: (موبد فریبرز شهزادی (پایه های زرتشتیگری) - اردشیر بهی (زرتشتیگری) - دکتر شهرام یزدانی (اثر زیست بوم در بیماری سرطان) مهندس شاهین نژاد (شاهنامه) - فرشته مزدیسنی و شهرام سهراب (پرورش فرزندان زرتشتی در آمریکا) افشین و نوشا سپهری (داستانهای شاهنامه و شاهنامه خوانی) دکتر نیکان خطیبی (پزشکی) ندا ایرانپور (پیروزی در پیشه های دیگر) دکتر اردشیر انوشیروانی (روانشناسی تاریخی ایران بزرگ برابر گفته های زرتشت) و فریبرز مسیح (دهشمنندی بر پایه شیوه های بازرگانی) بودند. افزون بر سخنرانان، فرزنانگان دیگر ایرانی (بانوان تربیتی پورهروانی و دکتر پارمیس خطیبی (گرداننده برنامه) فریا پیرغیبی و آرمینا دلال) سخنرانان را به باشندگان شناساندند. همچنین نوجوانان آنوسا بهروز، شایان دلال و نوشا سپهری در برنامه های بخش جوانان کنگره سخنرانی نمودند.

به همه سخنرانان و برنامه داران از سوی مدیران کنگره هدیه ای داده شد که همه ۱۳۰ هدیه از سوی دهشمنند بزرگوار فرزانه بهنام آبادیان آماده و به کنگره پیشکش شده بود که از ایشان بسیار سپاسگزاریم.

سه شب کنگره جشن و شادمانی بود.

نخستین شب، شب ایران بود که از سوی مرکز زرتشتیان برپا شد. پیش از ورود به سالن از سوی سه تن، بانو مژگان آریانه و دوشیزگان یاسمن انوشیروانی و آرزو دیناری با آئینه و گلاب به مهمانان خوش آمد گفته شد.

در آغاز برنامه دوشیزه رویا بهمدردیان سروده ای را که در باره همبستگی پارسی ها و ایرانی ها سروده بود خواند که بسیار مورد پسند قرار گرفت. سپس نمایشنامه زنان نامدار تاریخ ایران نمایش داده شد که در آن بیست و دو تن از دوشیزگان کلاسهای مرکز با جامه های بسیار زیبایی آن زمان که با همت بانو عادل جوی دوخته شده بود یک یک به آرامی همراه با موسیقی

فرتورها از اردشیر باغخانیان



باشکوه بسیارخرامیده روی سن آمدند و کارهای بزرگی را که هرکدام از این بانوان در زمان خود انجام داده بودند بر زبان آوردند. این نمایش به یاری چند تن از آموزگاران مرکز کارگردانی شده بود.

در این شب از فرزانه دکتر فرهنگ مهر بزرگداشت شد. پس از شام ایرانی بانو مهربانو گودرز با آوای خوش و شیدینی خود برنامه بسیار دلنشینی را با همکاری گروه موزیک خود به باشندگان هدیه کردند که مورد پسند قرار گرفت که از ایشان سپاسگزاریم. پس از آن برنامه با دست افشانی و پاکوبی تا پاسی پس از نیمه شب ادامه یافت.

شب دوم شب پارسیان بود که با ارکستر سمفونیک جهانی ۴۴ تنه زرتشتیان آغاز شد که در آن چند تن نوجوانان ایرانی (کیارش امانی - البرز امانی و آزاد کامکار) نیز هنرنمایی کردند. پس از آن هنرمندان جوان پارسی برنامه های بسیار چشم گیری مانند نمایش، نواختن وسایل موسیقی و آواز داشتند و پس از شام برنامه دست افشانی و پاکوبی بود.

شب سوم شب سال نو مسیحی بود که با برنامه های هنری و شام و موزیک از باشندگان پذیرایی شد و همه با هم شب خوبی را گزراندند فرزانه مهرداد زمردی ۴۰۰ شیشه شراب برای سه شب جشن به کنگره هدیه نمودند که بسیار از ایشان سپاسگزاریم.

برنامه ریزی این کنگره دوسال کاربرد که همه کارها را داوخواهان دو انجمن (بیشتر داوخواهان پارسی) انجام دادند که از همه آنها سپاسگزاریم.

این کنگره برای ستین گوناگون برنامه ریزی شده بود. برای نوجوانان بخش MINI CONGRESS بود که آنها برنامه های سخنرانی و گفت و شنود سرگرم کننده خود را داشتند. برای نوباوگان، نگهداری از آنها و برنامه های سرگرم کننده و آموزشی آماده شده بود تا هم کودکان و نوجوانان و هم پدران و مادران از کنگره بهره بیشتری ببرند و همه خانواده با هم در زیر یک سقف زمان خوبی داشته باشند.

افزون بر برنامه های گفته شده، چون لوس آنجلس دارای هوای خوب و دیدنیهای بسیار شناخته شده میباشد گردشهای گروهی برای همه کسانی که از شهرها و کشورهای گوناگون آمده بودند و همچنین سرگرمی های دیگری پیش از آغاز کنگره آماده شده بود که نوجوانان، جوانان و بزرگترها از آنها بهره بردند. بیش از همه چیز گردهم آبی خویشان و دوستان دیرینه و آشنایی با دوستان تازه بود که برای شرکت کنندگان خاطره خوبی برجای نهاد.

در پایان از موبد ارجمند و گرامی فرشتین کنکاش موبدان تهران فرزانه موبد دکتر اردشیر خورشیدیان که از روی مهر با نوشتن نامه آرزوی پیروزی برای کنگره کرده بودند بسیار سپاسگزاریم.

به امید دیدار در هیجدهمین کنگره آمریکای شمالی که در شهر ونکور کانادا در سال ۲۰۱۷ برگزار میشود. شاد و تندرست و پیروز باشید.

نودادها

گیو از ۱۱ بامداد با اوستاخوانی موبد آغاز شد و پس از آن از باشندگان با لرك - میوه و ناهار پذیرایی شد.
 شنبه ۲۴ ژانویه نمایشنامه ازدواج مشکوک با هنرمندی آقای خردادبان و دیگر هنرمندان در مرکز برگزار گردید.
 یکشنبه ۲۵ ژانویه ۱۱:۳۰ بامداد خانم انسیه فرورد در باره بیمه درمانی او باما سخن گفتند.
 شنبه ۳۱ ژانویه برنامه جشن سده از ۵ پسین همراه با آتش افروزی و برنامه های شاد و دی جی در مرکز برگزار گردید.

دسته خودمون نیست... لذت بردن رو یادمون ندادن!
 از گرما می نالیم... از سرما فرار می کنیم...
 تو جمع، از شلوغی کلافه می شیم، و تو خلوت، از تنهایی بغض می کنیم...
 تمام هفته منتظر رسیدن روز تعطیل هستیم، و آخر هفته هم، بی حوصلگی...
 همیشه درانتظار به پایان رسیدن روزهای هستیم، که بهترین روزهایه
 زندگیمون رو تشکیل میدن: مدرسه... دانشگاه... کار...
 حتی تو سفر هم همش به مقصد می اندیشیم، بدون لذت از مسیر...
 غافل از اینکه زندگی...
 همان لحظاتی بود که میخواستیم بگذرن...!

شنبه ۱۳ دسامبر از ۷ پسین برنامه جشن شب چله با همکاری گروه بانوان مرکز همراه با هنرمند سرشناس بانو مریم نحی و هنرمندان میهمان و پذیرایی با میوه، آجیل، می (شراب) و شام در مرکز برگزار شد.
 یکشنبه ۲۱ دسامبر ۱۱ بامداد فرزانه موبد دکتر اردشیر خورشیدیان فرنشین کنکاش موبدان تهران در مرکز سخنرانی با فرنام روش شناخت ژاژباوری (خرافات) نمودند.

یکشنبه ۲۱ دسامبر از ۲ پسین گزیدمان و شمارش رای ها برای گزینش هموندان گروه مدیران دوره ۱۹ مرکز آغاز شد و ۷ تن از هموندان مرکز به نامهای: خانم شیدا انوشیروانی - آقای هوشنگ فرمند - خانم مهرانگیز جم زاده - خانم منیژه ملک زادگان - خانم مهردخت نمیرانیان - آقای بیژن سلامتی شریف آباد - آقای رستم شیرمردیان و هموند جایگزین آقای نیما سپاسی برگزیده شدند.
 سالروز درگذشت اشوزرتشت روز خیرایزد (خور) و دی ماه برابر با آدینه ۲۶ دسامبر با اوستاخوانی موبد از ۵ تا ۷ پسین در مرکز برگزار شد
 چهارشنبه ۳۱ دسامبر از ۷:۳۰ شب برنامه جشن شب سال نو میلادی با همکاری گروه بانوان همراه با آواز خوش خواننده سرشناس بانو رویا و دی جی کاش و با پذیرایی شام و شامپاین در مرکز برگزار شد.

آیین زیبای کهنبار چهره میدیارم گاه که جشن میان زمستان است و برای آفرینش جانوران میباید از ۱۱ بامداد روز وره رام ایزد برابر با یکشنبه ۴ ژانویه ۲۰۱۵ با همکاری گروه کهنبار در مرکز برگزار گردید. در این روز گروه همنوایان مانتره در مرکز برنامه شادی داشتند.
 یکشنبه ۱۱ ژانویه مراسم سالروز درگذشت روانشاد بانو مروارید اردشیر امانت

Photos in this page by :
 Keikhosrow Yektahi



نودادها سن دیو گو San Diego

دهشندان لس آنجلس - ولی

- ۱- آقای کتر رامین امانی ۵۰۰ دلار.
- ۲- خانم فهیمه شاملو ۵۰ دلار ماهیانه و ۲۰ عدد رومیزی گرد بزرگ اهدا نمودند.
- ۳- آقای سیامک کریمی ۱۰۰ دلار.
- ۴- آقای بابک (ربرت) بهدادنیا ۱۰۰۱ دلار برای ساختمان.
- ۵- آقای برمک بهدادنیا ۱۰۰۱ دلار برای ساختمان.
- ۶- خانواده دلال ۲۰۰۰ دلار برای ساختمان.
- ۷- مبلغ ۱۰۰۰ دلار برای ورزش. JFB Properties LLC.
- ۸- خانم ماهرخ و آقای دکتر پریبرز نامداری ۱۰۰ دلار برای گهنباردر ولی.
- ۹- خانم مهبانو امانت و آقای هرمزدار بهزیز ۵۱ دلار برای گهنباردر ولی.
- ۱۰- خانم مهرآور آبدیان ۵۰ دلار برای گهنبار در ولی

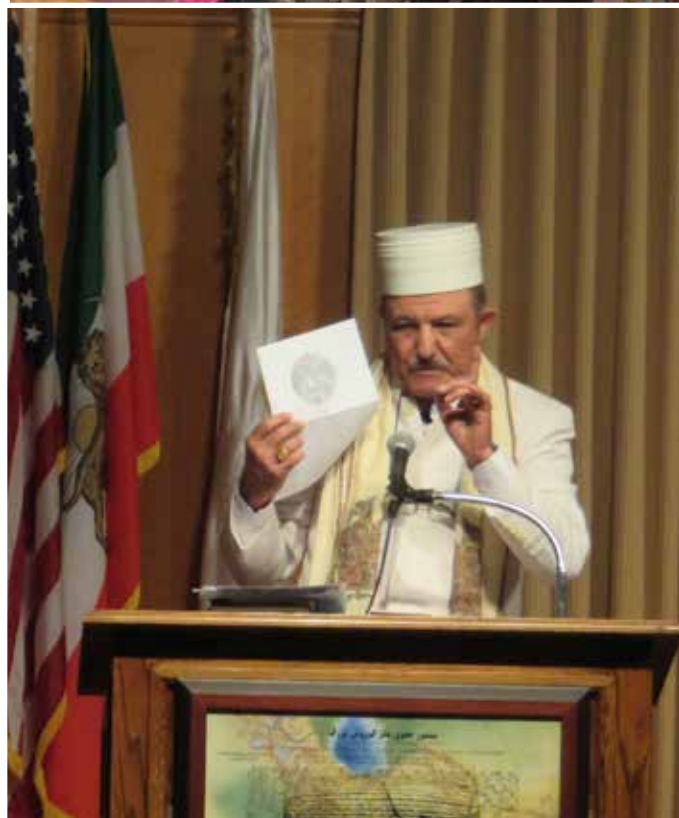
همکیشان گرامی:

برنامه های برگزار شده در سن دیو گو به شرح زیر میباشد:
انجمن سن دیو گو در روز ۱ فوریه گردهمایی کوچکی به مناسبت سوپر بول که به صورت پات لاک بود برگزار گردید که از همکیشان با خوراکی و نوشیدنی پذیرایی گردید.
برنامه کلاسهای آموزشی و دینی به روال خود در دومین هفته هر ماه برگزار می گردد.



گردهمایی مردان در دومین دوشنبه هر ماه و گردهمایی زنان در دومین چهارشنبه هر ماه برگزار می گردد.
برنامه های آینده:

برگزاری جشن نوروز در ۲۱ مارچ ۲۰۱۵
خیر اندیشان که به انجمن یاری نمودند:
بیژن تیمساری ۲۰۰ دلار
خیراندیشی ۲۰۰ دلار
آقای داریوش و بانو ۱۸۰ دلار (از فروش مربا)



دهشمندان :

- ۱- تراست روانشاد خانم مروارید گویو برای کمک به چاپ چهره نما ۱۶۰۰ دلار.
- ۲- آقای ارسطو گودرزی برای کمک به نشریات مرکز ۲۰۰ دلار.
- ۳- آقای آبتین ساسانفر برای آگهی و کمک به نشریات مرکز ۷۰۰ دلار.
- ۴- خانم ماندانا و آقای دکتر شهریار کاووسی ۲۰۰ دلار.
- ۵- خانم عادلہ آلبا ۱۰۱ دلار.
- ۶- خانم جوان و آقای دکتر ابوزجمهر مزدایی برای بازسازی ساختمان مزدایی ۵۰۰۰ دلار.
- ۷- خانم هما و آقای کامبیز یگانگی برای هموندی و دهش ۱۰۰۰ دلار.
- ۸- خانم میترا و آقای دکتر رستم کاووسی ۱۰۴۰ دلار.
- ۹- خانم ایران‌دخت جهانیان بنامگانه روانشاد کیخسرو سروشیان ۱۰۰ دلار.
- ۱۰- خانم نیلوفر گویو ۱۰۰۰ دلار.
- ۱۱- آقای فرزین نوروزی بنامگانه روانشاد مهریایی خداداد نوروزی ۱۲۱ دلار.
- ۱۲- خانم پروین مهرخداوندی بنامگانه روانشاد کامیار داریوش بهدینیان ۱۰۱ دلار.
- ۱۳- بنامگانه روانشاد رستم جمشید هومتی ۱۰۱ دلار.
- ۱۴- خانم ترانه غیبی ۵۰۰ دلار.
- ۱۵- خانم هما و آقای کامبیز یگانگی و برای هموندی و دهش ۱۰۰۰ دلار.
- ۱۶- آقای عباس واتقی ۱۵۰ دلار.
- ۱۷- خانم میترا و آقای دکتر رستم کاووسی ۱۰۴۰ دلار.
- ۱۸- آقای هرمز جاودانی بنامگانه روانشاد دکتر شروین بهروزیان جاودانی ۲۰۰ دلار.
- ۱۹- خانم پروین و آقای سیامک فروهر ۱۰۰ دلار.
- ۲۰- آقای دکتر کیوان زین آبادی فرزند مهندس ایرج بمناسبت سی امین سال درگذشت پدربزرگشان روانشاد اسفندیار بهمن زین آبادی برای تعمیرات مرکز ۵۰۰ دلار.
- ۲۱- آقای دکتر کامبیز زین آبادی فرزند مهندس ایرج بمناسبت سی امین سال درگذشت پدربزرگشان روانشاد اسفندیار بهمن زین آبادی برای تعمیرات مرکز ۵۰۰ دلار.
- ۲۲- خانم رامک رهنمون بنامگانه روانشاد پریدخت هرمزدار کیخانزاده ۱۰۰ دلار.
- ۲۳- خانم همایون حسروایانی بنامگانه روانشاد گشتاسب خدامراد کرمانی ۱۰۰ دلار.
- ۲۴- خانم شیرین و آقای بهنام شهروینی ۱۴۰ دلار.
- ۲۵- خانم فرخنده خورسندیان حقیقی بنامگانه روانشادان رستم حقیقی - شیرین ترک و فریدون خسرو ۲۰۰ دلار.
- ۲۶- ندا و آریا عزیزی بنامگانه روانشاد رستم فریدون حقیقی ۱۰۰ دلار.
- ۲۷- خانم گلانو و آقای سهراب شهریاری ۲۰۰۰ دلار.
- ۲۸- خانم سیمین و آقای پرویز اردشیرپور ۱۰۱ دلار.
- ۲۹- خانم شیرین و آقای دکتر سروش سروشیان ۲۰۰۰ دلار که ۵۰۰ دلار آن برای گهنبار و ۵۰۰ دلار آن برای نشریات و ۱۰۰۰ دلار آن برای هزینه های مرکز استفاده شود.
- ۳۰- خانم پریدخت و آقای خسرو ضیاطبری بفرخندگی گواه گیری پسرشان آریا ضیاطبری با دوشیزه رزیتا پوروشسب ۱۵۰۰ دلار.
- ۳۱- خانم میترا کامور و آقای فرهاد فرزانه ۲۰۲ دلار.
- ۳۲- خانم سیمین واقفی ۴۰۰ دلار.
- ۳۳- خانم بیسی و آقای داریوش ایرانی ۱۰۰۰۰ دلار.
- ۳۴- خانم فرزانه مهرفر ۵۰۰ دلار.
- ۳۵- خانم اختر شجاعزادگان بنامگانه روانشادان دکتر شروین بهروزیان - خدارحم بهروزیان و سلطان شجاعزادگان ۱۵۰ دلار.
- ۳۶- تراست روانشاد مروارید خانم گویو برای برگزاری سال روانشاد مروارید خانم گویو ۵۰۰ دلار.
- ۳۷- خانم پریخ کیهانی بنامگانه روانشاد اردشیر خداداد کیهانی ۱۰۰ دلار.
- ۳۸- خانم بهناز شهزادی و آقای فردوس ایرانی ۳۰۰ دلار.

آیین پرسه

آیین پرسه روانشادان رستم جمشید هومتی - سیروس فرامرزیان - بانو حکیم امانت و فریدون رستم دمهری در تالار مروارید گویو این مرکز برگزار گردید. درگذشت این روانشادان را به خانواده و همه خویشان و دوستان دل آرامی داده آموزش و شادی روان این درگذشتگان و تندرستی - شکیبایی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم

اوستاخوانی:

- ۱- خانم مهری سروشیان برای اوستاخوانی سر سال روانشادبهمن دینیار مزدایی ۵۰ دلار.
- ۲- آقای بهروز بهی زاده برای اوستاخوانی سر سال روانشادان مهیندخت رستم بلندی و مهربان بهروز بهی زاده ۵۰ دلار.
- ۳- خانم ملکه کمدار برای اوستاخوانی سر سال روانشاد منوچهر سروش کمدار ۲۵۰ دلار.
- ۴- خانم مخمل اردشیری گوهرریزی برای اوستاخوانی سر سال روانشاد فریبرز اردشیر گشتاسبی گوهرریزی ۱۰۱ دلار و برای کمک به چاپ چهره نما ۱۰۱ دلار بنامگانه آن روانشاد.
- ۵- آقای دکتر کیخسرو کاووسی برای اوستاخوانی سر سال روانشادان بانو مهربان مهربانی و مهربان کیخسرو کاووسی ۴۰۰ دلار.
- ۶- خانم روح انگیز مهرخداوندی برای اوستاخوانی سر سال روانشاد جمشید مهرخداوندی ۱۰۱ دلار و ۱۰۱ دلار دهش.
- ۷- خانم مهین رشیدی برای آفرینگان خوانی برای روانشادان بانو فرنگیس نوشیروانی رشیدی و جمشید خدامراد رشیدی ۳۰۰ دلار.
- ۸- خانم فرنگیس جم زاده برای اوستاخوانی سر سال روانشاد اسفندیار فریدون جم زاده ۱۰۱ دلار.
- ۹- خانم مروارید غیبی برای اوستاخوانی سر سال روانشاد اختر مهربان غیبی ۱۰۰ دلار.
- ۱۰- خانمها ونوس و ونک و آقای انوشه ویژه کشورستانی برای اوستاخوانی روانشاد زربانو آذرباد جهانبش زاده ۱۰۱ دلار.
- ۱۱- خانم هما امانی برای اوستاخوانی سر سال روانشاد بهمن کاووس امانی یزدی ۲۰۰ دلار.
- ۱۲- خانم گلنار امانی برای اوستاخوانی سر سال روانشاد بهمن کاووس امانی یزدی ۱۰۱ دلار.
- ۱۳- آقای دکتر رامبد امانی برای اوستاخوانی سر سال روانشاد بهمن کاووس امانی یزدی ۱۰۱ دلار.
- ۱۴- آقای دکتر رامین امانی برای اوستاخوانی سر سال روانشاد بهمن کاووس امانی یزدی ۱۰۰ دلار.
- ۱۵- آقای هرمز جاودانی برای اوستاخوانی سر سال روانشاد دکتر شروین بهروزیان جاودانی ۱۰۱ دلار.
- ۱۶- خانم تابنده سروشیان برای اوستاخوانی سر سال روانشاد افلاطون خسرو سروشیان ۱۰۰ دلار.
- ۱۷- خانم دلیر پرخیده برای اوستاخوانی سر سال روانشاد تیرانداز بمان پرخیده ۱۰۱ دلار.
- ۱۸- خانوادہ غیبی برای اوستاخوانی سر سال روانشاد سروش رستم غیبی ۱۰۱ دلار.
- ۱۹- خانم سیمیندخت بزرگ چمی برای اوستاخوانی سر سال روانشاد آبادان رشید ضیاطبری ۱۰۱ دلار.
- ۲۰- برای اوستاخوانی سر سال روانشاد اسفندیار رستم فرودیان ۱۰۱ دلار.
- ۲۱- آقای داریوش بوستانی برای آفرینگان خوانی روانشادان مهربان بوستانی - بانو عزتی - کیومرث بوستانی و بهمد کولکری ۱۰۰ دلار.
- ۲۲- خانم دریا و آقای دکتر هوشنگ فرشیدی برای اوستاخوانی سر سال روانشاد فرنگیس شهباز شهریاری فرشیدی ۲۵۰ دلار.
- ۲۳- خانم مهین خورشیدیان برای اوستاخوانی سر سال روانشاد رشید نامدار خورشیدیان ۱۰۱ دلار.
- ۲۴- خانمها بهناز و پروین مرزبان برای اوستاخوانی سر سال روانشاد رستم دینیار مرزبان ۲۰۰ دلار.
- ۲۵- خانم پریدخت کامیار برای اوستاخوانی سر سال روانشاد فرنگیس رستم غیبی ۱۰۲ دلار.
- ۲۶- خانم پریدخت یزدانی بیوکی برای اوستاخوانی روانشادان رستم - مروارید - گوهر و منوچهر یزدانی بیوکی ۱۰۰ دلار.

California Zoroastriann Center
8952Hazard ave
Westminster , Ca 92683

Non-profit Org
U.S. Postage
PAID
Permit No. 12300
Huntington Beach, CA 92647

Chehreh Nama

Publication of California Zoroastrian Center

Issue No. 174
Marche 2015
WWW.CZCJOURNAL.ORG



Editor's note :

Heritage is a pertinent aspect of who we are; it is where we find our strength, our weakness and path to our history. In this ever growing era of technology with a culture as ancient as ours it is imperative that we utilize all the tools at our disposal to preserve and to show case our heritage. And our guest editor and her writers marvel at demonstrating the value of preserving our heritage and the effort being put forth in this timeless task.

With the arrival of spring and renewal of the Persian New Year we celebrate the birth of Zarathushtra our beloved founder. He was a master poet and left us his iconic message in the form of poetry. I sometimes wonder if this brilliant man knew that poetry is the only way his message would survive the test of time and the prosecution of his followers.

We identify ourselves with those we share a past with (heritage) and the similarities bring us unity. On that note, the North American Zoroastrian Congress (held in Los Angeles in December of 2014) had a theme of Unity. A young Zoroastrian was asked to come up with an opening speech for unity between Parsis and Iranian Zoroastrians. She expressed herself on this subject in form of poetry much like Zarathushtra. In addition to her poem we have other talented poets (inspired by various life events on different subjects) who shared their poem with us.

NAZC brought a lot of young faces not only in attendance but also in panels as speakers. We asked a couple of youth on the different side of this event to share their opinion with our readers. It was energizing to see our next generation be engaged and passionate about our religion. So here is my Nowruz resolution: I will preserve my heritage to the best of my ability, reach out to our Parsi community and focus on engaging the Zoroastrian youth in the coming year. Maybe I will also start writing poems.....maybe not; I don't see that talent blossoming. Wishing you all a prosperous and blissful Nowruz.

**Ushta,
Fariba**

Graphic Designer
Keikhosrow Yektahi

Awarded for best director and best movie
in Iran animation festival (2010)

- * Business Cards & Logo Design
- * Letter Heads & Brochure Design
- * Photographer
- * E-mailer Design or Banner Design

Email: keikhosro_art@yahoo.com Tel: 949 2787675
Web Site: keikhosroart.wix.com/kaynew



چهره نامه
Chehreh Nama

czcjournal.org

California Zoroastrian Center
8952 Hazard Ave Westminister, CA 92683
Chehrenama's Email :
cninfo@czcjournal.org
Tel : (714)893-4737
Fax: (866)741-2365
czc publication's website :
www.czcjournal.org

You can now donate online to any
czcpublication go to :
www.czcjournal.org and the bottom of the
page you will see following
please consider donating to chehrehnama

Thank you



CZC will send you IRS accepted receipt
for any amount of donation

Typesetting & Graphic Design :
Keikhosrow Yektahi
Internet :
Ramin Shahriari

Editorial Policy :

The opinions expressed in articles we
publish are those of the authors , and
may or may not represent the views of
the Editorial Board of Chehrehnama, or
the Board of Directions of CZC
Chehrenama is a quarterly publication
published in March, June, September
and December

This publication is printed with the
help of donation from Morvarid Guiv
Trust

ChehreNama has begun a new approach of having a guest editor for each issue of the journal. The guest editor and their invited writers will produce two or more articles focused on a topic of importance in the context of the 21st century and present the Zoroastrian perspective on it.

In this issue we are pleased to introduce Farishta Dinshaw as our guest editor with her theme "Preserving our Heritage"

It is in our roots that our strength and nourishment are found as surely as a tree stands open to the bright light of the day only because of its firm anchoring in the ground

Dr. Martyn Atkins

Anchoring Our Past, Steering Our Future

Farishta Murzban Dinshaw

Zarathushti heritage encompasses a history of migration and adaptation to new environments over several millennia. Each relocation integrated new aspects to our language, clothing, cuisine, art, music, customs and rituals, so that our identities today are as rich and layered as our history. North America boasts a community of approximately 21,000 Zarathushtis (FEZANA, 2012) spread over the continent, a microscopic 0.006 percent of the total population of Canada and the USA. Thus, to ensure our community's survivability and our heritage's meaningful continuance, we need to work at two levels – the family unit and the community as a united whole. At the level of individual families consciously building Zarathushti identities, we need to infuse our daily lives with aspects of our heritage, from having farohars in our homes to Parsi and Persian cuisine on the table to celebrating Zarathushti festivals to maintaining Gujrati or Farsi as our first language. At a community level, we need to support an umbrella body like the Federation of Zoroastrian Associations of North America (FEZANA) to build a comprehensive database of print and non-print resources, to actively fundraise for collective goals, and to embrace technology as a means for connectivity and conservation.

We also have to make sure that in our attempt to concentrate on our diasporic identity, we do not forget that Iran, India and Pakistan hold the keys to our past.

In the following six articles, authors cover diverse issues from the need to preserve forgotten building to the need to revive a forgotten language. They make recommendations for institutions as well as individuals on their role in preserving our heritage. **



Farishta Murzban Dinshaw has presented papers on Zarathushti religion at several international congresses, including the "World's Religions after September 11 Congress" in Montreal in 2006. She is a regular contributor to community publications, "Fezana Journal" and "Hamazor". She is also the author of "Discovering Ashavan", a story set in ancient Iran about a young boy befriended by Zarathushtra.

HERITAGE TOURISM

The National Trust for Historic Preservation in the United States defines heritage tourism as "traveling to experience the places, artifacts and activities that authentically represent the stories and people of the past". There are several groups that organize tours to our heritage sites in Iran or to Atash Behrams [sacred places of worship] in India.

Tarapore: A Parsi Heritage Village?

Kaevan Umrigar

My first thoughts on visiting Tarapore were, hey, I have to shoot my film on India's dwindling Parsi population here. My very next thoughts were, why can't someone preserve this place as a



Courtesy Kaevan Umrigar

heritage village?

I had come to Tarapore after a month or two of exploring small towns and villages in the state of Maharashtra where Parsis had once flourished, but lately had been reduced to insignificance. All of them were places where the Parsis had followed the British – either the army or the railways – in search of business and employment. In these places, I would find a fire-temple (usually with a lock on the door), one or two surviving Parsi businesses and little else. But Tarapore was different.

Tarapore is just south of the Gujarat coast where the Parsis first landed in India. It probably was one of the early Parsi settlements (Sanjan, the site of the first landing, is barely 50 km away). What I found here was missing in the other places I visited – Parsi character.

Tarapore was home to 300-400 Parsis till the 1930s. In the 1970s, the community there was still surviving, albeit in drastically reduced numbers. The 1980s sounded its death-knell. The Tower of Silence

fell into disuse. The fire-temple would function only sporadically. Older residents died, younger ones who had migrated to Mumbai and elsewhere has fewer reasons to visit frequently. Houses remained locked up, either to crumble away or to be encroached.

When I visited Tarapore in 2005, I found Parsiwad, the village's Parsi quarter, almost deserted. The Tower of Silence had been vandalized with lewd graffiti. The fire-temple and the dharamsala, the Parsi traveller's rest-house, though had been renovated and were functioning.

It struck me then that within a distance of a kilometre or two the village had all the artifacts to showcase the traditional Parsi way of life to visitors. If a conservation group got together and restored the houses, the fire-temple, the Tower of Silence, the rest-house, it could become a living museum, and with Mumbai just a two-hour drive away, perhaps even a tourist attraction.

It was just a passing thought at that time. Four years later, I visited the Skansen in Stockholm, Sweden. Skansen is an open-air museum. On exhibit are Sweden's traditional homes and villages, actual structures transported brick by brick before they are lost to posterity. A stroll through Skansen is a walk down centuries of Swedish culture.

Tarapore could easily become something similar.

Yes, it will take effort. It will require the co-operation of community trusts in the village (they manage the community properties) and the heirs of deceased residents who now own the homes. Restoration will be expensive. And making the heritage tour a memorable experience (like Skansen) will be a challenge. But Skansen shows us that it is possible. All it needs is will and commitment.

It's now 10 years since I made my film on Tarapore. But one thought persists – why can't someone preserve it as a heritage village? **



Kaevan Umrigar is a film-maker interested in documenting contemporary Parsi issues. His films on the community can be viewed online at <http://fiveparsifilms.blogspot.com>

MUSEUMS & MONUMENTS

Displaying Art and Artifacts

FMD

A free-standing, multi-storied Museum of Zarathushti Heritage is a dream that gets many excited, but with a scattered diaspora and competing fundraising priorities, perhaps it is better to be practical and make the dream a reality in other more achievable ways.

One way is to lobby existing museums to dedicate a permanent exhibit to Zarathushti exhibits or host temporary exhibits regularly in collaboration with local associations. Yasmin Pavri representing

FEZANA

Information Research Education System (FIRES), writes that one of their activities is to organize events paired with local museum exhibits. "In order to showcase Zarathushti history, culture, tradition to the North American community, it is essential to partner with local museums in North America. A prime example is the partnership between the Museum of Fine Arts, Houston, (MFAH) and the Zoroastrian Association of Houston (ZAH) during the exhibit of the Cyrus Cylinder, which was paired with a lecture series by Jenny Rose. Recently, Sarah Stewart, co-curator of the exhibit, The Everlasting Flame, also spoke at the MFAH."

Another possibility is to lobby colleges and universities, particularly those that have departments devoted to Zarathushti



Courtesy Farishta Dinshaw

studies, such as Stanford University, or Iranian Studies, such as Concordia University, to host permanent collections of Zarathushti artifacts and art. Temporary exhibits may be the starting point. In 2011, Cegep de Sainte Foy, a community college in Quebec City, hosted a conference on Zarathushti religion, culture, and history, including an exhibition of artifacts, books, and calligraphy collected by the Zoroastrian Association of Quebec from their members. Besides the artifacts, paintings by local Zarathushti artists, Parvin Farzaneh and Firooza Aubry were also displayed.

The online realm should also be considered. Arzan Wadia, co-founder of Parsi Khabar, an online news website, reports, "The recent initiative by Google Cultural Institute to set up an online exhibition portal is [a] success story. PARZOR Foundation based in New Delhi, India was invited to curate a beautiful multimedia experience titled "Parsi Zoroastrian: From Persia to Akbar's Court. 1600 B.C. to 1600 A.D." The exhibition can be viewed at <http://bit.ly/parzorexhibit>"

Cities with a vibrant and established Zarathushti community like Toronto, Chicago, or Houston, could lobby their municipal government to set up donated sculptures, fountains, and monuments in parks or foyers of public buildings to celebrate the presence and contribution of the Zarathushti community to the city.

**

ONLINE REALM

The Internet: An Impressive Toolkit

Arzan Sam Wadia

As a generational transformative change, the Internet today is as intertwined into our lives as electricity or running water in the mid-20th Century. The millennials coming of age today are exposed to the various manifestations of connectivity via internet like email, websites, social media platform and smartphone apps. Together these make a very impressive toolkit for the dissemination of information and engaging the audience.

Zarathushti-themed presence on the internet shows in websites, email discussion groups, and a large number of Facebook pages and groups. However, the content leaves a lot to be desired. Many websites were started with the right intention, but due to circumstances have become out of date or defunct. Facebook groups and pages often push a certain agenda and those with enquiring and curious minds or with opposing views are usually bullied out of participation.

However there are some standout examples of academic-themed websites that are part of larger institutions that afford the curatorial and editorial quality that makes them showcase the religion and culture to the world. Encyclopedia Iranica, Sasanika, The Avesta Archives, and Intro to Zoroastrianism are some of the noteworthy websites that put forth information and knowledge in a user-friendly format for one and all.

Yuhan S-D Vevaina, who teaches Zoroastrian Studies at Stanford University, speaks about the need for a Zoroastrian mainstream website that would speak about history, culture, religion, and contemporary life with content written by people who are educated and have done scholarly research to back up their writing. This would allow for readers to get a clearer understanding of their roots, be it in religion or culture. Such an initiative would remove a lot of the hearsay that one inadvertently finds on the internet. And provide the youth an avenue to seek more information in a way they are comfortable with.

Social media provides the platform for the more topical, current and instant events and news that can engage Zarathushtis all over the world. The YOUTH Facebook page of the recently concluded 17th North American

Zoroastrian Congress in Los Angeles took the power of social media and engaged the youth before they even got to Los Angeles for the Congress, and then used the page as a medium for disseminating news, putting out call to actions, sharing memories, and making lasting friendships.

Websites, blogs and Facebook pages have also brought about a big revival in the celebration of our glorious traditions in food. Be it Parsi or Persian food, there are excellent websites run by home cooks who painstakingly revive old long forgotten recipes and diligently document them and share with the world. Rita Kapadia, Niloufer Mavalwala, Perzen Patel, and Peri Avari are familiar names in the Zarathushti world because of the food blogs they run. Such ventures also allow us to portray Zarathushtis to the larger world in a positive light..

The very nature of the internet allows anyone and everyone to voice their opinions. Therefore, the challenge today is to discern and separate the opinions such that the voice of the experts is heard and that enables the reader to then define their own thoughts and

ideology based on factual research. The hope is that the internet will slowly police itself through user intervention and the next generation of websites and social media pages will come out with even more credible content that help in informing the world about our beautiful and ancient religion and culture.

Here is a list of some of the websites mentioned in the article:

- o Encyclopedia Iranica <http://iranicaonline.org>
- o Sasanika <http://sasanika.org>
- o Avesta – Zoroastrian Archives <http://avesta.org>
- o Intro To Zoroastrianism <http://introtozoroastrianism.com>
- o Rita Kapadia: Parsi Cuisine <http://parsicuisine.com>
- o Perzen Patel: Bawi Bride <http://bawibride.com>
- o Niloufer Mavalwala: Niloufer's Kitchen <http://nilouferskitchen.com>
- o Peri Avari: Peri's Spice Ladle <http://perisspiceladle.com>



A screen grab of the website, Parsi Khabar



Arzan Sam Wadia is the Chair of the Information Technology Committee of FEZANA and is a Board Member of the Zoroastrian Association of Greater New York. Arzan is the co-founder of Parsi Khabar (www.parsikhabar.net) an online news portal about Parsis: The Zoroastrians of India.

DIGITAL PRESERVATION

FIRES: Attaining the Vision

Yasmin Pavri



In 2010, the Federation of Zoroastrian Associations of North America established “FEZANA Information Research Education System” (FIRES) with the mission to establish and provide global access to a centralized collection of materials in print and electronic form, primarily pertaining to the Zarathushti faith, culture and history.

FIRES is a central resource for materials in print or electronic format donated by individuals, purchased, or subscribed and accessible by anyone with a computer. Although physically located at the Zoroastrian Association of Houston (ZAH), FIRES has an online presence at www.FIRES-FEZANA.org. Its online catalog is designed to manage a centralized database of all books and resources held at various FEZANA member associations. Currently the catalog includes the collections of ZAH library, the Nania-Kanga Patel library of ZAC-Chicago, as well as libraries at ZANT (Dallas) and ZAC-Los Angeles. It is hoped that in time all other FEZANA Associations will list their books and resources on the FIRES website. This will enhance the visibility of our rich scholarly resources both within and outside the Zoroastrian community.

The Zarathushti community has established itself on the North American continent. What we need now is a central source of information that provides access to the geographically dispersed libraries across North America. Organized and reliable information on all aspects of the Zoroastrian religion, history and culture will be invaluable in nurturing and fostering awareness and knowledge. It behooves the Zoroastrian community to be increasingly conscious of the need to focus not only on the immediate future, but also on a more distant horizon.

A library is more than a space where books are housed. It is also an active agent in the creation of ideas. Under the leadership of Aban Rustomji, the library committee continues to plan a rich agenda of programming. Some noteworthy functions of the FIRES library include:

* Lecture Series - Our annual lecture series continues to attract wider audiences each year. FIRES has hosted an annual FEZANA Khorshed Jungalwalla Lecture as well as three NAMC conferences. Starting in 2013, all lectures are recorded and, if permitted by the speakers, posted on the FIRES website.

* Manuscript and Archival Support - FIRES acquired four rare Vendidad manuscripts, one of which has been digitized by Professor Cantera in Spain and is available for researchers at www.avesta-archive.com. FIRES also collaborated with FEZANA Journal to scan and upload digitized all copies of the FEZANA journal.

* Historical Preservation - ZAH is privileged to be the recipient of Dastur M. N. Dhalla Memorabilia Trust, which includes silver caskets, scrolls from various anjumans and punchayats (boards) and his PH.D degree from Columbia University. The Dhalla family have gifted a permanent display case to the library.

* Oral History Archives to Preserve the Memories of our Community - Preserving books and documents is an essential, but insufficient first step. It is just as important to document the lives, thoughts and memories of the rank and file members. In Houston, we have been excited to start an ambitious and much-needed endeavor to document and preserve the rich backgrounds and experiences of fellow Zoroastrians in Houston. Priceless reflections such as: What would it feel like walking down a mohla (neighborhood) in Surat in the 1930's or the aroma of fresh baked goods from Boman Abadan's bakery in the early morning? Memories come in many shapes and forms and it is vital that these diverse and unique memories are not to be forgotten but are documented for posterity. A collection of oral histories of senior volunteers from our community will preserve the past by documenting our heritage.

* Provide a Valuable Resource – With a unified catalog of materials available in North America, the FIRES website is a great resource for qualified researchers by making available scholarly materials and scholarly exchange programs. FIRES also gets requests from a wide variety of non-scholars for information.

* Interlibrary Loans – Our online catalog shows where each book is physically located. We encourage you to visit our online catalog to look at our new book additions and request a loan of books.

Future plans for FIRES include:

* Stipends to Young Scholars for Research Needs - Unquestionably, for the Zarathushti religion, culture and history to endure, it is imperative to encourage the community's youth to study

all aspects of Zoroastrianism. FIRES proposes to extend financial assistance to individuals interested in pursuing Zoroastrian studies at Universities in North America.

* Create Educational Module - In collaboration with other FEZANA committees and scholars, FIRES proposes to create educational modules on various subjects related to Zoroastrianism. Visiting scholars such as Rashna Writer, Jenny Rose, and Touraj Darayee have all suggested various topics and have offered to help create these modules. Suggestions for modules include:

o Videotaping the significant ritual/ceremonies so they do not become a lost art.

o Developing educational videos for pre-Navjote-aged children along with a written parental guide. The materials will include the significance of the Navjote ceremony as well as the prayers and their meanings. **

What Can You Do?

Individuals can help FIRES maintain their mission in several ways:

* Books and Other Materials - FIRES is always looking for interesting material to add to its catalog. If you have a collection of books, artefacts, that reflect our culture and heritage or other materials that fit our mission, please contact FIRES.

* Donations – FIRES is given an annual budget by FEZANA. It is used to buy books, for better equipment and to help FIRES digitize and preserve manuscripts and rare books. Part-time staff for specific tasks will become essential as more resources are added to the collection and to assist in locating hard to find research materials. Please donate to FIRES through FEZANA.

* Spread the Word – Let your friends know about FIRES. Visit the website. Send FIRES your thoughts and suggestions.

Creating Visual Meaning: Film and Photograph

Sheeraz Y. Wania

The German philosopher and cultural critic Friedrich Wilhelm Nietzsche, has been known to say that ‘there are no facts, only interpretations’ and this can especially hold true when one is contemplating the documentation of one’s culture and heritage. With this important aspect at heart, I will address some of the areas that will require due consideration, particularly in today’s digitized environment.

Usage: Old photographs and films can play a very important role in helping us understand our past, be it through language, fashion or stories told and seen, but diametrically it can also create a vast void of knowledge filled with myth and speculation, if not contextualized and seen in isolation of the world in which they once existed.



Photo of Dastur Maneckji Dhalla’s wedding, 1942

‘Representation’ is at the heart of any archiving or documentation and can be simply translated as the ‘relationship of the creator with the end user or viewer’. With any form of documentation, meaning may be influenced by how it is made and presented and hence the notion of ‘context’ or the frame of reference becomes paramount. One simple example is how Parsis are represented, or to some extent ‘misrepresented’ in Bollywood movies in terms of their stereotypical portrayal. The woman is usually clad in a kor ni saree [a traditional saree with an embroidered border] and the man typically wears a sudreh [religious undershirt] or a white bush shirt. They also use the word dikra [child in Gujarati] and sala [a mild swear word in Gujarati] a lot. This characterization can be comical at an ostensible level, and quite harmless, but stereotyping often leads to discrimination and an inability to question one’s own view.



Yasmin Pavri has been an active member of the Zoroastrian Association of Houston for more than 30 years. She currently serves on the FIRES Operation Committee.

We see this happening in media all the time, be it the stereotyping of women or a certain group, culture or religion.

Responsibility: Documentation has essentially two important facets; first, the capture of information, be it photographs, documents or videos, followed by the interpretation, organization, and management of that information. Preserving cultural heritage is a responsibility we all share. We all do our bit, at some point or the other, by dipping into our family archives, taking pictures in and around our homes and daily lives, recording festivities, lavish weddings, navjotes [declaration of faith ceremony] or small celebrations at home. We also record conversations, songs, nursery rhymes, hence documenting an oral history of sorts. But it is imperative that easy and beneficial access of these archives is assured, with the idea to share knowledge and with a focus on creating awareness about our history and culture. Working towards this end, FEZANA Information Research Education System (FIRES) is a centralized collection point of materials in print and electronic form, primarily pertaining to the Zarathushti faith, culture and history. I suggest that they come up with criteria for submission, for example resolution requirements, themes, and historic periods, so that Zarathushtis worldwide can dip into their family archives to submit photographs and films. Then it would be the mantle of FIRES to systemize and disseminate that information in the most beneficial way.

Authenticity: In a technological environment we are all ‘producers’, and technology has given us the capacity to brand ourselves, retake our identities and edit our own histories and stories. This gives rise to authenticity issues and a need to verify the credibility of the source; a photograph, video or film in this case. This takes us back to the ‘responsibility’ aspect and the two should be seen as interconnected. In my opinion, FIRES as an organization representing a larger whole, should work with a definite vision as to how it wants to portray the ‘Zarathushti brand’, establish some guidelines and then work within those set parameters.

Technological Details: Last but not the least, if we are talking about digital photography and films, technology and its related issues cannot be ignored. Technology is ever changing — from floppy discs to CD-Rom, from networked communication to platformed sociality, we now live within a culture of instant connectivity. Accordingly, aspects such as format, hardware, and software, storage, dissemination and circulation, and the intimidation of the obsolescence of technology are all areas that need examination. We should be aware and be on top of the technological changes and adapt and reorganize ourselves accordingly, so that we don’t lose any important archives in the process.

The above points will hopefully help us pave a road map for future implementation as to how audiovisual material can be used,

not only to share our personal or collective stories, but to use it to determine and define us as a people and as a community, and to be used as a powerful tool to raise awareness about our heritage and history to our future generations and to others outside of our cultural diaspora. **



Sheeraz Y. Wania is a graphic designer and photographer, with a Masters in Education, from the University of London. Currently, she resides in Toronto, teaching courses related to design, culture, and technology at OCAD University, Sheridan College, and George Brown College.

LANGUAGE

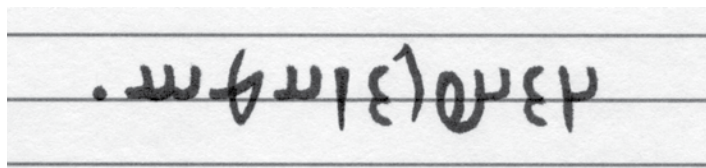
Culture is expressed and passed on through language. Joshua Fishman, an American linguist, said that language was the mind, spirit, and soul of a people, so every effort must be made within families to promote and practice our first languages, Farsi and Gujarati. The languages of our prayers, Avesta and Pazend, are no longer spoken so learning them is more of an academic pursuit. However, the Zarathusti community needs to commit to providing opportunities to study of Avesta, and, possibly engage in learning it, rather than leaving it to academia to study it as a language of the past

On Learning Avesta

Mike Titsworth

I’m not a philologist. I’m not a convert to Zoroastrianism. I’m a poet-musician, artist, husband and father. I’m a rogue Z from Texas who dabbles in the reading, writing, and contemplation of the Avestan language as a means of active meditation. I may irritate Avestan scholars when I say this, but I believe the language of The Avesta is not a ‘dead language.’ In my opinion, it is an ethically functional ‘dormant language.’ The Gathas are a flower of praise hymns, composed and sung by Zarathustra himself, which continues to pollinate the far reaches of our Earth.

With the Zoroastrian diaspora, and the advent of the internet, the resonance and substance of this most noble and spiritual path could completely envelope the world in a song of renewed interest.



“Chehereh Nama” written in Avesta courtesy Mike Titsworth

Avesta should be studied, written, spoken and sung truly by all who worship Ahura Mazda. I'm not saying everyone should devote all efforts towards a PhD, or the priesthood. Instead, I say learn Avestan as a family, with friends, and as a community. If you aren't familiar with it, why not start learning it? I mean, for goodness' sake, Avesta preserves all the PIE (Proto-Indo-European) laryngeals! Amazing! I repeat that I am not an expert in Avesta. I'm more of a lexicologist nerd, in that I have a love for the meanings of words, especially Gathic-Avestan words. Some of the resources I use are:

- o A Grammar of Gatha-Avestan by Robert S.P. Beekes (Brill Academic Publisher, 1997)
- o An Avesta Grammar in Comparison with Sanskrit by Abraham Valentine Williams Jackson (Stuttgart, W. Kohlhammer, 1892; e-book available on Amazon)
- o Avestan Digital Archive - <http://ada.usal.es/>
- o Avestan Resource - <http://www.avesta.org/>

As part of my nightly ritualistic practice, I practice the Din Dabireh, which is the script for ritualistic, spiritual purposes. As I had been reciting Ashem Vohu and Ahuna Vairyo [names of basic prayers] for years, I thought it was about time to begin to learn to write in Avesta as an act of contemplation in the cultivation of Vohu Manah [good mind in Avesta], while ensuring my pronunciation of the mantras is correct.

Avesta is written from right to left, and I've made a conscious decision to write Din Dabireh with my left hand for ease of viewing what I have previously written. I have written English with my right hand for my entire life, so this change has been quite an experience, my brain forced out of its comfort zone. And now it processes things in a completely unusual way while doing vocabulary exercises.

I have recently been focusing on my Avestan vocabulary, and the artistic side of calligraphy. The grammar of Gathic-Avesta is VERY complicated so I have not tackled this aspect of the language.

I've made numerous expert acquaintances around the globe that have mentored me in my exercises of self- instruction, and I am beyond grateful for the many wonderful resources and critiques. I have definitely learned one thing in this journey of teaching myself Avesta – if you ask three people a question about it, you will get four answers.

At night, I pick an Avesta word to practice. For example, I'll pick a word that transliterates as 'unto the deserving needy.' Then I practice writing and speaking it, while mentally relating that word to my life. Out comes the lexicologist in me, and I'll keep this word close to me, asking myself, "What can I do to awaken this word from its dormant state and into full bloom?"

Good thoughts beg the question, "What skills do I possess?" (I have carpentry skills and I built bicycle- jumping ramps when I was a kid). I then use my good words to communicate my desire to help, and

now I am performing good deeds helping to construct wheelchair ramps for homebound people who are financially destitute.

I believe something magical happens when you recite the sacred hymns of The Gathas [holy hymns recited by Zarathushtra] in its original tongue of Gathic- Avesta. One's mind can be swept away to another age while singing the world's most gifted passages from mantra-man Zarathustra. There is a prescription for happiness in the recitation of Zarathustra's hymns and it would be a shame for Avesta to disappear into the world of scholars, whether due to disinterest, or neglect. This most universal oral tradition of The Gathas really should be actively preserved and fully cherished by all Zoroastrians because of its noble antiquity and its precious legacy to the world's rich religious tapestry that we have today. **



Mike Titsworth is a husband, father, and poet-musician living the Z-Life in Texas. When he is not making music, playing with his kids, or working with his wife on their wedding stationery business, he can be found making wheelchair ramps for those who are differently abled.

IN CLOSING

The preservation of art, literature, language and artifacts and the perpetuation of customs, rituals and festivals is important in the telling of the story of a people. We are at a unique point in North America where many immigrant Zarathushtis grew up immersed in the culture of their fore-parents, but now live outside the 'home countries'. Slowly and steadily, their collective memories will fade as they integrate into this society. The second and third generations of Zarathushtis, born and bred in North America, might not have the same fierce connection to another place, another time. We cannot afford to wait to tell our story, or hope that someone else will take on the task. Ultimately, the responsibility to preserve our heritage is in our hands. **

No culture can live if it attempts to be exclusive.

- Mohandas Karamchand Gandhi

Reflection on the 2014 Zoroastrian Congress

Payam Goshtasbi

As 2014 drew to a close, my friends and I were looking forward to attending the 2014 North America Zoroastrian Congress. Although I had been to two other Congresses in the past, taking place in Miami and Freemont, I was particularly looking forward to this one. I was now older and had a deeper appreciation for the forums and culture that I previously lacked; however, I was still young enough to be able to enjoy the night events.

As a young adult trying to figure out my place in the professional world, I was particularly looking forward to all of the seminars about entrepreneurship and leadership that would be offered. I remembered a speech given at the Freemont Congress that was especially compelling, a gentleman from Google spoke about young Zoroastrians starting out in their professional careers; he spoke in such a manner that his advice and guidance will always be ingrained in my mind. I was eager to not only repeat this experience, but repeat it with the deeper understanding of a mature mind and the drive of a young professional.

The planners of the Congress did an excellent job of implementing the youth in their seminars. Rather than having the older generations simply go on stage and give their speeches, the planners of the Congress made it in such a way that our fellow youth Zoroastrians were often on stage as active members of the forums and discussions, attracting the younger generations. At first I only attended the forums that my friends were involved in to support them, but soon enough I felt as if I was part of the Congress too. Seeing people around my own age on stage motivated me to go out to the events and be an active member of the Zoroastrian community, which has so many inspirational and warm-hearted people to offer.

However, after attending all these speeches and ceremonies, I felt as if I was missing a crucial aspect of the congress I had come for, to meet new people. Looking for a way to meet more of our fellow Zoroastrians, I decided to attend "Young Adults Session: Break Ya Ice." I showed up a little late to this event and to my surprise, when I walked in there was a huge group of kids 20-35 having a great time. Although the event itself wasn't anything special, I found that it was very refreshing just being in a group of youths my age and getting to know other fellow Zoroastrians at a similar point in our lives.

In summary, the 2014 Zoroastrian Congress provided me with a

key take-away: while the facts and enormous amount of information learned every day may be forgotten by week's end, the one thing that will endure, and that I will always remember and cherish, is the relationships I formed with my peers. At this past congress I was able to meet an amazing group of people that I am extremely grateful for. Everyone from the people I met while eating next to them to the two amazing gentlemen I was stuck with in an elevator for an hour, these are the people who made that weekend memorable to me.

The Congresses are unique and an amazing place in that everyone from around the world comes together for one cause: Zoroastrianism. For one weekend you can walk through a crowd of people you've never met before in your life and not feel out of place, but at home because they are all in a way your family.



Payam Goshtasbi was born and raised in Orange County, California. He graduated UCR with his bachelor's degree in mechanical engineering with undergraduate research studying latent heat storage in molten salts. He is currently working as a sales engineer for MCR Technologies.



Early Zoroastrian Tombs in China

Dr. Jenny Rose

Dr. Jenny Rose's presentation at the NAZC focused on recent discoveries near the ancient capital of Chang'an, modern Xi'an. Those finds include funerary monuments of Sogdian Zoroastrian community leaders living in that part of China in the late 6th century CE. Epitaphs on the monuments indicate that these Sogdians were mostly second-generation emigrants to the region, whose families had come from cities in the region of Sogdiana (modern Uzbekistan/western Tajikistan) such as Bukhara or Kesh (modern Shahr-i Sabz). The funerary monuments are of two types: 'funerary beds' consisting of a stone base with legs and a series of carved and painted stone panels along the back and sides depicting the life of the deceased; and house-shaped sarcophagi, with similar carved scenes around the outside (see, for example, Fig. 1).

In her capacity as the study leader for a tour along the Chinese Silk Roads in October 2014, Dr. Rose examined examples of each of these artifacts in museums in Xi'an. She used detailed photographs of these artifacts in her NAZC talk, to show the lifestyle of contemporary Sogdian Zoroastrians, as well as their beliefs concerning the afterlife.

Fig. 2 shows a scene from the eastern side of the sarcophagus of Wirkak, a Sogdian Zoroastrian official, who had died in his 86th year in 579 CE and had been buried with his wife, Wiyausi, who had died three months later. The image depicts the moment when two padam-wearing priests have concluded the fourth day (chaharom) ceremony after death, and the couple crosses the bridge with a caravan of animals, having avoided the monsters in the turbulent waters below.

Fig. 3 is a close-up of the top right corner of the eastern wall, showing a place beyond the mountaintops, where the couple, kneeling on carpets, is greeted by three crowned female figures. The woman in front holds her kusti with her right hand, and with her left hand reaches for a document offered by Wirkak; she may be the Daena, the person's inner conscience, said to greet the good

soul as a beautiful woman, and the document may be the account of the deceased's thoughts, words and deeds. In a circle above this scene is a male figure holding a trident and sitting crossed-legged upon three kneeling bulls. This is Good Vayu, yazata of the wind and atmosphere. Sogdian murals at Panjikant (in modern Tajikistan) depict Vayu in a similar manner, like Shiva, the Hindu divinity, with whom he seems to have been identified from the Kushan period (2nd-3rd centuries CE) on. The presence of Vayu recalls passages in the Hadokht Nask (2.7-8), where the soul of ashawan is greeted by a 'sweet-scented wind', and in Bundahishn (30.23), where good Vayu takes the ashawan by the hand from High Hara 'to its own place'.

Dr. Jenny Rose teaches a class in Zoroastrian Studies at Claremont Graduate University. She holds a doctorate in Ancient Iranian studies from Columbia University, New York, and her dissertation was published in book form as *The Image of Zoroaster: The Persian Mage Through European Eyes* (Bibliotheca Persica Press, 2000). In 2011 Jenny published *Zoroastrianism: An Introduction* (I.B. Tauris), and *Zoroastrianism: A Guide for the Perplexed*, (Continuum), both of which has been favorably reviewed in the US and abroad. Jenny lectures extensively at other academic institutions, museums, and Zoroastrian Association events throughout North America. She led a study-tour of some of the most important archaeological, cultural and devotional sites in Central Asia in the recent years.



The Youth Perspective on Zoroastrian Education

Autusa Behroozi



Autusa Behroozi was born in Dallas, Texas, and has been a member of Zoroastrian Association of North Texas (ZANT) for as long as she can remember. Monthly teen religious classes have educated her in the specifics of our religion and invigorated her to learn to read and write Farsi. She is currently a senior at Flower Mound High School, Co-Founder of Raise 4 a Cause, and involved in her immediate and Zoroastrian community. Her academic interests lie in Environmental Architecture and Medicine, and Ms. Behroozi is hoping to attend Rice or UT in the Spring of 2015.

After our intergenerational panel at the 2014-2015 Unity Zoroastrian Congress, an Iranian intellectual asked me the meaning of "Ashem Vahoo." I have been told the meaning of the prayer is "follow the path of righteousness," but then the prayer would be five words long. The five word translation limits the extent of comprehension of the beauty in the religion we practice, and restricts Mazdayasnis from applying those principles to daily life encounters and to better the lives of people. We need to teach our religion, the scripture's meanings and Zoroaster's teachings, rather than the meticulously sorted details of traditional practice. Our current education does not communicate beyond the immediate meaning of our prayers and rituals. The same way we do not educate beyond the immediate enclosed community of Zoroastrian raised children. To keep our practices and teachings alive, we must relate the depth of our translations and reform our material to teach the essence of our religion rather than the traditions (rituals) and practices, "teach religion, not religiosity" (Kersey Kabraji).

The difference between the religion and religiosity is comprehension of the meaning of our prayers instead of reciting the words. The meanings and principles of our religion need to be conveyed through our current education system, but are currently dimly conveyed through our current focus on recitation, ritual, and fastidious concern of correct pronunciation and practice. The rituals and prayers are the means through which we convey and practice these

Zoroaster's concepts, but we must not forget the core ideology. The importance is in the application of the concepts Zarathustra tried to convey in his words. We need to return to our roots in education. Our simple scriptures have a divine message for humanity which is timeless but it is a hidden message only scholars of the religion hear rather than our youth. The diversity of our community culturally and religiously calls for a reformed educational system towards teaching meaning to develop moral and principle in youth. Currently, our comprehension is minimal because the streamlined

version of our prayers, "Follow the path to righteousness," does not suffice to aid youth with moral dilemmas. How do I know which path is righteous? To continue my example, regardless of the major you enter, there will be moral and ethical decisions such as: would you refuse medical marijuana to a terminal cancer patient in pain and risk losing your license. However, simple recital of the prayers in Avestan or simplified translations will not help us in our applications to be better people. In reality, Ashem Vahoo

means doing good for the sake of doing good, not for the sake of receiving compensation (Darmesteter). In this situation it would become a question of am I not offering medical marijuana to this suffering patient to keep my practicing license or am I justified in my actions because I can medically help more people in the future? Based on that direct translation, Mazdayasnis can better apply Zoroaster's teachings to our decision making in pursuit of "the best good" in our lives. We can apply the word for word translations and teachings of our religion to improve the lives of individuals.

It becomes increasingly important to teach the meanings with our progressively expanding community. Rituals and practices differ slightly in different cultures, so we need to shift our focus to the commonalities and the root of our religion to accommodate the growing diversity of our community. As a community we need to face the fact that we have a variety of cultures within our religion: we have a positive population growth rate in countries such as N. Zealand, Singapore, US, and Canada (Rivetna, 2012 FEZANA Demographic). We need to reach out to this non-traditional Zoroastrian community which makes it even more important to teach the meanings of our religion. Where culture and tradition differs, we need to go back to the roots and teach the scriptures. Inter-faith marriages have been an increasing trend in our community; the 2012 FEZANA Demographic shows trends of interfaith marriage up to 59% in the US and Canada in 2011. If we want to teach our younger generations about Zoroastrian teachings,

we also need to learn to include these differing cultures in our education. In place of teaching culturally based rituals, we need to teach concepts featured in the Soroash Baaj, Tandorosti prayers, and seven Amesha Spentas (or the Fravashi). To teach children who are raised in dual-faith families, we need to expose them and educate them in our religious base which is the Gathas so that they can personally make an informed decision. The responsibility of raising a child to be a Zoroastrian has often been placed on their parents; however, a child must be engulfed in a community to truly get a feel for our scriptures and see role models of mobeds and Masdayasnis who live by them. What most interfaith-married parents do not realize is that their child is much more exposed to other religion that surrounds them; in addition there are, pull-factors such as peer pressure which attract the children to gravitate towards the other religion. How are we expecting one parent to singlehandedly engulf their children in the depth of our prayers--in a society filled with much stronger influences--when, "it takes a village to raise a child." The Zoroastrian community needs to own up to the responsibility of properly educating non-Zoroastrian individuals and families about the essence of our religion.

There was a time when it was necessary in India to keep our community enclosed and to habitually perform our rituals to preserve our religion, but now it is time to open our minds and arms to a larger community to conserve our faith. As we diversify our community, it becomes necessary to convey the fundamental aspects of our religion which are constant across cultures. To reach out to the next generation of Zoroastrian community in diaspora, we need to make information and religious classes more accessible and more concept based rather than ritual based to interested individuals to increase their knowledge about Zoroastrianism. Tomorrow, when these youth create lives for themselves in the new world, we want them to live by Zoroaster's practices, so that they improve the lives of individuals worldwide through their wisdom and righteous choices. Although, we have a lot of diversifying trends and a growing percentage of interfaith couples, at the end of the day, we have more commonalities than disparities as a community, and we need to concentrate on those similarities to unite our worldwide Zoroastrian population.

Bibliography:

Translated by James Darmesteter (From Sacred Books of the East, American Edition, 1898., Vol 3, p 216.)

Rivetna, Roshan. The Zarathushti World – a Demographic Picture (n.d.): n. pag. Fezana.org, 28 Oct. 2012. Web. 27 Jan. 2015.



Zoroastrian Revival: A Context for Understanding Cultural Identity

Khodadad Kaviani



Khodadad (Khodi) Kaviani, Ph.D. is an associate professor of education at Central Washington University. His latest book is titled, Rethinking Khayyaamism: His Controversial Poems and Vision, published by Hamilton Books. To access the songs associated with the monthly festivals, visit www.khodi.com and follow the link to Central Washington University Digital Library. Email: khodi1@comcast.net

Context Matters

At least one of the significant unintended consequences of the establishment of an Islamic theocracy in Iran has been the awakening of many Iranians to their cultural traditions that are rooted in the Zoroastrian practices. Zoroastrians have preserved the monthly and seasonal festivals by celebrating them even under oppressive circumstances (Sorooshian, 1370 Khorshidi; Kaviani, 2014).

In the context of the past and present use of political Islam to replace the existing social norms with archaic morality and to redraw the national boundaries in the Middle East and North Africa, certain heritage communities living in the United States are under pressure to define their identities. For example, the Iranian heritage communities living in the United States include the children of recent immigrants from Iran who may or may not have a depth of knowledge about the cultural discourses (e.g., language, customs, etc.) of their families. In light of the on-going negative news reports related to the atrocities committed by the groups associated with the Islamic State in Iraq and Levant (ISIL), and the oppressive practices that exclude women from basic rights of driving in Saudi Arabia and social restrictions symbolized by the forced hejab/veil that Iranian women are required to wear, many Iranian Americans are baffled by these practices that are incongruent with Iranian ideals (Ahmed, 2012; Gresh, 2006; n.a. 2014, Two Women, 2014).

As a consequence, an ever increasing number of Iranian-

heritage immigrants are coming together to celebrate Norooz, Sadeh, Mehregaan, Teergaan, and other monthly or seasonal festivals that have been kept alive by the small, but growing Zoroastrian communities worldwide. For example, in the Jashn-e Sadeh festival held in Bellevue, Washington, on January 31, 2015, I observed that there were more people showing up than the place had room for. Also, as reported by Mehr News Agency, the city of Kerman in Iran witnessed the largest crowd of people who had gathered to celebrate Jashn-e Sadeh (Khajouyi, 2015). This growing curiosity by the larger Iranian community, living in and outside of Iran, about the Zoroaster's ideas and the festivals associated with each month, have challenged the Zoroastrian communities to be more inclusive and transparent about their values and practices. Given the theocratic government restrictions on religious minorities in Iran about accepting converts, the Zoroastrian community cannot publicly acknowledge those who wish to practice the religion of their ancestors. However, such restrictions do not apply to Iranians who live outside of Iran and many are studying the teachings of Zoroaster to become Zoroastrians, and are known as "baazgashti-haa" or "The Returnees."

What is attracting these individuals to the traditions of their ancestors? In the context of Iran's recent history, I argue that in Zoroaster's teachings and the monthly festivals, people are finding a cultural identity that they can be proud of, because these ideals are congruent with living in harmony with nature, peace, democracy, and progress. The twelve monthly festivals celebrated by Zoroastrians highlight the importance of: (1) Progress and renewing friendship with people and nature represented by Farvardeen (فروردین), (2) The Best Truth represented by Amshaaspand Ardibehesht (اردیبهشت), (3) Good Health/Tranquility/Perfection of Ahura Mazda represented by Amshaaspand Khordaad, another protector of water (4) , (خرداد) Rain (Teer 5) , (تیر), Immortality of the Creator that is All Good represented by Amshaaspand Amordaad (6) (آمرداد), Strong Leadership for and with Justice represented by Amshaaspand Shahrivar (7) (شهریور), Honoring Promises and Commitments, Being Honest, Light represented by Mehr (8) (مهر), Honoring all waters represented by Aabaan (9) (آبان), Honoring Fire represented by Aazar (10) (آذر), Honoring the Creator of Good Things represented by Dey (11) (دی), Good Thoughts represented by Amshaaspand Bahman (بهمن), and (12) Earth represented by Amshaaspand Spandaarmez / Esfand (اسفند). Embedded in all these monthly festivals are the values of reason, truth, peace, choice, progress, cooperation, helping others, happiness, and respect for life! The genius of this calendar is evident in providing a guide for creating a better model for personal relationships and building communities that protect human rights and promote progress. Next, two of these monthly festivals are explained.

Jashn-e Ardibeheshtgaan

Jashn-e Ardibeheshtgaan is about recognizing truth as the ultimate path to happiness. It is believed that the seekers of Ardibehesht can get rid of their depression, loneliness, and

sorrows. Ardibehesht in Avestaa is Ashaavaheeshta, and in modern Persian, Behesht (Paradise), where Good Thoughts (Vohooman = Bahman) resides. The famous Ashem Vohoo prayer is associated with this Holy Immortal. Ashaa/Asha is a significant concept with several interpretations that include truth, honesty, holy, and divine law. In Zoroaster's Songs, this concept has been repeated 180 times (Oshidari, 1371 Khorshidi). In Ahnavad, Yasnaa, Haat 29, Asha argues for granting Zoroaster the approval necessary to share his ideas with others, because Zoroaster was found to be a kind man of peace who spoke the truth.

In the spiritual realm, Ardibehesht represents an important attribute of Ahura Mazda which is the best truth, holiness, order, and divine law. Aazar (Fire, Light), Soroosh (Protecting the people by Hearing the Holy Words and Obeying Divine Laws), and Bahraam/Verahraam (Victorious) are Ardibehesht's helpers. In the physical realm, Ardibehesht is the guardian of fire.

In spring, during the second month on the third day of Ardibehesht, when the names of the day and the month match, the special festival of "Golestaan Jashn" is celebrated. People visit fire temples and give thanks for this glorious time of the year when many flowers are in full bloom and the meadows are lush with greenery. People also pray for justice, order, and truth in their lives and their communities. Each festival has its own flower and Marzangoosh (مرزنگوش) is the flower associated with this festival. This flower is tiny and white, with a bit of reddish color blossoms.

Jashn-e Khordaadgaan

Jashn-e Khordaadgaan (جشن خردادگان) is about celebrating and honoring water and represents the perfection of Ahura Mazda. Khordaad is the fifth Holy Immortal and the name of the third month in the Iranian solar calendar. A Holy Immortal is more powerful than an Eezad (ایزد). They all have different strengths and qualities. Khordaad Amshaaspand (خرداد امشاسپند) has three helpers: (1) Farvardeen فروردین = The Energy of Progress and liveliness of life نیروی پیشرفت و نیرویی که (2) Teshtar تشر = Rain Star ستاره باران; and (3) Baad باد = Wind and its various manifestations that include (a) the loud inspiring voices that give the brave the courage to move forward and defend, (b) the loud shouts given out when in need, (c) the voices of relief when the much needed help is arrived, (d) breathing, and (e) the wind that brings the rain clouds over to deposit their water on land, etc. They all work together to bring water to all living creatures on the earth. Maintaining good hygiene by washing is another attribute of Khordaad.

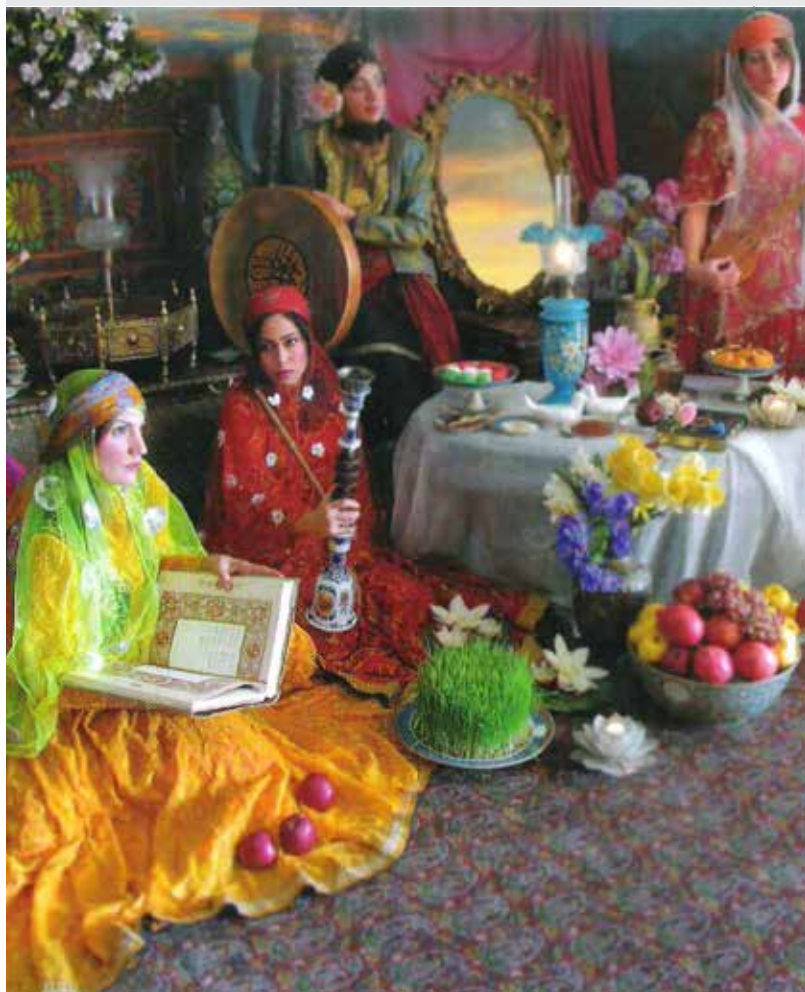
This festival shows the importance of water in our world and the perennial nature of the struggle between drought and rain. As the competition for this scarce resource increases, we all need to do our part to honor, preserve, and protect water and other valuable resources. The explicit mention of water, earth, wind, and fire show the respect for these life-sustaining natural resources and the festivals show the peaceful and progressive nature of the Zoroastrian culture

References

- Gresh, A. (2006). Saudi Arabia, a Kingdom Divided. *The Nation* (Vol. 282, No. 20), 18-22.
- Kaviani, K. (2014). *Rethinking Khayyaamism, his controversial poems and vision*. Lanham: Hamilton Books.
- Mehr, F. (1994). *Deedi no az deeni kohan: Falsafe-ye Zartosht* (2nd ed.). Los Angeles: Unlimited Printing.
- Oshidari, J. (1371 Khorshidi). *Daaneshnaameh Mazdayasnaa: Vajheh naameh toozeehee aaeen-e Zartosht* (1st ed.). Tehran: Nash-e Markaz.
- Soroosh Sorooshian, J. (1370 Khorshidi). *Taarih-e Zartoshtiyaan-e Kermaan dar in chand sadeh* (Vol. 1). Kermaan: Sherkat-e enteshaaraat-e elmi va farhangi.

Electronic Sources

- Ahmed, A. (2012). Mali Islamists destroy tombs in Timbuktu. CNN, (Friday, October 19, 2012). Retrieved from <http://www.cnn.com/2012/10/18/world/africa/mali-shrines>
- Two Women (2014). Two women referred to 'terror' court for driving in Saudi Arabia. Retrieved 2-7-2015, from www.theguardian.com <http://www.theguardian.com/world/2014/dec/25/women-charged-saudi-arabia-driving-ban-terror-court>
- Khajouyi, L. (2015). Photos: Kerman holds biggest Zoroastrian Sadeh Festival Retrieved 2-3-2015, 2015, from <http://www.payvand.com/news/15/feb/1013.html>
- n.a. (2014). Islamic State 'kills 322' from single Sunni tribe. BBC News Middle East. Retrieved from BBC News Middle East website: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-29871068>



Playing the game of life

Kimiya Shahzadi

I wrote this poem 2 years ago for my friend who was on the verge of committing suicide. I was able to help her and she happily graduated a few months ago. She said my poem inspired her and that's priceless to me.

Kimiya Shahzadi was born and raised in Melbourne, Australia. She is double majoring in Psychology and Economics at the University of Melbourne and is aiming to get per PHD in Psychology.



Life is a quick game, you only get one try
 There are many hard levels
 You have to stand tall and wisely fight
 Sorry, no points awarded to cowards
 Only those brave enough to walk in the light
 And stand up for what's right, deserve eternal delight

It's going to be challenging, I'm not going to lie
 But your efforts will be rewarded
 And those are hard to come by
 So don't waste a minute, the timer is ticking by
 Go out and make the most of life, that's called living life

Every day is a new adventure
 Don't let the past dictate your future
 Make your dreams a reality
 To not do so is insanity
 Greatness is in your reach
 Doubting yourself is the first defeat
 Sure the dreams are free
 But the hustle's sold separately

Worthwhile things don't come easy
 Earn it and you will feel worthy
 Positivity will help you break through
 Your wealth is not what defines you
 So don't be waving your money in the air
 Show some integrity and kindness, that's what's rare

Progress is the key to happiness
 Having high standards are desirable, yes
 Gifting yourself a high education, is the best investment
 The benefit it brings, will be to your amazement

If you want the world to change for the better
 Commit to setting a good example now, rather than later
 People who look up to you, will follow in your footsteps
 And soon the world will be filled with more goodness

Take time every day to be grateful
 For everything you have be thankful
 It's true you could always have more
 But you could also have less, so be mindful

An optimist sees the opportunity in every difficulty
 A pessimist sees the difficulty in every opportunity
 Don't let negative toxic people rent space in your head
 Raise the rent and throw them to the curb instead
 Someone's opinion of you, doesn't have to be your reality
 Focus more on your character than reputation, to get clarity
 Surround yourself with aesthetic people like yourself
 Who appreciate you and appreciate life itself

Going through the hard times, makes the good times sweeter
 Every great professional, was once just a beginner
 So when things don't happen right away, remember
 It takes 6 months to build a Rolls Royce, and a Toyota takes a day

This road is not for the faint hearted
 Inner strength is a requirement
 Some challenges will push you to breaking point
 Only the strong willed will survive and have the antidote
 Learn to bend not break, and the world is yours to take

If you don't want pity
 Then quit saying why me
 And start saying try me
 Effort creates opportunity
 Anything you want is a possibility

It's ok you didn't make it this time
 Failure is only temporary, sublime
 It happens to the best of us sometime
 Hope will open your way
 That's what a winner would say
 So don't give up on yourself and end the game
 There's no pride or glory in that, it's just a shame

Yes, life has struggles and pain
 Accept it, move forward, there's so much to gain
 So how to win the game of life you say?
 Collect the most righteous happiness in your way
 Let's all start today

Positive Blame

Aryana Behmardian

I love writing poetry but can only get the words across when I feel inspired. I guess who inspired me was my own mom and how I never think about it, but I see so much of myself in her. I subconsciously preach her words to everyone because she has taught me so well

If I stood up as a man today,
And was asked "How did you get this way?"
I would repeatedly blame yet praise my mother.

If my mother stood up today,
And was asked, how did she get this way,
She would repeatedly praise yet blame her mother.

Womankind in fact,
Should be fined.
The blame-game leading to them every time

They nourish the seed and instigate growth,
They breathe inspiration and banish self-loath

A woman can demand respect without making a sound
She will fight 'til she drowns,
Just to save the whole town.

She is born a leader,
But then trained to follow.
In her sorrow she could wallow,
But her pride-she never swallows.

Women turned mothers are the worst you see,
They turn simple people like you and me-
Into lawyers and doctors and astronauts too,
I blame her for my successes, don't you?

The heroine of this tale,
She does not quit 'til she prevails.

A strong sense of male leadership is apparent today,
But if you asked them, how did they get this way?

"A lot of hard work and even more dedication,
Sacrifices and barely any vacations.
Learning not only to stand on my own,
But to assist the flock, my hand I will loan."

Could you do it alone?
Would taught you all this?
His mind races backwards and a female figure he begins to miss.

A woman-seemingly much like any other
But to him-a hero he called "mother"
She chased monsters out of closets and dried all his tears.
She was afraid of nothing and even wiped out all HIS fears.

She taught him right from wrong, although sometimes he didn't listen.
She knew he would make good choices though, all she was afraid



Aryana Behmardian is a junior at California State University Fullerton. She studies Health Science and works at a Physical Therapy clinic assisting patients with their therapeutic exercises. She volunteers at Saddleback Memorial hospital and after receiving her BS in Health Science would like to pursue her credential to become a 7th grade life science teacher

of was that she
She would miss him.

When he went off to that first day of kindergarden,
She knew her son would be the best,
That he would pass every life test.
She led him to his success,
And taught him that sometimes life is a mess

She set him up for failure when he needed to learn
But explained to him, he must get back up if certain goals he wanted to earn.

Everyday, they saw each other less and less because he was growing older,
But when he needed her, he always came back to complain (aka cry on her shoulder)

His mind races forward again...
"Could you do it alone?"
"Who taught you all this?"

He glances over on his desk to a picture of his mother,
And without saying a word, they understood each other
For their successes they repeatedly blame and love her

In our religion, there sometimes seems to be a divide between Parsi Zoroastrians, and Persian Zoroastrians. Though culturally unique, it's important to remember that what binds us is our beliefs—and any construct that unites differences is worth celebrating.

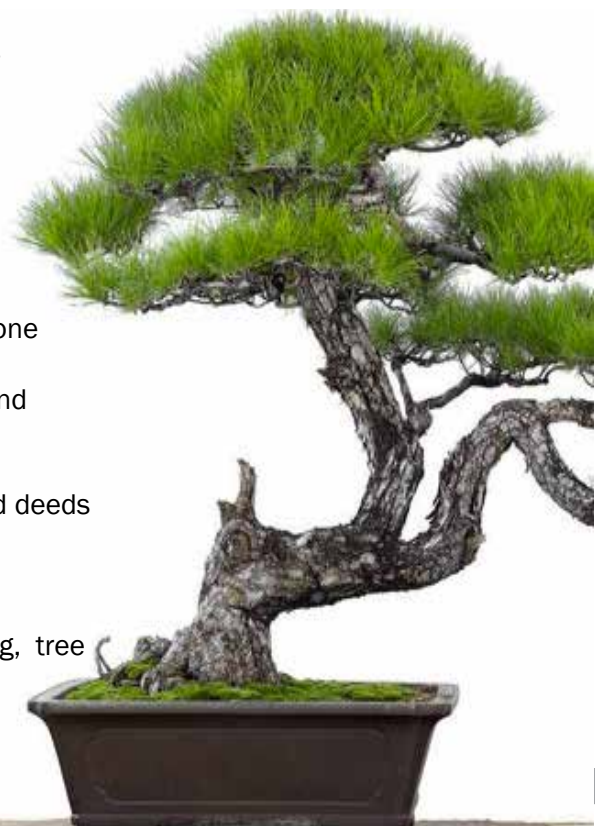


Roya Behmardian was born and raised in Southern California. She has attended CZC's Persian and religious classes all through her childhood. She graduated from UCLA with a bachelor's degree in psychology, and is now working on getting her masters in teaching at UCI.

Parsis and Iranian Zoroastrians

Roya Behmardian

Upon its prosperity, a tree full and strong
 A large wind blew, swayed the tree along
 It fought
 But some leaves- they flew away
 Parting from the ones that were destined to stay
 Separation, distance, that's all it seemed to be
 Once leaves of the same branch, of the same trunk, of same the tree
 But new patterns arose, the leaves grew unique
 Neither was better, no need for critique
 Years passed, and these new fields that some roamed
 Were no longer foreign, it was now their home
 Home is a place near dear to our soul
 But there's something else that helps us feel good and whole
 And that's connection, community
 A beautiful thing
 To know someone you have not met
 A special kind of unity
 A wind came
 And it spread not just leaves
 But also the places of zartoshtis
 India , Iran
 Put a different spin upon
 The same religion
 So it's essence- well, it's never really gone
 Customs change, traditions expand
 That's why who we are, is far from bland
 A trees is a tree cause of one seed
 We are one in the same
 When we practice good thoughts words and deeds
 same home we tie back on
 same root we will lean on
 and that's why
 we're two leaves off the same, still standing, tree



Please send your "Dear Nahid" questions that are within the confines of various aspects of the Zoroastrian religion/culture or conflict resolution to cninfo@czcjournal.org

Ask Nahid

Dear Nahid,
Why do we need religion since religion is the cause of most of the wars in today's society?

Mandana

Dear Mandana,

Religion has often been a reason for war as it is historically connected to power. The kings and rulers of England and France were considered selected by Divine Right - where their selection to be rulers was ordained by the church and they therefore thought to have been chosen by God and not by the votes of the people; as is the case today, in many countries. As a result wars ensued for power, territories and property but in order to gather a following to support the attacks, they were mostly done in the name of God and religion.

Maybe today religion is still just an excuse for those who seek to dominate and rule over others. Wars are fought for many reasons; resources, power, territory, and most upsetting of all religion. The reason we are so appalled when there is violence in the name of religion is because the root of all major beliefs are peace and cooperation. The twisted exhibitions of those who wish to do harm will never completely overpower those who wish to do good. That is the entire teachings of Zoroastrianism: to counteract evil with Good in making our decisions, speaking our words and acting on our principles.

If we choose to practice the truth of our religions, none state

to harm others. Religion when practiced honestly and without malice is a means of creating peace. Tolerance, acceptance, collaboration, mediation and many more peaceful practices are what true religious teachings promote. It is up to each individual to continue that practice of positivity and Good.

Often times the right decision is not always the easiest to make. In order to stand up to those who misrepresent their beliefs we must all stand up against intolerance no matter how grand or how small. The problem becomes the overzealous enforcers of one principle. Even an extreme Zoroastrian can decide to take up arms to eradicate those of other faiths if they so believe that their interpretation of our principles are justified. It comes to the community as a whole to join together and correct that individual or group, regardless what their principles are. As even without religion, we would still find reasons to fight and go to war.

I do not believe that religion is the cause of these atrocities, but an excuse. As history repeats itself, religion has become an excuse to obtain power, money, resources, as well as territory. These wars are brought on by the abuse of religion not the practice of religion.



Nahid Dashtaki completed her master's in both Dispute Resolution and Public Policy from Pepperdine University. She has received two Bachelor of Science degrees in International Relations and Comparative Literature from the University of California, Irvine along with extensive international work experience in the Middle East and Asia. She continues her work with mediation and conflict resolutions at Los Angeles World Airports.



From December 10 to January 31, 2014 there was a Calligraphy art exhibit in New York at Tally Beck Contemporary. It is a proud moment for Zoroastrians to have 3 of our own youth be presented in this venue.

Animating the Word

The Legacy of Iran's Minority Calligraphic Traditions

Dr. Eden Naby

Tally Beck Contemporary presented a group exhibition of contemporary works that incorporate calligraphy from Iran. Animating the Word: The Legacy of Iran's Minority Calligraphic Traditions opened on Wednesday, December 10, 2014, until January 31, 2015. The gallery is located at 42 Rivington Street in New York.

While Persian calligraphy and artwork is more familiar to most audiences, there are other rich traditions of calligraphy in the minority cultures of Iran. These traditions have inspired a genre of contemporary art that incorporates the written languages and enriches the visual expression of these peoples.

For this exhibition, Tally Beck Contemporary exhibited work by Ani Babaian (Armenian), Hannibal Alkhas, Samuel Khangaldy (Assyrian), Solayman Sassoon (Jewish), Siamak Jamshidizadeh, Pooneh Oshidari, and Kouros Vafadari (Zoroastrian).

Inspirational concept for this unique show of calligraphy from Iran comes from Richard N. Frye (1920-2014), the first holder of the Aga Khan Professorship in Iranian Studies at Harvard University. Richard Frye, an enthusiastic language learner, enjoyed rendering short Persian poems in his elegant hand. He also had a deep appreciation of minority languages of Iran and the Middle East, including those represented in this show as well as others written in modified forms of the Arabic alphabet. This show is dedicated to his memory.

Dr. Eden Naby presented a talk on this subject. Dr. Naby is a cultural historian of the Middle East with a special interest in the preservation of culture in multi-ethnic settings. Her most recent research involves the modern Assyrians, but she maintains interest in Afghanistan.

Additionally, Gallery Director Tally Beck presented a brief overview of Iranian cultural history as it relates to the exhibition.

The Legacy of Iran's Minority Calligraphic Traditions

Iran, like other geographic state entities formed on the basis of colonial negotiations in the 19th century, contains several significant historically indigenous religious groups: Zoroastrians, Jews, Assyrians and Armenians. These four groups each have distinctive orthographic traditions bound to their religious traditions and ethnic linguistic heritage.

A land that has come to represent the rise of Islamic governance during the late 20th century, nonetheless the Islamic Republic of Iran has continued a measure of the recognition of the presence of its historic non-Muslim minorities through its constitution, revised in 1980 under more restrictive interpretation than when the country first adopted a constitution in 1908.

First the Zoroastrian community, then the Jewish and Assyrian, have long roots in Iranian culture dating to the original Imperial Iran of the Achaemenids. The well-documented Armenian displacement from the Transcaucasian region of Julfa to the Isphahan of the Safavids during the 16th century marked a period of growth and influence for this community that has continued to mark it as the significant indigenous Christian presence in the country.

Despite the decline of minorities in the demographic percentage of the IRI total population in the years following the 1979 Islamic Revolution, their continued representation in the national legislature (Majlis), their private schools and cultural associations, in Tehran in particular, allow maintenance of language and culture. Acculturated to Persian through the compulsory public educational system since 1928, bilingualism among Assyrians and Armenians is widespread. The religious language of Zoroastrians (Avestan, a Middle Iranian language) and of the Jews (Hebrew), has long become Persian with the exception of the Aramaic speaking Jewish communities living in the eastern Zagros towns from Sanandaj to Urmiah. The Jews of Iran (known as Kalimi) when they wrote Persian used the Hebrew alphabet as did the Aramaic speaking Jews.

Religious orthographies, thus, enjoy extensive usage within these four communities. The strong calligraphic of Persian, written in a modified Arabic alphabet since the early Islamic period, influenced these orthographies in two important ways: an appreciation of stylized calligraphy and the incorporation of calligraphy into manuscripts that has translated into calligraphy as an integral part of contemporary art.

